



شماره یازدهم

خرداد ماه ۱۳۹۲

سال حاشیه سیاسی، حاشیه اقتصادی

متن کامل فرمایشات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
به همراه تحلیل و
اهم مطالبات



شماره یازدهم

خرداد ماه

سال ۱۳۹۲ (سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر (عجل الله فرجه)

شمار تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۳۳

سایت:

v-montazar.com

پست الکترونیکی:

webmaster@v-montazar.com



«فهرست»

مقدمه

دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری ۱۳۹۲/۰۳/۰۶

الف) اهمیت دانشگاه امام حسین در انقلاب، جایگاه انقلاب در تاریخ ملت ایران و توصیه هایی به دانشجویان این دانشگاه

۱. دانشگاه امام حسین، علاوه بر علم و رشد فکری و پرورش شخصیت، یک مأموریت تعریف شده دارد و آن پاسداری از انقلاب است

۱.۱. شما جوانان همانند اسلافتان در سپاه، خود را آماده می کنید برای این که در خدمت و دوران حیاتتان از انقلاب اسلامی پاسداری کنید

۲. سلاطین جور، قرنهای حرکت گمراهانه ای را بر این ملت تحمیل کردند؛ اما این انقلاب، تاریخ ماراتغییر داد و در صراط مستقیم قرارداد

۱.۲. صراط مستقیم ما را به هدف خواهد رساند؛ اما مدت زمان آن بستگی دارد که من و شما چقدر تلاش کرده و چقدر درست حرکت کنیم

۳. شما که می خواهید از این انقلاب حفاظت و پاسداری کنید، لازم است چند کار انجام دهید:

۱.۳. انقلاب و مبانی نظری آن را درست و عمیق بشناسید، کسانی می توانند در این مسیر محکم بایستند که از این شناخت برخوردار باشند

۱.۱.۳. تاریخ انقلاب و عینیت این نظریه را درست بدانید؛ این انقلاب، صرفاً دعانیت، دامنه وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است

۱.۲.۳. علت این که راد یوهای بیگانه نقطه ضعف های کوچک ما را ده برابر بزرگ می کنند برای این است که این تجربه را از یاد ما ببرند

۲.۳. خود را برای تبدیل شدن به یک انسان صالح تربیت کنید؛ شما جوانید و پراحتی می توانید خود را در الگوی اسلام و قرآن شکل دهید

۱.۳.۲. البته تربیت شما علاوه بر اینکه وظیفه خودتان است، بر عهده مربیان، مدیران و مسئولان دانشگاه و مجموعه سپاه هم قرار دارد

ب) جایگاه انتخابات در انقلاب اسلامی، علت تلاش دشمن برای دلسرد کردن مردم به انتخابات و توصیه هایی انتخاباتی به مردم و نامزدها

۱. انقلاب تا امروز هر قدمی برداشته نوید قدم بعد را داده است؛ گاهی خود کوتاهی کردیم و به پیش نتاختیم، اما راه هرگز بسته نبوده است

۱.۱. انتخابات بشارت دهنده گام های بعدی است؛ به کشور مصونیت و آبروی بین المللی می بخشد؛ دوستان را خوشحال و دشمنان را ناکام می کند

۱.۱.۱. دشمنان سعی دارند مردم را نسبت به انتخابات دلسرد کنند؛ برای اینکه حرکت پر شور مردم برای آنها گران تمام می شود

۱.۲.۱. کسانی درباره انتخابات ما اظهار نظر می کنند که زندان گوانتانامو، جنگ افروزی در منطقه ما و حمایت از اسرائیل ننگی برایشان است

۱.۳.۱. جواب به این اظهارات در خور ملت و مسئولان سرافراز ایران نیست؛ اما عبرت انگیز است که این انتخابات چقدر برایشان حساس است

۲. ببینید چه کسی میتواند برای عزت ملی، باز کردن مشکلات، ایستادگی قدرتمندانه در مقابل معاندان و الگو کردن ایران بهتر تلاش کند

۳. اختلاف نظر در مورد انتخاب نامزدها باعث نشود که مردم در مقابل هم قرار بگیرند و از هم کنورت بیجا پیدا کنند

۴. داوطلبان محترم هم، کار را با حماسه، شور و غیرتمندی پیش ببرند؛ اما بدون چالش و نفرت پراکنی

۵. آنکه در تبلیغات ریخت و پاش می کند و از بیت المال یا پول مشتبه به حرام بعضی ها استفاده می کند، نمی تواند اطمینان مردم را جلب کند

۶. آنچه در شعارها و تبلیغات انتخاباتی اهمیت دارد، این است که مواضع عزت آفرین، صحیح، عاقلانه و حکیمانه انقلاب و نظام تثبیت شود

۱.۶. مبادا در شعارها، به افرادی در خارج از این مرزها یا آدمهائی در داخل مرزها که حرف دشمن را می زنند، چراغ سبز نشان دهیم

موخره

پاورقی

دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۲/۰۳/۰۸

الف) تبیین اهمیت و جایگاه نمایندگان مجلس، توصیه هایی برای استفاده بهینه از فرصت نمایندگی و بیان ویژگی های مثبت مجلس فعلی

۱. اگر در دوره نمایندگی عمل نیک با نیت درست انجام دهیم، ضرر نکرديم؛ اما اگر دستاوردی نداشته یاروی ما تاثیر منفی بگذارد، بدترین سرنوشت است

۱.۱. فرصت نمایندگی مردم، یک فرصت مغتنمی است، واقعاً باید خدا را شاکر باشید؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست

۱.۲. با دید نافذ خود، مواضع امتحان را بشناسید؛ اگر توانستید از این پیچ خطرناک، نقطه حساس و پرتگاه، سلامت عبور کنید خدا را شاکر باشید

۱.۳. حرف اصلی ما این است که مسئولیت مثل خودروی تمیز خوش فرمان تندرست که انسان را به مقاصد میرساند؛ اما به همان اندازه خطرات هم دارد

۲. جای خرسندی و شکرگزاری است که حضور تخصص های متنوع در مجلس توانسته است به پخته شدن و نتایج بهتر طرحها و لوایح کمک کند

۳. در این مدت، مواضع سیاسی مجلس هم موضع گیری های درست و بجائی بود

۴. شما مثل قله هستید، آنچه از دل این قله میجوشد، بر دامنه سرازیر میشود؛ رفتار، خلقیات و تعامل شما در مجلس، بر روی جامعه اثر می گذارد

۵. کار کردن بر روی لوایح و طرحها، حق است برای مردم بر دوش نمایندگان؛ دقت، اهتمام و تحقیق شما به پخته شدن طرح و لایحه کمک میکند

۱.۵. رأی «آری»، «نه» و حتی ممتنع نماینده به طرح یا لایحه ای که رسیدگی و مطالعه لازم نسبت به آن نداشته است، خالی از شبهه نیست

۲.۵. این گلایه وجود دارد که گاهی اوقات خیلی از صندلی های مجلس خالی است؛ به قدری که از نصاب جایز فراتر است!

۷

۸

۸

۸

۸

۹

۹

۹

۹

۹

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۲

۱۲

۱۲

۱۲

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۳

۱۸

۱۸

۱۸

۱۸

۱۹

۱۹

۲۰

۲۰

۲۰

۲۰

۲۱

۳





۵.۳.گاهی بعضی در مجلس هستند، ولی در رأی‌گیری شرکت نمیکنند؛ این هم مصلحت نیست؛ حضور جسمانی و حضور قلب و ذهن در مجلس لازم است

۶.در تعبیراتی که در مجلس به کار می رود، اگر ادب و پرهیز از اهانت وجود داشته باشد و یا عکس این دیده شود، در جامعه اثر می گذارد

۷. باید در مقابل همکار خود، در مقابل دولت و در مقابل قوه قضائیه، انصاف را رعایت کنید؛ بی‌انصافی، منجر به عکس‌العمل در طرف مقابل میشود

۸. با قوه مجریه تعامل داشته باشید؛ البته این جاده دو طرفه است، باید از هر دو طرف این تعامل وجود داشته باشد

۸.۱.دولت وسط میدان است و ملامتها به طرف او سرازیر میشود؛لذا باید ملاحظه‌ی او را کرد؛ریل قانون جوری باشد که قطار دولت بتواند سر پیچ بپیچد

۹.مجلس قطعاً در رأس امور است،اما به این معنی نیست که هر نماینده در رأس امور باشد؛ یک نماینده، یک نماینده است

۱۰. اگر عمل شما با جدیت، مجاهدت، اخلاص و احساس وظیفه باشد، باقی می ماند و خدای متعال نیز از برخی کم و زیاده‌ها و مسامحه‌ها خواهد گذشت

(ب) ضرورت های حضور پرشور مردم در انتخابات؛توصیه هایی به مردم و نامزدها و تشکر از تمکین نامزدهای احراز صلاحیت نشده از رای شورای نگهبان

۱. انتخابات، پرشور و با حضور عمومی مردم انجام بگیرد؛ این موجب می شود که کشور مصونیت ، اقتدار و امنیت پیدا کند

۱.۱). نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد و این ریشه، مردمند؛ اجتماع مردم حول این نظام، مایه عزت و برکت کشور ، نظام و خود مردم است

۲. تشکر می کنم از همه نامزدهایی که صلاحیتشان احراز نشد و از نظر شورای نگهبان تمکین کردند؛ این نشان‌دهنده اهمیت و ارجحیت قانون است

۳. نمی خواهیم تملق بیجا بگوئیم، اما حقیقت قضیه این است که آشنائی ذهنی مردم ما با مسائل سیاسی، از متوسط کشورهای دنیا بالاتر است

۳.۱.خوشبختانه امروز وسیله تشخیص هم در اختیار مردم است و می توانند برنامه نامزدها را از صدا و سیما نگاه کنند و به یک نتیجه‌ای برسند

۴.نامزدهایی که در تلویزیون ظاهر می شوند وظایف سنگینی دارند؛ برای اینکه توجه مردم را جلب کنیم هرچه به دهانمان آمد، نگوئیم

۴.۱. نامزدها سعی کنند مردم را با واقعیت اوضاع و واقعیت خودشان مواجه کنند؛ اگر این شد، خدای متعال برکت داده و کمک خواهد کرد

۵.این که رهبری طرف دار فرد خاصی است، واقعیت ندارد؛حسدیاتی می زنند که هرچه بر زبان آورده نشود، بهتر است؛ بنده مثل بقیه یک رأی دارم

۶.نظام اسلامی راه خود را میبرد و هدف، راه و تدابیرش مشخص است؛تبلیغات منفی دشمنان تأثیری در کار ما ندارد؛ لیکن آگاهی و هوشیاری مهم است

موخره

پاورقی

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ۱۴/۳/۱۳۹۲ در حرم امام خمینی

(الف) جایگاه روز چهاردهم خرداددرمیان مردم ایران واهمیت وخصوصیت پانزدهم خرداددرتاریخ نهضت مردم ایران اسلامی

۱. اگرچه یاد امام همواره در میان ملت ما زنده است، ولی روز چهاردهم خرداد مظهر دل‌بستگی ملت ایران به امام بزرگوار است

۲.امسال مصادف با پنجاهمین سال حادثه‌ی تعیین کننده و مهم پانزده خرداد ۱۳۴۲است؛ پانزده خرداد، مقطع مهمی است

۲.۱. پانزده خرداد مبدأ نهضت بزرگ روحانیت ومردم نیست، ولی مقطع بسیارمهمی است؛ زیرا پیوند مردم باروحانیت را در یک سطح حساس نشان داد

۱.۲.۱. در ۱۵خرداد یک قیام مردمی به وجودآمد، ملت با مرجعیت پیوند مستحکمی داشت؛همین پیوند است که ضامن پیشرفت واوج و پیروزی نهضت شد

۲.۲. در مقابل کشتار بیرحمانه رژیم در ۱۵ خرداد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا و سازمانهای به‌اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند

۲.۳. مردم، امام و روحانیت در صحنه تنها ماندند؛ حتی مارکسیست ها و ملی گراها حرکت مردم را محکوم کردند

(ب)این سه باورد،حضرت امام وآثارآن درمعظم له؛برکات تزریق آنهادرمیان مردم وجیستی نقشه راه حرکت درمسیرپیشرفت

۱.سه باور در وجود، تصمیم و همه حرکتهای امام بزرگوار ما وجود داشت که به او قاطعیت، شجاعت و استقامت میداد: باور به خدا، مردم و خود

۱.۱.این سه باوری راکه درامام وجودداشت ، کمی تبیین می کنم:

۱.۱.۱. امام مصداق «حسبنا الله و نعم الوکیل» بود؛به وعده الهی یقین داشت و می دانست «انتصروالله ی نصرکم» وعده تخلف ناپذیرالهی است

۱.۲.۱. امام اعتقاد داشت ملت ما، ملتی با ایمان عمیق، باهوش و شجاع است که اگر پیشوایان لایقی داشته باشند، میتواند مثل خورشید بدرخشد

۱.۳.۱. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم تعلیم دهد، آن را در وجود خود زنده کرد و اعتقاد به توانائی شخصیتی خود را به بروز و ظهور رساند

۱.۲. این سه باور، محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها، همه‌ی اقدام ها و همه‌ی سیاست های امام بود

۱.۳. تا روزهای آخر زندگی، در حرف و عمل امام نشانی از افسردگی، تردید و تسلیم‌طلبی نبود؛این سه باور،روح امام رازنده وجوان نگهداشت

۲.این سه باور بتدریج در مردم همگانی شد و امید، اعتماد به نفس و توکل به خدا پیدا کرد؛ در نتیجه ایران وابسته به ایرانی مستقل و سرافراز تبدیل شد

۲.۱. وابستگی رژیم طاغوتی پهلوی به حالت شرم‌آور رسیده بود؛کشور ابتدا باسیاست ونقشه انگلیس و بعد با سیاست و نقشه آمریکا اداره می شد

۲.۲. بعد از انقلاب،آن سیاست مداران خبیث وابسته طماع پست فِردوست درمقابل دشمن وخشمگین درمقابل مردم،به نمایندگان ملت تبدیل شدند

۲.۳. قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم؛ امروز مراکز سنجش جهانی می گویند شتاب پیشرفت علمی ایران، یازده برابر متوسط دنیاست

۲.۴. اگر می خواستیم جاده، سد و کارخانه بسازیم باید به سمت ییگانگان دست دراز می کردیم ؛امروز سازندگی درکشوربه نقطه اوج رسیده است

۲.۵. برای یک جراحی اندکی پیچیده، بیمار ما باید در بیمارستان های اروپا سرگردان می شد؛ امروز پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ در کشور انجام می گیرد

۲۱

۲۲

۲۲

۲۳

۲۳

۲۴

۲۴

۲۴

۲۴

۲۵

۲۵

۲۵

۲۶

۲۶

۲۶

۲۷

۲۷

۲۷

۲۷

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۲

۴۲

۴۳

۴۳

۴۳

۴۳

۴۴

۴۴

۴۴

۴۵

۴۵

۴۵

۴۶

۴۶

۴۶

۴۶

۴۷

۲.۶. قبل از انقلاب کمترین نگاهی به مناطق دوردست کشور نمی شد؛ امروز خدمات گوناگون در شهرهای دوردست و روستاهای گوناگون گسترده است

۲.۷. درمیان جمعیت سی وپنج میلیونی،صدوپنجاه هزاردانشجوداشتیم؛امروزبا دوربرابر شدن جمعیت،تعداددانشجوییست الی سی برابر شده است

۲.۸. به برکت انقلاب، زیربناهای فراوان در این کشور ساخته شد؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد

۳. اگر خودرا با طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم، راه طولانی‌ای در پیش داریم

۳.۱. نقشه راه هم درمقابل ماست ؛همان اصول امام که باتکیه برآن توانست آن ملتق بافتاده‌ی سرافکندهرآتبدیل کندبه این ملت پیشرو وسرافراز

۳.۱.۱. نقشه راه واصول امام درسیاست داخلی وخارجی،درفرهنگ واقتصادمشخص است ؛وصیتنامه ونوشته هاوفرمایشات امام موجوداست

۳.۲.۱. توقع امام ازمستولین این بودکه بااقتداروباداره مدیرانه بتواننداین اصول را اجرائی کنند؛ملت ایران می تواندپیشبرودوالگوشود

(ج) جایگاه انتخابات درنظام اسلامی؛چستی وچراپی حماسه سیاسی؛خصوصیات انتخابات درایران اسلامی وتوصیه هایی به نامزد های انتخابات

۱. انتخابات مظهر هر سه باور است؛چون تکلیف است؛مظهراراده مردم استو رای دهنده احساس میکند به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت دارد

۲.اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است

۲.۱. نفس وروددرانتخابات،بمعنای اعتماد به نظام وسازوکارانتخابات است؛ دردرجه دو مهم ،رأی به کسی است که برای آینده کشورمفیدتراست

۲.۲. دشمنان بیچاره‌ما در خارج،در فکر هستند از این انتخابات تهدیدی علیه نظام درست کنند؛ درحالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است

۲.۲.۱. کسانی که فکرمی کننددرکشوراکثریتی خاموش ومخالف بانظام وجود دارد،مردم ما،انتخابات ماوجمهوری اسلامی را نمی شناسند

۳.در هیچ کجای دنیا به نامزدها، از چهره‌های معروف تا گمنام، اجازه داده نمی شود که بطور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند

۳.۱. درکشورما نامزد هابه طورمساوی وبدون خرج یک ریال بامردم حرف می زنند؛برای واردشد ندرعرصه انتخابات،تنهاقانون وحاکم است

۴.چندجمله خطاب به نامزدهای محترم عرض می کنیم:

۴.۱. نامزدهای محترم منصفانه حرف بزنند ؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه نمائی و انکار کارهای بسیار برجسته این دولت و دولت های قبل نباشد.

۴.۱.۱. هر کس سر کار بیاید، احتیاج ندارد از صفر شروع کند؛ نمی شود هزاران کار برجسته رابه بهانه اینکه امروزمشکلات اقتصادی داریم،انکارکنیم

۴.۲. وعده های نشدنی ندهید ؛جوری وعده بدهیدکه اگرآن رابعداًبه رخش ماکشیدند ،مجبورنباشید تقصیر را گردن این وآن بگذاریدکه نگذاشتند

۴.۲.۱. در کشور ما دست رئیس جمهور در مسائل گوناگون باز است و امکانات وسیعی دارد؛ تنها محدودیتی که وجود دارد، محدودیت قانون است

۴.۳. آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند و قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد

۴.۳.۱. بعضی این تحلیل غلط را می گویندکه باید به دشمن امتیازدهیم تاعصبانیتش راکم کنیم؛عصبانیت دشمن راباید بااقتدار ملی علاج کرد

۴.۳.۲. اگرملت مقتدروتوانا باشد ،نیازومشکلات خود رابرطرف کندو بتواند اقتصاد راروبه راه نماید،دشمن درمقابله با ایران بی دفاع خواهد ماند

موخره

پاورقی

دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۷/۳/۱۳۹۲ در سالروز بعثت

۱. عظمت کارها متناسب است با مشکلاتی که درراه آنهاست ؛ معارضه ها درمورد بعثت پیغمبر اسلام شدیدتروهمه جانبه تر از پیامبران قبل بود

۱.۱. هرجادعوت حق بود ، معارضه ی شیاطین هست؛ هرچاراه انبیاء بود ،راه معارض ان انبیاء هم درمقابل آن هست

۱.۲. البته حرکت تاریخ به سمت حق است و دعوت انبیاء روز به روز در دنیا ماندگارتر و فراگیرتر و بیشتر به ذهن و دل های مردم آشنا و نزدیک شده است

۲.امروز بعد از آن که مارکسیزم ومکاتب انسان گرایانه ولیبرالیزم نشان دادند نمی توانندسعادت بشرراتأمین کنند ،دل ها به اسلام متوجه است

۳.سیاست ها پشت سرآن ذهن های خبیثی هستند که با پیامبر به شکل هتاکانه مواجهه می کنند؛ البته دراعمال ما انحرافاتنی است که دستاویزقرارمی گیرد

۴.دعوت اسلام یعنی «عدالت و صداقت» راباید باصراحت ،شجاعت وصداقت دردنیا منتشرکرد

۵.امروز ما مسلمانها احتیاج داریم به هوشیاری، به این که نقشه‌ی کلی زندگی خود و نقشه مواجهه‌ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم

۵.۱. روزی دنیای اسلام با صهیونیسم مقابله می کرد ، دشمنان گفتند یهودی ستیزی است ؛امابحث مقابله با صهیونیسم غاصب متجاوز ظالم قسی القلب بود

۵.۲. امروزغربی ها مبتلابه اسلام ستیزی هستند ؛مذاهب مخالف ستیزی راه ترویج می کنند تاخواس هاازنقطه اصلی دشمنی منعطف شود

۵.۳.نقشه دشمن این است که بین مسلمان ن اختلاف بی نازند و ازپیشرفت ضروری شان غافل کند ، تامنافع استثمارگران وصاحبان قدرت تأمین شود

۵.۳.۱. غربی ها با شعارطرفداری ازحقوق بشر و دموکراسی هم نخواهند توانست لکه ننگ استثمار را ازدامان خود پاک کنند

۵.۴. امروزبرای مسلمانها اتحاد ،همدلی وهمکاری جزوفوری ترین وضروری ترین مسائل است؛ دولت های اسلامی،بصیرت رابه کار بگیرند

موخره

پاورقی





دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

- این مسابقات بها نه ای برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت و روح قرآن است
- اگر در جوامع قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا و هم علوّ معنوی هست؛ اگر با قرآن انس پیدا کنیم، حرکت ما سریعتر و راه ما روشنتر خواهد بود
- امروز اگر کسانی دردنیای اسلام بخواهند شعارعدالت،آزادی،استقلال، عزت بدهند،قرآن راسردست می گیرند؛این خیلی بارززش است
- یکی ازدستورات قرآن این است که آحادامت اسلامی بایکدیگرمتحدباشند ودست دردست یکدیگریگذازند
- ۴٫۱ نقطه‌مقابل آن،آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان؛متأسفانه بعضی اوزلت‌های اسلامی دانسته یا ندانسته داخل بازی دشمن می شوند
- ۴٫۱٫۱ با اختلافات ما رژیم غاصب صهیونیستی نفس راحت می کشد؛امروز اتحاد بین مسلمانان یک فریضه فوری است؛این جا صحنه امتحاناست
- ۴٫۱٫۲ امروزهرحجره ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند،ناطق مثاللهوهرحجره ای که به دشمنی تحریک کند،ناطق منا لشیطان است
- ۴٫۲ امروز دستگاه استعمار و گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا برای اسلام‌ستیزی پول خرج می کنند و نقشه‌ریزی میکنند
- ۴٫۲٫۱ مسلمان هادر این شرایط باید عوامل اقتداروتوانائی خود راافزایش دهند؛ یکی ازمهمترین عوامل اقتدار،اتحادواتفاقا ست
- این جمعیتی که اینجاجمع شده اید، یک نمونه‌و نمودار کوچکی از اتحاد مسلمانها است؛ این وجه اشتراک بزرگی است

موخره

پاورقی

دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۳/۲۲ سالروز میلاد امام حسین علیه‌السّلام

الف) جایگاه و عظمتماه شعبان و سوم این ماه، ضرورت درس آموزی امت اسلامی و ملت ایران از حسین بن علی و ارتباط و توکل به خدای متعال

- عظمت سوّم شعبان را باید پرتوی از عظمت حسین‌بن‌علی به‌شمار آورد؛دراین روزکسی متولد شدکه سرنوشت اسلام به حرکت وقیام او بسته بود
- ۱٫۱.فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم و مقیاس عظیم،چیزی‌است که دیگرنمی‌شود نظیری برای آن پیداکرد
- ۱٫۲.یاران بسیاری از همراهی سرباز زدند و حتی امام را ملامت کردند؛این یک حادثه عجیب و منظره پرشکوهی در تاریخ ودر مقابل چشم بشریّت است
- ۱٫۳. همه زندگی حسین‌بن‌علی درس است؛لکن حادثه کربلا اینقدردرخشنده است که مثل خورشیدی همه نورهای دیگرراتحت الشعاع قرارمی دهد
- ۱٫۳٫۱.درس حسین‌بن‌علی به اُمت اسلامی این است که برای حقّ، اقامه عدل و مقابله‌ی با ظلم، باید همیشه آماده بود و موجودی خود را به میدان آورد
- ۱٫۳٫۲.درس او فقط درس شهادت نیست؛ حرکت و روحیه بابرکتی است که برای اقامه دین خدا و همه برکاتی که بر آن مترتّب می شود، مفید است
- ۱٫۳٫۳.ملت ایران عاشورایی وارد میدان شد و در یک انقلاب عظیم و کم نظیر پیروز شد؛ امروز هم همه قرائن نشان می دهد که به طرف جلو می تازد
- ۲.ما وارد ماه شعبان شدیم؛ ماه عبادت و توسّل و فصل مناجات با خدا و مرتبط کردن این دل‌های پاک با معنِ عظمت و نور الهی؛ این را باید قدر دانست
- ۲٫۱.در راه عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه و توکل به خدا نقش اساسی دارد؛ عده‌ای غافلند و فقط روی محاسبات مادیّ محض محاسبه می کنند
- ۲٫۱٫۱.محاسبات مادی را مستکبرین عالم بهتر از شما میکنند، پس چرا روزبه‌روز عقب میروند؟این به خاطرقطع ارتباط بامبدأ هستی است
- ب) ضرورت های حماسه سیاسی، آثار حضور خداکثری در انتخابات و رای بالا به فرد منتخب، برجستگی‌های انتخابات امسال و تشکر از صداوسیما
۱. روز جمعه نقطه اوج حماسه سیاسی است؛ امّا امروز این حماسه‌در کشور شروع شده است
- ۱٫۱. اصرارم بر حضور خداکثری به‌خاطر این است که موجب میشود دشمن مأیوس شود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد
- ۲.یکی از نکات برجسته در این انتخابات این است که گفتمان مردم ، گفتمان قانون‌گرایی است؛ زیرا درسال۸۸عدم تبعیّت ازانون به کشورلگدزد
- ۳.کاری که صداوسیما کرد و مردم را در جریان آراء و نظرات و نگاه‌های نامزدها به صورت روبه‌رو قرار داد، خیلی کار مفید و بارززشی بود
- ۳٫۱.جریان‌های فکری‌وسیاسی به طور کامل،درمناطرات حضورداشتند؛ عده‌ای که سالها نعره میزدند درکشورآزادی بیان نیست،خجالت زده شدند
- ۳٫۲. بنده در زمینه مسائلی که آقایان در مناظره ها گفتند، مطالبی دارم؛ بعدازانتخابات حرف های گفتنی و حقایقی‌رابه ملت ایران عرض خواهم کرد
- ۴.سال۸۸،شوروهیجان بود،اماهمراه با فحش وفضیحت! امروز هم مردم احساسات پرشور دارند، بدون اینکه تعرّضی باشد؛ این خیلی بارززش است
- ۵.توصیه اوّل و اهمّ من حضور در پای صندوق‌های رأی است؛ ممکن است بعضی ها نخواهند؛نظام حمایت کننده،امّا برای حمایت از کشور باید رای بدهند
- اگر فردی که انتخاب می شود آراء بیشتری از مردم داشته باشد، بهتر میتواند از آن رأی دفاع کند و در مقابل معارضین کشور بایستد
- ۶.درمقابل دشمن بین المللی ، باراده قوی،اعتماد به ملت وتوکل به خدا،بایدراه راانتخاب کرد وبانگاه صحیح،عاقلانه ومدبّرانه پیشرفت

گفت‌وگو با خبرنگاران صداوسیما پس از شرکت در انتخابات ۱۳۹۲/۳/۲۴

پیام به مناسبت حضور حماسی مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم ۱۳۹۲/۳/۲۵

۶۲

۶۲

۶۲

۶۲

۶۳

۶۳

۶۳

۶۳

۶۴

۶۴

۶۴

۶۴

۶۵

۶۷

۶۷

۶۷

۶۷

۶۸

۶۸

۶۸

۶۹

۶۹

۶۹

۷۰

۷۰

۷۰

۷۰

۷۱

۷۱

۷۲

۷۲

۷۲

۷۲

۷۳

۷۳

۷۳

۷۷

۸۱

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شح صدری بلوغ یافته، تمدنی

مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد.

اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود.

آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می‌گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت‌پذیری از امامان معصوم(علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تابناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیهانه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت‌پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی.

البته انقلاب اسلامی گام‌های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام آحاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند.

بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و آحاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند.

از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر(عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره‌ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالاخص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم.

در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزّت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام

معاونت پژوهشی

مؤسسه ولاء منتظر(عجل الله فرجه)





مقدمه

اولاً تبریک عرض میکنم به شما جوانان عزیز، ورود در عرصه‌ی پرافتخار پاسداری را؛ چه دانشجویان عزیز فارغ‌التحصیلی که امروز درجه گرفتند، و چه سردوشی‌بگیرانی که وارد مرحله‌ی آموزش شدند. دیدار امروز ما هم در این میدان پرافتخار با شما جوانان عزیز پاسدار، مثل همیشه دیدار شیرین و مطلوبی بود. ابتکاراتی در شیوه‌ی مدیریت این میدان و اداره‌ی برنامه‌های این میدان مشاهده شد، که بسیار خوب و قابل تحسین و تقدیر است.

الف) اهمیت دانشگاه امام حسین در انقلاب، جایگاه انقلاب در تاریخ ملت ایران و توصیه‌هایی به دانشجویان این دانشگاه

۱. دانشگاه امام حسین، علاوه بر علم و رشد فکری و پرورش شخصیت، یک مأموریت تعریف شده دارد و آن پاسداری از انقلاب است

این دانشگاه یک تفاوت عمده‌ای دارد با همه‌ی دانشگاههای دیگر.

علم و آموختن و رشد فکری و عقلی و پرورش شخصیت، در همه‌ی دانشگاههای ما و در همه‌ی مراکز آموزشی ما یک هدف عمده است؛ لیکن در این دانشگاه، مسئله‌ی پاسداری از انقلاب هم مطرح است. خب، همه‌ی ملت ایران به یک معنا خودشان را موظف میدانند به پاسداری از انقلاب - چه مسئولین رسمی، چه آحاد مردم با درجات مختلف - لیکن خصوصیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این است که این یک مأموریت تعریف شده برای آن است.

۱،۱. شما جوانان همانند اسلافتان در سپاه، خود را آماده می کنید برای این که در خدمت و دوران حیاتتان از انقلاب اسلامی پاسداری کنید

شما جوانان عزیز در عین نشاط و شکوفائی جوانی، دارید خودتان را آماده میکنید برای اینکه در طول زندگی خدمتی خود و بلاشک در همه‌ی دوران حیاتتان، از انقلاب اسلامی پاسداری کنید؛ همچنان که طبقه‌ی قبل از شما، اسلاف شما در سپاه پاسداران، در نوبت خود، در میدانهای بسیار دشوار، این کار را کردند. یکی از مناظر خوب امروز همین بود که نسل گذشته‌ی سپاه پاسداران که دوران دفاع مقدس را دیده است، دورانهای اول انقلاب را دیده، با تن خود، با دل خود، با جان خود در عرصه‌ی خطر حاضر شده، با جوان امروزی که دارد وارد عرصه‌ی پاسداری میشود، روبه‌روی هم قرار گرفتند، پرچم را مبادله کردند؛ این یک منظره‌ی نمادین و بسیار

پرمعنا است. در دیدار نمادین امروز، ارواح طیبه‌ی شهیدانی که در عملیاتهای گوناگون در طول هشت سال دفاع مقدس، و پیش از آن، و بعد از آن تا امروز، به درجه‌ی رفیع شهادت رسیدند، در مقابل شما قرار داشتند. جانبازهایی که سلامت خود، جوانی خود، نیروی بدنی خود را در راه خدا دادند و دچار امتحان بسیار دشوار و البته بسیار خوش‌عاقبت جانبازی شدند، در مقابل شما قرار داشتند. مردانی که آن روز مثل شما دوره‌ی عنفوان جوانی را میگذراندند، امروز با محاسنهای سپید، با ده‌ها سال از عمر خدمتی گذشته، در مقابل شما قرار گرفتند. این یک منظره‌ی بسیار مهم و درس‌آموزی است برای شما جوانان عزیز که میخواهید از انقلابتان پاسداری کنید.

۲. سلاطین جور، قرن‌ها حرکت گمراها نه‌ای را بر این ملت تحمیل کردند؛ اما این انقلاب، تاریخ ما را تغییر داد و در صراط مستقیم قرارداد

این انقلاب، تاریخ کشور را تغییر داد. سلاطین جور و طغیانگران تاریخ، قرنهای متمادی حرکت گمراهنه‌ای را بر این ملت تحمیل کرده بودند و در این چند ده سال قبل از انقلاب، علاوه‌ی بر استبداد و خودرأیی و انحصارطلبی در همه چیز، عزت این مملکت را هم در مقابل دشمنان به باد داده بودند. این انقلاب آمد، این کشور را، این ملت را از افتادن در این تندباد ویرانگر و نابودکننده نجات داد؛ ما در صراط مستقیم قرار گرفتیم.

۱،۲. صراط مستقیم ما را به هدف خواهد رساند؛ اما مدت زمان آن بستگی دارد که من و شما چقدر تلاش کرده و چقدر درست حرکت کنیم

البته صراط مستقیم، ما را به هدف خواهد رساند؛ اما کی؟ در چه مدت؟ با چه تلاش و مجاهدتی؟ این بستگی دارد به این که من و شما چقدر تلاش کنیم، چقدر جدی بگیریم، چقدر درست حرکت کنیم؛ این به همت ما بسته است؛ ولی انقلاب این راه را پیش پای این ملت تاریخی بزرگ و ستم‌کشیده گذاشت.

۳. شما که می خواهید از این انقلاب حفاظت و پاسداری کنید، لازم است چند کار انجام دهید:

شما میخواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید.

۳،۱. انقلاب و مبانی نظری آن را درست و عمیق بشناسید، کسانی می توانند در این مسیر محکم بایستند که از این شناخت برخوردار باشند

اول اینکه باید این انقلاب را درست بشناسید. یکی از کارهای مهم شما جوانان عزیز این است که مبانی نظری انقلاب را عمیقاً بشناسید. ما کسانی را دیدیم که با احساسات وارد این میدان شدند، بدون تکیه‌گاه نظری مستحکم؛ با یک تندباد سرنگون شدند، راهشان عوض شد. آن کسانی میتوانند در این حرکت و در این مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظری انقلاب داشته باشند. فرمود: «المؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف»؛ هیچ تندباد و طوفانی نمیتواند راه اینها را عوض کند، که چند خصوصیت داشته باشند؛ از

جمله‌ی این خصوصیات و مهمترین آنها، اعتقاد درست و آشنائی درست با مبانی نظری این انقلاب است. این یکی از کارهایی است که لازم است شما بدانید.

۳،۱،۱. تاریخ انقلاب و عینیت این نظریه را درست بدانید؛ این انقلاب، صرفاً دعائیست، دامنه‌وسیعی از تجربه و عمل درمقابل آن است
بعد تجربه‌ی انقلاب را، یعنی عینیت این نظریه را در طول این سالها بدانید؛ تاریخ انقلاب را بدانید. این انقلاب مثل خیلی از حرفه‌ای دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده است، تجربه‌شده است. این حرفه‌ها، حرفه‌هایی است که در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد میداد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم، و میگفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) در نهج‌البلاغه فرمود: «فلَمَّا رَأَى اللَّهُ صَدَقْنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكِبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ» (۱) این ملت صدق خود را نشان داد، راستگوئی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد. این را باید شما در تاریخ انقلاب ببینید.

۳،۱،۲. علت این که راد یوهای بیگانه نقطه‌ضعف های کوچک ما را ده برابر بزرگ می کنند برای این است که این تجربه را از یاد ما ببرند

چرا رادیوهای بیگانه تلاش میکنند نقطه‌ضعف‌های کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه‌شده است؛ در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. شما با آگاهی از تاریخ انقلاب میتوانید این را به دست بیاورید. اینکه من توصیه میکنم بخوانید این خاطرات مربوط به جنگ را، مربوط به دوران دفاع را، همین عملیات بیت‌المقدس و آزاد کردن خرمشهر را، ببینید کی بودند، چه بودند، چه کار کردند، چه جور کردند، برای این است؛ این لازم است. آن وقت خدای متعال «انزل بعدوناً الکبت»، «انزل علینا النصّر»؛ پیروزی را نازل کرد.

۳،۲. خود را برای تبدیل شدن به یک انسان صالح تربیت کنید؛ شما جوانید و براحتی می توانید خود را در الگوی اسلام و قرآن شکل دهید
بعد هم تربیت خود به عنوان انسان صالح. همه باید خودشان را تربیت کنند. من باید خودم را تربیت کنم، شما هم باید تربیت کنید. البته کار شما آسانتر از کار کسی مثل من است. شما جوانید، آماده‌اید، نورانی هستید، دلهایتان پاک است؛ براحتی میتوانید خودتان را در الگوی مورد تحسین اسلام و قرآن شکل دهید. این، یکی از وظائف خود شما است؛

۳،۲،۱. البته تربیت شما علاوه بر اینکه وظیفه خودتان است، بر عهده مربیان، مدیران و مسئولان دانشگاه و مجموعه سپاه هم قرار دارد
البته بر دوش مربیان و مدیران و مسئولان این دانشگاه و مجموعه‌ی سپاه و مدیران هر مجموعه‌ای هم که جوانان عزیز ما در آنجا هستند، قرار دارد؛ اینها لازم است. اگر این کارها شد - که به یقین و به توفیق الهی و باذن الله این کارها خواهد شد - آن وقت آینده همانی است که همیشه تکرار کردیم و گفتیم: آینده‌ی اطمینان‌بخش و قطعی.

ب) جایگاه انتخابات در انقلاب اسلامی، علت تلاش دشمن برای دلسرد کردن مردم به انتخابات و توصیه هایی انتخاباتی به مردم و نامزدها

۱. انقلاب تا امروز هر قدمی برداشته نوید قدم بعد را داده است؛ گاهی خود کوتاهی کردیم و به پیش نناختیم، اما راه هرگز بسته نبوده است

این انقلاب از روز اول تا امروز هر قدمی برداشته است، قدمی بوده است که نوید قدم بعدی را به ما میداده؛ این خیلی مهم است. هرگز دچار بن‌بست نشدیم، هرگز در دالان یأس و ناامیدی قرار نگرفتیم؛ همیشه فرج در مقابل ما بود. گاهی خودمان کوتاهی کردیم، سستی کردیم، نناختیم به پیش - این اتفاق افتاده - اما راه هرگز بسته و بن‌بست نبوده است؛ هر گام ما بشارت‌ده گام بعدی بوده؛ امروز هم همین جور است.

۱،۱. انتخابات بشارت دهنده گام های بعدی است؛ به کشور مصونیت و آبروی بین المللی می بخشد؛ دوستان را خوشحال و دشمنان را ناکام می کند

و من به شما بگویم عزیزان من! این گامی که ملت ایران در چند روز دیگر در پیش دارد - یعنی گام انتخابات - یکی از همان گامها است که ان‌شاءالله بشارت‌ده گامهای بعدی است. ما نمیدانیم چه کسی رئیس جمهور خواهد شد، نمیدانیم خدای متعال دلها را به کجا متوجه خواهد کرد؛ اما میدانیم که حضور مردم در پای صندوقهای رأی - که اعلام حضور قدرتمندانه‌ی این ملت در عرصه‌ی حرکت و تاخت به سوی آرمانها است - بلاشک به دنبال خود، موفقیت‌های دیگری را دارد؛ به کشور مصونیت میبخشد، عزت میبخشد، آبروی بین‌المللی میبخشد، دوستان شما را خوشحال میکند، دشمنان شما را ناکام و بدحال میکند.

۱،۱،۱. دشمنان سعی دارند مردم را نسبت به انتخابات دلسرد کنند؛ برای اینکه حرکت پر شور مردم برای آنها گران تمام می شود
دو سه هفته‌ی دیگر تا انتخابات راه داریم؛ از مدتها پیش - و حالا شدت پیدا کرده است - سعی میکنند مردم را نسبت به این انتخابات دلسرد کنند. چرا؟ برای همین است که اگر مردم دلگرم باشند، اگر مردم وارد این میدان شوند، اگر حرکت پر شور خودشان را مثل همیشه نشان دهند - که ان‌شاءالله نشان هم خواهند داد - برای آنها گران تمام خواهد شد.

۱،۱،۲. کسانی درباره انتخابات ما اظهار نظر می کنند که زندان گوانتانامو، جنگ افروزی در منطقه ما و حمایت از اسرائیل ننگی برایشان است

درباره‌ی انتخابات ما اظهار نظر میکنند؛ چه کسانی؟ آن کسانی که زندان گوانتاناموشان مایه‌ی بی‌آبروئی‌شان است؛ هواپیمای بدون سرنشینشان بر بالای روستاهای محروم پاکستان و افغانستان، لکه‌ی ننگ در دامنشان است؛ آن کسانی که جنگ‌افروزی در منطقه‌ی حساس ما و اشغال دو تا کشور مسلمان، جزو بی‌آبروگی‌هایشان است؛ آن کسانی که دفاع و حمایت بی‌قید و شرطشان از رژیم جنایتکار



صهیونیستی، مایه‌ی خجلت و شرمندگی‌شان است - اگر بفهمند - اینها به جمهوری اسلامی آبرومند و سرافراز انتقاد میکنند!

۱,۱,۳. جواب به این اظهارات در خور ملت و مسئولان سرافراز ایران نیست؛ اما عبرت‌انگیز است که این انتخابات چقدر برایشان حساس است

این اظهارنظرها جواب ندارد؛ اصلاً در خور اعتنای ملت ایران و مسئولان سرافراز این ملت نیست. اما برای همه‌ی آحاد ملت ایران و برای همه‌ی ما عبرت‌انگیز است که ببینید این انتخابات چقدر برای آنها حساس است. مخصوص این انتخابات هم نیست؛ سی و چند سال است که هر وقت ما یک انتخاباتی داریم، همین بساط هست؛ همیشه جنجال میکنند، همیشه سعی میکنند، همیشه هم تودهنی میخورند. از کی؟ از این ملت بزرگ. به توفیق الهی، این دفعه هم تودهنی خواهند خورد.

۲. ببینید چه کسی میتواند برای عزت ملی، باز کردن مشکلات، ایستادگی قدرتمندانه در مقابل معاندان و الگو کردن ایران بهتر تلاش کند

خب، ما باید خودمان کارهای خودمان را منظم و مرتب کنیم. مردم نگاه کنند به اظهارات داوطلبان محترمی که در این میدان وارد شدند، ما هم نگاه میکنیم؛ تشخیص بدهیم، ترجیح بدهیم، ببینیم آن کسی که میتواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟

۳. اختلاف نظر در مورد انتخاب نامزدها باعث نشود که مردم در مقابل هم قرار بگیرند و از هم کدورت بیجا پیدا کنند

ممکن است تشخیص یک آقائی با تشخیص یک آقای دیگر مخالف باشد؛ هیچ اشکالی ندارد. این را من به همه بگویم: ممکن است شما به یکی از نامزدها علاقه‌مند شوید، رفیقان به یک نامزد دیگر؛ این موجب نشود که شما در مقابل هم قرار بگیرید. برای انتخابات و برای گزینش عالی‌ترین مقام اجرائی در کشور - که بسیار هم حساس است، بسیار هم مهم است - سازوکارهای درستی وجود دارد؛ سازوکار قانون. هیچ مانعی ندارد که شما به یکی علاقه‌مند باشید، بنده به یکی دیگر علاقه‌مند باشم؛ شما به او رأی دهید، من به دیگری رأی دهم؛ بالاخره اکثریتی هست، اقلیتی هست، ضابطه‌ای هست، قانونی هست؛ بر طبق آن عمل خواهد شد. آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه‌مند است، این به آن علاقه‌مند است؛ خب، باشند.

۴. داوطلبان محترم هم، کار را با حماسه، شور و غیرتمندی پیش ببرند؛ اما بدون چالش و نفرت پراکنی

خود داوطلبان محترم هم باید رعایت کنند. کار را با حماسه، با شور، با غیرتمندی، اما بدون چالش، بدون منافرت پیش ببرند. ظرافت کار اینجا است که ممکن است سکون و سکوت و جمود و خمودگی وجود نداشته باشد، نشاط باشد، تحرک باشد، در میدان و در عرصه گفتگو باشد - گفتگوهای گرم و داغ - در عین حال نفرت پراکنی نباشد؛ این میشود. این یک نکته‌ای است که آقایان داوطلبان محترم خوب است که رعایت کنند.

۵. آنکه در تبلیغات ریخت‌وپاش می‌کند و از بیت‌المال یا پول مشتبه به حرام بعضی‌ها استفاده می‌کند، نمی‌تواند اطمینان مردم را جلب کند

نکته‌ی دیگر این است که رفتار داوطلبان در ریخت‌وپاش و خرج و تبلیغات زیاد از اندازه‌ی لازم میتواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه که بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه میکند، یا از پول مشتبه به حرام بعضی‌ها استفاده میکند، نمیتواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد.

۶. آنچه در شعارها و تبلیغات انتخاباتی اهمیت دارد، این است که مواضع عزت‌آفرین، صحیح، عاقلانه و حکیمانه انقلاب و نظام تثبیت شود

در تبلیغات انتخاباتی، در شعارهای انتخاباتی، آنچه که اهمیت دارد، این است که مواضع عزت‌آفرین و صحیح و عاقلانه و حکیمانه‌ی انقلاب و نظام تثبیت شود.

۱,۶. مبدا در شعارها، به افرادی در خارج از این مرزها یا آدمهائی در داخل مرزها که حرف دشمن را می‌زنند، چراغ سبز نشان دهیم

مبدا در شعارهایمان، ما به زید و عمرو در خارج از این مرزها یا آدمهائی در داخل مرزها، چراغ سبز نشان دهیم. خب، دشمن کار خودش را دارد میکند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن پراکنی میکند. البته حنجره‌های بی‌تقوایی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی‌تقوا، قلمهای بی‌تقوا و حنجره‌های بی‌تقوایی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته میشود، تکرار میکنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند. فردای این ملت، فردای روشنی است. فردای این انقلاب، فردای عزتمدارانه‌ای است. فردای این کشور و این ملت، فردائی است که ان شاء الله به توفیق الهی برای همه الگو خواهد شد.

موخره

از خدا میخواهیم که شما جوانان عزیزی که در این میدان هستید، و همه‌ی جوانان پاسدار ما، و همه‌ی جوانان بسیجی ما، و همه‌ی جوانانی که در نیروهای مسلح ما حضور و فعالیت دارند، و همه‌ی جوانانی که در محیطهای آموزشی مشغول تحصیل هستند، ان شاء الله و به توفیق الهی، پیشگامان و موتورهای حرکت به این سمت نورانی باشند. امیدواریم ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار از همه‌ی شما و ما راضی باشد و همه مشمول دعای ولی عصر (ارواحنا فداء) باشیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پاورقی

(۱) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۶



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	وابستگی پیشرفت ایران و تحقق اهداف انقلاب به تلاش و جدیت	ملت	در این چند ده سال قبل از انقلاب، علاوه‌ی بر استبداد و خودرأیی و انحصارطلبی در همه چیز، عزت این مملکت را هم در مقابل دشمنان به باد داده بودند. این انقلاب آمد، این کشور را، این ملت را از افتادن در این تندباد ویرانگر و نابودکننده نجات داد؛ ما در صراط مستقیم قرار گرفتیم. البته صراط مستقیم، ما را به هدف خواهد رساند؛ اما کی؟ در چه مدت؟ با چه تلاش و مجاهدتی؟ این بستگی دارد به این که من و شما چقدر تلاش کنیم، چقدر جدی بگیریم، چقدر درست حرکت کنیم؛ این به همت ما بسته است؛ ولی انقلاب این راه را پیش پای این ملت تاریخی بزرگ و ستم کشیده گذاشت.
۲	ضرورت اعتقاد درست و شناخت مبانی نظری انقلاب	پاسداران و راست قامتان مسیر انقلاب	شما می‌خواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید. اول اینکه باید این انقلاب را درست بشناسید. یکی از کارهای مهم شما جوانان عزیز این است که مبانی نظری انقلاب را عمیقاً بشناسید. ما کسانی را دیدیم که با احساسات وارد این میدان شدند، بدون تکیه‌گاه نظری مستحکم؛ با یک تندباد سرنگون شدند، راهشان عوض شد. آن کسانی می‌توانند در این حرکت و در این مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظری انقلاب داشته باشند. فرمود: «المؤمن كالجبل الرأسخ لا تحركه العواصف»؛ هیچ تندباد و طوفانی نمیتواند راه اینها را عوض کند، که چند خصوصیت داشته باشند؛ از جمله‌ی این خصوصیات و مهمترین آنها، اعتقاد درست و آشنائی درست با مبانی نظری این انقلاب است. این یکی از کارهایی است که لازم است شما بدانید.

۳	لزوم آشنایی با تاریخ انقلاب	پاسداران و راست قامتان مسیر انقلاب	شما [که] می‌خواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید... تجربه‌ی انقلاب را، یعنی عینیت این نظریه را در طول این سالها بدانید؛ تاریخ انقلاب را بدانید. این انقلاب مثل خیلی از حرفهای دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است... این ملت صدق خود را نشان داد، راستگوئی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد. این را باید شما در تاریخ انقلاب ببینید.
۴	توصیه برای مطالعه خاطرات جنگ	مردم	چرا رادیوهای بیگانه تلاش میکنند نقطه‌ضعفهای کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه‌شده است؛ در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. شما با آگاهی از تاریخ انقلاب می‌توانید این را به دست بیاورید. اینکه من توصیه میکنم بخوانید این خاطرات مربوط به جنگ را، مربوط به دوران دفاع را، همین عملیات بیت‌المقدس و آزاد کردن خرمشهر را، ببینید کی بودند، چه بودند، چه کار کردند، چه جور کردند، برای این است؛ این لازم است. آن وقت خدای متعال «انزل بعدونا الکبت»، «انزل علينا النصر»؛ پیروزی را نازل کرد
۵	تربیت کردن خود به عنوان انسان صالح	پاسداران انقلاب	شما [که] می‌خواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید... [باید] کارهایی انجام دهید؛ یکی از این کارها عبارت است از: تربیت خود به عنوان انسان صالح. همه باید خودشان را تربیت کنند. من باید خودم را تربیت کنم، شما هم باید تربیت کنید. البته کار شما آسانتر از کار کسی مثل من است. شما جوانید، آماده‌اید، نورانی هستید، دلهایتان پاک است؛ براحته می‌توانید خودتان را در الگوی مورد تحسین اسلام و قرآن شکل دهید. این، یکی از وظائف خود شما است.

۶	به دوش کشیدن تربیت جوانان عزیز	مربیان، مدیران و مسئولان دانشگاه امام حسین و مجموعه‌ی سپاه	[وظیفه تربیت جوانان] بر دوش مربیان و مدیران و مسئولان این دانشگاه و مجموعه‌ی سپاه و مدیران هر مجموعه‌ای هم که جوانان عزیز ما در آنجا هستند، قرار دارد؛ اینها لازم است.
۷	ترجیح دادن به نامزدی که به دنبال ایستادگی قدرتمندانه در مقابل دشمنان است	مردم	مردم نگاه کنند به اظهارات داوطلبان محترمی که در این میدان وارد شدند، ما هم نگاه میکنیم؛ تشخیص بدهیم، ترجیح بدهیم، ببینیم آن کسی که میتواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟
۸	دوری از ایجاد کدورت با یکدیگر در خلال انتخابات	آحاد مردم	ممکن است تشخیص یک آقائی با تشخیص یک آقای دیگر مخالف باشد؛ هیچ اشکالی ندارد. این را من به همه بگویم: ممکن است شما به یکی از نامزدها علاقه‌مند شوید، رفیقان به یک نامزد دیگر؛ این موجب نشود که شما در مقابل هم قرار بگیرید. برای انتخابات و برای گزینش عالی‌ترین مقام اجرائی در کشور - که بسیار هم حساس است، بسیار هم مهم است - سازوکارهای درستی وجود دارد؛ سازوکار قانون. هیچ مانعی ندارد که شما به یکی علاقه‌مند باشید، بنده به یکی دیگر علاقه‌مند باشم؛ شما به او رأی دهید، من به دیگری رأی دهم؛ بالاخره اکثریتی هست، اقلیتی هست، ضابطه‌ای هست، قانونی هست؛ بر طبق آن عمل خواهد شد. آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه‌مند است، این به آن علاقه‌مند است؛ خب، باشند.

۹	ایجاد گفتگوهای گرم و داغ در عین دوری از نفرت پراکنی	داوطلبان انتخابات	داوطلبان محترم هم باید رعایت کنند. کار را با حماسه، با شور، با غیرتمندی، اما بدون چالش، بدون منافرت پیش ببرند. ظرافت کار اینجا است که ممکن است سکون و سکوت و جمود و خمودگی وجود نداشته باشد، نشاط باشد، تحرک باشد، در میدان و در عرصه گفتگو باشد - گفتگوهای گرم و داغ - در عین حال نفرت پراکنی نباشد؛ این میشود. این یک نکته‌ای است که آقایان داوطلبان محترم خوب است که رعایت کنند.
۱۰	زیاده روی نکردن در خرج تبلیغات و عدم ریخت و پاش	داوطلبان انتخابات	رفتار داوطلبان در ریخت و پاش و خرج و تبلیغات زیاد از اندازه‌ی لازم میتواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه که بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه میکند، یا از پول مشتبّه به حرام بعضی‌ها استفاده میکند، نمیتواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد.
۱۱	اهمیت داشتن تثبیت مواضع عزت آفرین و حکیمانه نظام در تبلیغات انتخابات	داوطلبان انتخابات	در تبلیغات انتخاباتی، در شعارهای انتخاباتی، آنچه که اهمیت دارد، این است که مواضع عزت آفرین و صحیح و عاقلانه و حکیمانه‌ی انقلاب و نظام تثبیت شود.
۱۲	نشان ندادن چراغ سبز به دشمنان داخلی و خارجی در تبلیغات انتخاباتی	داوطلبان انتخابات	مبادا در شعارهایمان، ما به زید و عمرو در خارج از این مرزها یا آمه‌هایی در داخل مرزها، چراغ سبز نشان دهیم. خب، دشمن کار خودش را دارد میکند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن پراکنی میکند. البته حنجره‌های بی‌تقوایی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی‌تقوا، قلمهای بی‌تقوا و حنجره‌های بی‌تقوایی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته میشود، تکرار میکنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند.



مقدمه

اولاً خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، نمایندگان محترم. و برای گذر از مقطع یکسالگی نمایندگیِ دوستان محترم - که ان‌شاءالله این یک سال، مورد رضای الهی و حسنه‌ای در پرونده‌ی اعمال شما باشد - دعا میکنم. همچنین برای رئیس محترم مجلس و هیئت رئیسه که مجدداً اعتماد شما نمایندگان محترم را جلب کردند و مسئولیت پذیرفتند، دعا میکنم که خداوند متعال برای آنها و برای شما خیر مقدر فرموده باشد و همه‌ی شما را به آنچه که کسب رضای اوست، موفق بدارد.

الف) تبیین اهمیت و جایگاه نمایندگان مجلس، توصیه‌هایی برای استفاده بهینه از فرصت نمایندگی و بیان ویژگی‌های مثبت مجلس فعلی

۱. اگر در دروه نمایندگی عمل نیک با نیت درست انجام دهیم، ضرر نکردیم؛ اما اگر دستاوردی نداشته یاروی ما تاثیر منفی بگذارد، بدترین سرنوشت است

عمده در کارهای ما همین است برادران و خواهران عزیز! این موقعیتهای ظاهری و این عناوین و ریاست و مدیریت و نمایندگی و اعتبار مردمی و اینها میگذرد؛ آنچه که برای ما و شما باقی میماند، عمل ما است؛ که اگر عمل نیک و عمل صالح با نیت خوب و درست انجام داده باشیم، در این سالهایی که بر ما میگذرد، با این عناوین و با این خصوصیات، ضرر نکردیم. اگر چنانچه خدای نکرده این دوران مسئولیت و مأموریت و نام و نشان و عنوان، برای ما دستاوردی نداشته باشد، یا اگر خدای نکرده بر روی ما تأثیر منفی گذاشته باشد و ما را بدهکار کرده باشد، این بدترین سرنوشتی است که ممکن است برای امثال ما و شما، این مسئولیتها رقم زده باشد. باید به این مسئله به طور دائم توجه داشته باشیم.

۱.۱. فرصت نمایندگی مردم، یک فرصت مغتنمی است، واقعاً باید خدا را شاکر باشید؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست

البته این فرصت - فرصت نمایندگی مردم - یک فرصت مغتنمی است. هر کسی در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی بتواند

یک مأموریتی به دست بیاورد و آن مأموریت را بدرستی انجام دهد، واقعاً باید خدا را شاکر باشد؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست. ما در حال امتحان دادنییم. در برجستگی‌های دوران زندگی است که امتحانهای سخت پیش می‌آید. در روال عادی زندگی امتحان هست، لیکن امتحانهای برجسته و نفسگیر معمولاً مال آنجائی است که انسان وارد مقاطع حساس میشود؛ که از جمله‌اش همین مسئولیتهای ماها است. گاهی یک نفر سالهای طولانی از عمر خود را با امانت و طهارت گذرانده است، بعد میرسد به یک مقطع امتحان؛ اگر نتواند در این مقطع امتحان، توانائی خودش را در مهار نفس نشان دهد، لغزش پیدا خواهد کرد. این مقطع حساس، نمایندگی مجلس است؛ مسئولیتهای دولتهائی است؛ مسئولیتهائی از قبیل مسئولیت این بنده‌ی حقیر است. اینها آن مقاطع حساس زندگی ما است؛ اینجاها باید مواظب خودمان باشیم، مراقب باشیم.

۱.۲. با دید نافذ خود، مواضع امتحان را بشناسید؛ اگر توانستید از این پیچ خطرناک، نقطه حساس و پرتگاه، بسلامت عبور کنید خدا را شاکر باشید

گاهی انسان در حال عادی زندگی، خوب زندگی میکند؛ اما وقتی به پرتگاه رسید، وقتی به نقطه‌ی حساس رسید، وقتی به پیچ خطرناک رسید، نمیتواند درست کنترل کند. این را باید به یاد داشته باشیم. «فی تقلب الأحوال علم جواهر الرجال»؛ (۱) ما خودمان را هم در یک چنین مقطعی میتوانیم درست محک بزنیم. معمولاً انسان به خودش خوشبین است. ما عیبهای خودمان را نمی‌بینیم؛ معمولاً محسنات خودمان را بزرگتر از آنچه که هست، می‌بینیم. اینطور جاها وقتی که بین خودمان و خدا خلوت کنیم، میتوانیم ضعفهای خودمان را، نقصهای خودمان را پیدا کنیم. یک جا پول هست، یک جا قدرت هست، یک جا وجاهت هست، یک جا شهوات جنسی هست؛ اینها امتحانهای سخت است. آنچه که برای نمایندگان محترم مجلس، برای مسئولان دولتی، برای مسئولان قضائی، برای نیروهای مسلح، برای روحانیون، برای آن کسانی که مجموعه‌ای از اینها را با هم دارند، مهم است، این است که با دید نافذ خودشان مواقع امتحان و مواضع امتحان را بشناسند؛ بدانند که این نقطه، نقطه‌ی امتحان است؛ غفلت نکنیم. اگر توانستیم از این پیچ خطرناک، از این نقطه‌ی حساس، از این لب پرتگاه بسلامت عبور کنیم، خدا را شاکر باشیم، سپاسگزار باشیم.

۱.۳. حرف اصلی ما این است که مسئولیت مثل خودروی تمیز خوش فرمان تندرست که انسان را به مقاصد میرساند؛ اما به همان اندازه خطرات هم دارد

این، آن نقطه‌ی اصلی و حرف اصلی ما با شما برادران و خواهران عزیز است. در درجه‌ی اول، این نصیحت به خود بنده هم هست؛ به شما میگویم تا ان‌شاءالله دل خود این گوینده‌ی حقیر تحت تأثیر این حرفها قرار بگیرد و نصیحت شویم، موعظه شویم؛ هم از طرفی قدر موقعیتی را که به ما فرصت خدمت به مردم و خدمت به اسلام و خدمت به کشور و خدمت به نظام را میدهد، بدانیم و این را نعمت بزرگ خدا بشماریم؛ هم از آن طرف توجه کنیم که در اختیار داشتن این فرصت، یک خطراتی هم دارد. یک خودروی تر و تمیز خوش فرمان تندرست زیر پای انسان البته موفقیتی است، انسان را به مقاصد میرساند؛ اما به همان اندازه خطرات هم دارد؛ باید مراقب بود. این، حرف اصلی ما به شما برادران و خواهران عزیز است. امیدواریم ان‌شاءالله این حرفها در همه‌ی ماها مؤثر باشد.



۲. جای خرسندی و شکرگزاری است که حضور تخصص های متنوع در مجلس توانسته است به پخته شدن و نتایج بهتر طرحها و لوایح کمک کند

آنچه که در مورد مجلس، در این یک سالی که از عمر آن گذشته است، میتوانیم عرض کنیم، این است که بحمدالله حضور تخصصهای متنوع - آنطوری که به بنده گزارش شده است - در مجلس، توانسته است کمک کند به پخته شدن و به ثمر رسیدن طرحهای گوناگون و برنامههای گوناگون و لوایح تقدیمی از سوی دولت و به نتایج بهتری رسیدن. خاصیت تخصص هم همین است؛ وقتی دانش هست، توانائی هست و احساس وظیفه‌ی خدمت پشت سرش هست، طبعاً محصول کار، محصول بهتری خواهد بود. این، جای خرسندی و شکرگزاری است که بحمدالله مجلس از یک چنین توانی برخوردار است.

۳. در این مدت، مواضع سیاسی مجلس هم موضع گیری‌های درست و بجائی بود

مواضع سیاسی مجلس هم در این مدت - آنطوری که مشهود بوده است - در زمینه‌های مختلف، مواضع خوبی بود؛ موضعگیری‌های درست و بجائی انجام گرفت. شما نماینده‌ی مجموعه‌ی ملتید؛ خواسته‌های آنها و حرف دل آنها در رفتارهای شما تجلی پیدا میکند. بحمدالله آنچه که مشاهده شده، بسیار خوب بوده.

۴. شما مثل قله هستید، آنچه از دل این قله می‌جوشد، بر دامنه سرازیر میشود؛ رفتار، خُلقیات و تعامل شما در مجلس، بر روی جامعه اثر می‌گذارد

آنچه که مهم است برادران و خواهران نماینده به آن توجه کنند و من همیشه در همه‌ی دوره‌ها یا اغلب دوره‌ها که این توفیق را داشتم که با نمایندگان محترم گفتگو کنم، این را تذکر دادم، این است که بدانید شما مثل یک قله هستید؛ آنچه از دل این قله می‌جوشد، بر دامنه و پیکره سرازیر میشود. رفتار، آداب، خُلقیات، چگونگی تعامل در مجلس شورای اسلامی، مثل بقیه‌ی قله‌هائی که در کشور وجود دارد، بر روی رفتار، آداب، اخلاق و منش آحاد جامعه اثر می‌گذارد؛ این یک امر طبیعی است، یک امر همیشگی است. اگر در مجلس، عقل و فکر و طمأنینه و سکینه و آرامش و محبت حکمفرما باشد و از بلندگوهای مجلس این قضیه در سطح جامعه منعکس شود، همین خصوصیات بتدریج در جامعه اثر می‌گذارد. اگر در مجلس تشنج باشد، بغض باشد، کم‌کاری باشد، این باز به نوبه‌ی خود در رفتار مردم منعکس میشود؛ این تأثیر، طبیعی است. این تأثیر، دفعی و برجسته و نمایان نیست، اما بمرور و بتدریج آثار خودش را نشان میدهد؛ این، مسئولیت مسئولان محترم را افزایش میدهد. لذا به نظر من، دوستان عزیز و نمایندگان محترم از این نقطه‌نظر هم بر روی منش و رفتار خودشان یک مراقبت کاملی داشته باشند.

۵. کار کردن بر روی لوایح و طرحها، حقی است برای مردم بر دوش نمایندگان؛ دقت، اهتمام و تحقیق شما به پخته شدن طرح و لایحه کمک میکند

کار کردن بر روی لوایح و طرحها، یک وظیفه‌ای است به عنوان ادای حق مردم - این که حالا یک امر قطعی و روشنی است - یعنی وقتی لایحه‌ای به مجلس می‌آید یا طرحی را شما در مجلس تهیه میکنید و میخواهید این را در یک بخشی از بخشهای کشور که

میتواند جدول فعالیت کلان کشور را پر کند، به کار بیندازید، دقت شما، مراقبت شما، اهتمام شما، تحقیق شما، مطالعه‌ی شما، که به پخته شدن این طرح یا لایحه کمک میکند، یک حقی است برای مردم بر دوش شما. لایحه‌ای به مجلس می‌آید - بنده خودم هم در مجلس بودم و این موارد را از نزدیک تجربه کردم - وقتی که لایحه به کمیسیون داده میشود و در معرض دید این نماینده قرار میگیرد، گاهی با این لایحه مثل یک کار مربوط به شخص خود رفتار میکند؛ دقت میکند، مطالعه میکند، تحقیق میکند، با کارشناس می‌نشیند مباحثه میکند، مطلب را در ذهن خود به صورت محقق ترسیم میکند.

۵.۱. رأی «آری»، «نه» و حتی ممتنع نماینده به طرح یا لایحه ای که رسیدگی و مطالعه لازم نسبت به آن نداشته است، خالی از شبهه نیست

گاهی هم نه، لایحه می‌آید یا مثلاً طرحی در مجلس میخواهد تصویب شود، این نماینده خیلی محتوای لایحه و طرح را نمیداند، خیلی احساس مسئولیت نمیکند، رسیدگی نمیکند؛ نه در کمیسیون، نه در صحن مجلس. این رأی «آری» یا «نه» او به یک چنین لایحه یا طرحی، خالی از شبهه نیست؛ رأی ممتنع او هم خالی از شبهه نیست. ما که نیامدیم اینجا بنشینیم رأی ممتنع بدهیم؛ ما آمده‌ایم بگوئیم این بشود، این نشود. رأی ممتنع مال آنجائی است که انسان زحمت خودش را کشید، کار خودش را کرد، بالاخره ذهنش به جائی نرسید؛ خب، اینجا البته انسان رأی ممتنع میدهد؛ مثل فقیه و مجتهدی که زحمت خودش را میکشد، به منابع مراجعه میکند، ادله‌ی اجتهادی و ادله‌ی فقهاتی را می‌بیند، بعد ذهنش به جائی نمیرسد؛ میگوید خب، اینجا احتیاط کنید؛ میگوید من رأی ندارم، فتوا ندارم. رأی ممتنع مال اینجا است؛ اما اینکه ما مطالعه نکنیم، کار نکنیم، بعد برای اینکه خودمان را اسیر «آری» یا «نه» بی‌دلیل و غیر مستند نکرده باشیم، میگوئیم خیلی خوب، ما رأی ممتنع میدهیم! این نمیشود. پس یکی از کارهای بسیار مهم و لازم و اصلی در مجلس، همین کار بر روی لوایح است؛ چه لوایحی که دولت می‌فرستد، چه طرحهایی که خود شما در مجلس آنها را تنظیم میکنید. واقعاً باید کار شود. هر کس اگر اهل اجتهاد در این فن است، به صورت اجتهادی؛ و اگر چنانچه خودش صاحب رأی نیست، با مشاوره گرفتن از این و آن، به یک نتیجه‌ی قطعی برسد؛ این یکی از کارهای بسیار اساسی است.

۵.۲. این گلایه وجود دارد که گاهی اوقات خیلی از صندلی‌های مجلس خالی است؛ به قدری که از نصاب جایز فراتر است!

البته این گلایه وجود دارد، بنده هم مکرر این گلایه را در دوره‌های گذشته به نمایندگان محترم مجلس و به رؤسای مختلف مجلس عرض کردم که گاهی اوقات انسان می‌بیند خیلی از صندلی‌ها خالی است؛ به قدری که از نصاب جایز فراتر است! حالا یک تعدادی صندلی قهراً همیشه یک عذری برایش وجود دارد، اما بالاخره این یک نصابی دارد. گاهی که انسان می‌بیند از این نصاب بالاتر است، احساس میکند که بر طبق وظیفه عمل نشده است.

۵.۳. گاهی بعضی در مجلس هستند، ولی در رأی‌گیری شرکت نمیکنند؛ این هم مصلحت نیست؛ حضور جسمانی و حضور قلب و ذهن در مجلس لازم است

گاهی هم بعضی در مجلس هستند - این هم یک پدیده‌ای است - در رأی‌گیری شرکت نمیکنند؛ آقایان آن عقب مجلس



می‌نشینند، گعده میکنند! این هم مصلحت نیست. یعنی هم حضور جسمانی در مجلس، هم حضور قلب در مجلس - یعنی متوجه آن مسئله بودن، حرف موافق و حرف مخالف را شنیدن - لازم است؛ اینها جزو وظائفی است که قوام نمایندگی به اینها است و نمیشود از اینها صرف‌نظر کرد؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است. واقعاً درخواست من از برادران و خواهران عزیز نماینده این است که به این مسئله توجه کنند، اهتمام بورزند؛ هم برای حضور در مجلس، به معنای حضور جسمانی و مادی؛ هم به معنای حضور معنوی و روحانی، یعنی حضور قلب و حضور ذهن؛ این مسئله‌ی مهمی است.

۶. در تعبیراتی که در مجلس به کار می‌رود، اگر ادب و پرهیز از اهانت وجود داشته باشد و یا عکس این دیده شود، در جامعه اثر می‌گذارد

یک مسئله‌ی دیگر - همان طور که عرض کردیم - این است که رفتار نمایندگان در تربیت جامعه و سوق دادن جامعه به این طرف و آن طرف مؤثر است. اگر تقوا و امانت و اخلاق و احساس مسئولیت و نشاط کار، در مجلس دیده شود، این در جامعه اثر می‌گذارد؛ در درجه‌ی اول مردم را نسبت به نمایندگان مجلس علاقه‌مند و خوشبین و متعهد می‌کند، در درجه‌ی بعد رفتار آنها را به رفتار این نمایندگان عزیز - که خب قله هستند، چهره هستند، برجسته هستند - نزدیک می‌کند.

اگر در تعبیراتی که نماینده‌ی محترم مجلس به کار می‌برد؛ چه در نقطه‌های پیش از دستور، چه در اظهارات، چه در بگومگوها، ملاحظه شد که ادب وجود دارد، پرهیز از اهانت وجود دارد، پرهیز از تعبیرات ناپسند و سخیف وجود دارد - دیدن اینها را انسان احساس می‌کند؛ وقتی انسان پای رادیو نشسته است و دارد گوش می‌دهد، می‌فهمد که این آقا می‌توانست در اینجا این تعبیر اهانت‌آمیز را به کار ببرد، ولی به کار نبرد - این در من مستمع هم اثر می‌گذارد؛ اما اگر چنانچه نه، خدای ناکرده عکس این دیده شد؛ یعنی ناپرهیزی در بیان، در گفتار، در تعبیرات، تعبیرات اهانت‌آمیز یا غیر مؤدبانه، یا رفتار غیر مؤدبانه دیده شد، این بلافاصله اثر می‌گذارد. یعنی آن شنونده با اینکه این رفتار را تحسین نمی‌کند، درعین‌حال خودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مردم مثل بچه‌ای نیستند که از رفتار پدر تأثیر می‌پذیرد، بدون اینکه زشتی یا خوبی آن رفتار را بفهمد؛ نه، مردم زشتی و خوبی رفتار را می‌فهمند؛ طبیعت قضیه اینجوری است. شما ملاحظه کنید؛ در محیط‌های مختلف، جماعات مختلف، کسی یک کاری را می‌کند؛ تعبیری را، حرفی را بر زبان می‌آورد؛ انسان خوشش هم نمی‌آید، اما درعین‌حال تأثیر می‌گذارد؛ یعنی تکرار آن رفتار را برای انسان تسهیل می‌کند، آسان می‌کند؛ طبیعت قضیه این است.

۷. باید در مقابل همکار خود، در مقابل دولت و در مقابل قوه قضائیه، انصاف را رعایت کنید؛ بی‌انصافی، منجر به عکس‌العمل در طرف مقابل میشود

یک مسئله‌ی دیگر هم «انصاف» است. البته اینهایی که عرض می‌کنیم، در واقع توضیح واضح‌تر است و شما آقایان و خانمها به این چیزها واقفید؛ شاید خود شما، مردم را به این چیزها توصیه می‌کنید؛ ولی ما هم وظیفه داریم که اینها را عرض کنیم؛ ولو حالا شما بحمدالله شاید هیچ احتیاجی هم ندارید که ما بگوئیم، اما لازم است بگوئیم. انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل

قوه‌ی قضائیه. انصاف را باید رعایت کنید؛ «و لا یجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا». (۲) گاهی ما با کسی بدیم، از کسی بدمان می‌آید؛ خب، این کار میتواند موجه باشد؛ بالاخره یک دلیلی داریم، از کسی خوشمان نمی‌آید؛ اما نسبت به همین کسی هم که از او خوشمان نمی‌آید و استدلال هم داریم برای اینکه از او خوشمان نیاید، باید انسان انصاف به خرج دهد. کسی یک نقطه‌ی خوبی دارد؛ آن را تحت تأثیر نقطه‌ی بدی که از او در ذهن ما هست، قرار ندهیم؛ این خیلی چیز مهمی است. بی‌انصافی و رفتار نامتناسب، منجر میشود به عکس‌العمل مشابه در طرف مقابل. ما آدمهای ضعیفی هستیم دیگر؛ شما اگر چنانچه مثلاً نسبت به این حقیر یک وقتی بی‌انصافی کردید، این حقیر آن مقدار قدرت و توانائی و ضبط نفس ندارم که بگویم خیلی خوب، حالا او بی‌انصافی کرد، بکند؛ من هم وادار میشوم به بی‌انصافی. اینجوری در جامعه، تبادل بی‌انصافی‌ها، به جای تبادل انصاف، به جای تبادل محبت، رائج میشود. ببینید، چون شما نماینده‌ی مجلسید، این تأثیر وجود دارد؛ ولاً اگر چنانچه شما جزو افراد معمولی جامعه بودید، تأثیر داشت، اما نه به این اندازه. وقتی ما در روی سکویی قرار گرفتیم و مردم به ما نگاه میکنند، رفتار ما یک معنا دارد؛ وقتی که نه، در جمعیت مردم، در سواد مردم گم هستیم، همان رفتار یک معنای دیگری دارد.

۸. با قوه مجریه تعامل داشته باشید؛ البته این جاده دو طرفه است، باید از هر دو طرف این تعامل وجود داشته باشد

یک مسئله هم که بنده همیشه به دوستان مجلس عرض کردم، تعامل با قوه‌ی مجریه است. با قوه‌ی مجریه هم که ما می‌نشینیم، چه با رئیس جمهور محترم، چه با وزرای محترم، چه با مجموع اینها، همین سفارش را به آنها می‌کنیم که با قوه‌ی مقننه تعامل کنند. هر کدام هم حقی دارند. مجلس دارای حق است، در یک محدوده‌ی مشخصی؛ قوه‌ی مجریه و دستهای کننده‌ی کار هم دارای حقند، در یک محدوده‌ی مشخصی. حدود یکدیگر را باید حفظ کنند، با یکدیگر تعامل کنند؛ این تعامل، جاده‌ی دوطرفه است - فرنگی‌ها و فرنگی‌مآبها می‌گویند جاده‌ی دوطرفه؛ حرف بدی هم نیست، تعبیر بدی هم نیست - باید از هر دو طرف، این تعامل وجود داشته باشد. البته درعین‌حال با همه‌ی حسن نیت‌هایی که طرفین دارند، گاهی بی‌تفاهمی‌هایی وجود پیدا میکند - اشکالی ندارد - لیکن این عدم تفاهمها در همان حدی که اقتضای طبیعی کار است، ایراد ندارد؛ نباید تشدید کرد، ایجاد کدورت کرد؛ اینها را باید مراقبت کرد.

۸.۱. دولت وسط میدان است و ملامتها به طرف او سرازیر میشود، لذا باید ملاحظه‌ی او را کرد؛ ریل قانون جوری باشد که قطار دولت بتواند سر پیچ بپیچد

به شما عرض می‌کنیم؛ قوه‌ی مجریه وسط میدان ایستاده است - چه این دولت، چه هر دولت دیگری - و کارها به عهده‌ی اوست، بارها بر دوش اوست، ملامتها به طرف او سرازیر میشود، سؤالها و مؤاخذه‌ها از او میشود؛ لذا باید ملاحظه‌ی او را کرد. به قوه‌ی مجریه هم ما همیشه سفارش می‌کنیم؛ این حق عظیمی که در قانون برای مجلس قانونگذاری و برای کل قانون ملاحظه شده، باید از طرف مجریان رعایت شود. قانون اساس کار است، قانون ریل حرکت این قطار است؛ شما باید زحمت بکشید این ریل‌گذاری را بکنید، آنها هم باید بر روی این ریل حرکت کنند. شما کمک کنید که این ریل جوری باشد که این قطار سر پیچ بتواند بپیچد. قطار شمال را آقایان دیده‌اند؛ یک جاهائی پیچهای سختی دارد، اما بالاخره جوری است که قطار میتواند حرکت کند. از این پائین تا آن بالای کوه قطار حرکت



میکند، می‌رود بالا و می‌آید پائین، مشکلی هم برایش پیش نمی‌آید؛ چون ریلها درست چیده شده است. اگر چنانچه این انحنائیه که لازم بود به وجود بیاید، به این شکل به وجود نیامده بود، اگر مثلاً جوری تنظیم شده بود که قطار نمیتوانست حرکت کند، مکرر شما شاهد سقوط قطار از آن بالا میبودید. این را باید در ریل‌گذاری ملاحظه کرد. شما ریل‌گذارید، او روی این ریل حرکت میکند و باید قدر شما را بداند؛ اما شما هم بدانید که بالاخره بنا است روی این ریل حرکت شود. بنابراین دو طرف قضیه مهم است. عرض کردیم، این مخصوص این دولت نیست؛ در همه‌ی دولتها، و در چند دوره‌ی مجلس و دولت، بنده مکرر این سفارش را به همه کردم؛ البته خب، بعضی انصافاً رعایت کردند، بعضی هم گاهی بی‌توجهی کردند.

۹. مجلس قطعاً در رأس امور است، اما به این معنی نیست که هر نماینده در رأس امور باشد؛ یک نماینده، یک نماینده است

مجلس قطعاً در رأس امور است - همان طور که امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند - اما این را هم توجه کنید که «مجلس در رأس امور است» معنایش این نیست که هر یک نماینده‌ای در رأس امور است؛ «مجلس» در رأس امور است؛ یک نماینده، یک نماینده است. یعنی نماینده‌ی محترم و عزیزی که مردم یک جمع و گوشه‌ای از کشور با شوق و با شور جمع شدند و او را فرستادند مجلس، تصور نکند که او در رأس امور است؛ نه، «مجلس» در رأس امور است؛ برخوردش را اینجوری مقایسه کند.

۱۰. اگر عمل شما با جدیت، مجاهدت، اخلاص و احساس وظیفه باشد، باقی می‌ماند و خدای متعال نیز از برخی کم و زیاده‌ها و مسامحه‌ها خواهد گذشت

بنابراین برگردیم به آن حرف اولمان، برادران و خواهران عزیز! آنچه برای من و شما میماند و این دعا را مستجاب میکند: «و لا تهلکونی غمّاً حتّٰی تغفر لی و ترحمنی و تعرفنی الاستجابۀ فی دعائی»، (۳) عمل امروز ما است که با جدیت باشد، با مجاهدت باشد، با اخلاص باشد، با احساس وظیفه باشد. اگر اینها شد، خدای متعال از برخی از کم و زیاده‌ها و مسامحه‌ها و مساهله‌ها خواهد گذشت؛ اما مهم این است که ما همتان بر این باشد که ان شاء الله کار را تمیز و طاهر و بی‌حاشیه و با نیت خوب و با جدیت انجام دهیم.

ب) ضرورت های حضور پرشور مردم در انتخابات؛ توصیه هایی به مردم و نامزدها و تشکر از تمکین نامزدهای احراز صلاحیت نشده از رای شورای نگهبان

۱. انتخابات، پرشور و با حضور عمومی مردم انجام بگیرد؛ این موجب می شود که کشور مصونیت، اقتدار و امنیت پیدا کند

یک جمله هم درباره‌ی انتخابات عرض کنیم. همان طور که رئیس محترم مجلس هم اشاره کردند، انتخابات همیشه مهم است و حالا هم که خب طبعاً به مناسبت‌هایی اهمیت زیادی دارد. همه باید تلاش کنند که ان شاء الله این انتخابات، پرشور و با حضور عمومی مردم انجام بگیرد. این موجب میشود که کشور، هم مصونیت پیدا کند، هم اقتدار پیدا کند، هم امنیت پیدا کند. حضور مردم، تهدید دشمنان

را از بین میبرد. شما می‌بینید که برخی از سیاستمداران غربی و بخصوص برخی از سیاستمدارهای پشت پرده‌ی آمریکائی تحلیلهائی میکنند - که خب، بعضاً منتشر هم میشود، به رسانه‌ها منتقل هم میشود - و میگویند: نظام جمهوری اسلامی ایران به این آسانی‌ها و به این زودی‌ها تکان‌بخور نیست. چرا این حرف را میگویند؟ برای خاطر اینکه می‌بینند این نظام، متکی به مردم است؛ سرش فقط این است؛ والا اینکه خیال کنیم که حالا در رأس نظام زید وجود دارد یا عمرو وجود دارد، اینها در مقابل عظمت حضور مردم و پشتوانه‌ی نظام، در واقع هیچ است؛ شبیه هیچ است.

۱،۱. نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد و این ریشه، مردمند؛ اجتماع مردم حول این نظام، مایه عزت و برکت کشور، نظام و خود مردم است

وقتی مردم در یک نظامی متحدند، یکپارچه‌اند، پشتیبان نظامند، با نظامند، این نظام مصونیت پیدا میکند، اقتدار پیدا میکند، قدرت پیدا میکند، برکندن آن از جا ناممکن میشود؛ مثل درختی است که در اعماق زمین ریشه دوانده؛ این را نمیشود برداشت. بعضی از نظامها هستند که پول هم دارند، امکانات هم دارند، به‌به و چه‌چه سیاستمدارانِ استعمارگر دنیا را هم دارند، اما ریشه ندارند؛ خودشان هم میدانند که ریشه ندارند. نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد؛ این ریشه، مردمند. اجتماع مردم حول این نظام، مایه‌ی عزت و برکت کشور و برکت نظام و برکت خود آن مردم است. مردم کمک میکنند به این که نظام عزت پیدا کند؛ خود این، عزت مردم است؛ خود این، مصونیت و امنیت مردم است؛ خود این، امکانی است برای حل همه‌ی مشکلات مردم؛ این را باید دانست؛ این یک فرمول کلی است. بنابراین انتخابات که مظهر حضور مردم است، باید پرشور برگزار شود؛ همه‌ی تلاش و همت مسئولان باید این باشد.

۲. تشکر می کنم از همه نامزدهایی که صلاحیتشان احراز نشد و از نظر شورای نگهبان تمکین کردند؛ این نشان‌دهنده اهمیت و ارجحیت قانون است

خوشبختانه قوانینی هم که وجود دارد، قوانین خوبی است؛ قوانین معقولی است. همین طور که مکرر عرض کردیم، بن‌بستی وجود ندارد. لذا مشاهده میکنید که در همین انتخابات، تا این مرحله‌ای که تا الان پیش آمدیم، روال قانونی جریان پیدا کرده. وقتی که از نامزدهای محترم سؤال کردند که اگر چنانچه شورای نگهبان نظری بدهد، شما تمکین میکنید، همه‌ی آنها گفتند: بله، ما تمکین میکنیم. تمکین هم کردند. ما باید واقعاً تشکر کنیم از همه‌ی این نامزدها؛ آنهایی که به نحوی صلاحیتشان احراز نشد. اینها گفتند از نظر شورای نگهبان تمکین میکنیم، و به قول خودشان عمل کردند و تمکین کردند؛ این نشان‌دهنده‌ی اهمیت و ارجحیت قانون است، نشان‌دهنده‌ی کاربری قانون است؛ چون قانون بر مملکت حاکم است. ممکن است بنده یا جنابعالی از قانون ناراضی هم باشیم - گاهی اینجوری است - اما وقتی انسان در مقابل قانون تمکین کرد، حل اختلاف میشود، فصل‌الخطاب میشود؛ این نعمت بزرگی است، این برکت بزرگی است.

۳. نمی خواهیم تملق بیجا بگوئیم، اما حقیقت قضیه این است که آشنائی ذهنی مردم ما با مسائل سیاسی، از متوسط کشورهای دنیا بالاتر است

مردم هم در کشور ما بحمدالله آگاهی و هوشیاری دارند. نمیخواهیم تملق بیجا بگوئیم؛ اما حقیقت قضیه این است که آشنائی



ذهنی مردم ما با مسائل سیاسی، از متوسط کشورهای دنیا در سطح عالم بالاتر است. آنطور که ما اطلاع داریم از وضع کشورها - که برای ما گزارش میکنند و از منابع آشکار و منابع پنهان به دست می‌آید - چه کشورهای اروپائی، چه کشورهای آمریکائی، چه کشورهای آسیائی، مردم آگاهی‌های مختلفی دارند، کم و زیاد دارد، یک متوسطی دارد؛ اما آگاهی مردم ایران و بصیرت مردم ایران در مسائل سیاسی، از متوسط جهانی بالاتر است. نمی‌خواهیم ادعای معصومیت کنیم برای آحاد مردم، اما این ادعای قابل قبولی است و واقعی است؛ نگاه میکنند، بصیرت دارند، تشخیص می‌دهند.

۳,۱. خوشبختانه امروز وسیله تشخیص هم در اختیار مردم است و می‌توانند برنامه‌ها را از صدا و سیما نگاه کنند و به یک نتیجه‌ای برسند

خوشبختانه امروز وسیله‌ی تشخیص هم در اختیار مردم است. خب، این صدا و سیما است؛ برنامه‌ها را ضبط میکند، برنامه‌ها را پخش میکند، حرف‌ها را نشان می‌دهد، شخصیت‌ها را نشان می‌دهد؛ مردم میتوانند نگاه کنند، به یک نتیجه‌ای برسند؛ این نتیجه ممکن است درست باشد، ممکن است نادرست باشد؛ ممکن است زید به یک نتیجه برسد، عمرو به یک نتیجه برسد؛ خب، طبعاً یکی‌اش درست است، یکی‌اش غلط؛ اما خدای متعال به هر دو اجر خواهد داد. وقتی انسان نگاه کرد و ملاحظه کرد و تشخیص داد و بر اساس تشخیص خود محض رضای خدا عمل کرد، خدای متعال به انسان اجر می‌دهد. این وظیفه‌ی ماها است - همه‌ی آحاد مردم - که نگاه کنیم ببینیم واقعاً به چه نتیجه‌ای میرسیم، بر طبق آن نتیجه عمل کنیم.

۴. نامزدهایی که در تلویزیون ظاهر می‌شوند وظائف سنگینی دارند؛ برای اینکه توجه مردم را جلب کنیم هرچه به دهانمان آمد، نگوئیم

البته آقایانی هم که در تلویزیون به عنوان نامزد ظاهر میشوند و حرف می‌زنند، وظائف سنگینی دارند؛ آنها هم باید مراقب باشند. حرفی که از دهان انسان خارج میشود، باید واقعی، صمیمی، متکی به اطلاعات درست و برآمده‌ی از زبان صادق و راستگو باشد. اینجور نباشد که حالا برای اینکه توجه مردم را جلب کنیم، هرچه به دهانمان آمد، بگوئیم؛ اینها را باید مراقبت کنند.

۴,۱. نامزدها سعی کنند مردم را با واقعیت اوضاع و واقعیت خودشان مواجه کنند؛ اگر این شد، خدای متعال برکت داده و کمک خواهد کرد

نامزدها کاری که میدانند درست است، میتوانند انجام دهند، آن را بگویند - حالا به عنوان وعده، به عنوان برنامه، به عنوان هرچه - سعی کنند مردم را با واقعیت مواجه کنند؛ هم واقعیت اوضاع، هم واقعیت خودشان. اگر این شد، خدا برکت خواهد داد؛ اگر این شد، خدای متعال کمک خواهد کرد؛ چون کارها دست خدا است، همه چیز به اراده‌ی الهی برمیگردد؛ «کلّ الیه راجعون»، «ازمّة الأمور طرّ بیده / و الكلّ مستمّده من مدده». (۴) اگر چنانچه ما صادقانه عمل کردیم، اراده‌ی الهی هم کمک خواهد کرد. گاهی کمک به این بنده‌ی حقیر این است که توفیق این مسئولیت را پیدا کنم، گاهی کمک به من این است که توفیق این مسئولیت را پیدا نکنم؛ هر دویس کمک الهی است. اگر چنانچه ما صادقانه عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد و آنچه که صلاح و خیر است، به ما خواهد

داد. اینجور نباشد که حالا برای اینکه مردم به ما متوجه شوند، همه‌ی آنچه را که ماورای ما است، تخریب کنیم؛ چه آنچه که مربوط به نامزدهای دیگر است، چه آنچه که مربوط به واقعیت‌های موجود جامعه است. باید درست عمل شود. آن وقت ما انتخاب خواهیم کرد.

۵. این که رهبری طرف دار فرد خاصی است، واقعیت ندارد؛ حدسیاتی می‌زنند که هرچه بر زبان آورده نشود، بهتر است؛ بنده مثل بقیه یک رأی دارم

البته این حرف‌ها هم که فلانی، رهبری، این بنده‌ی حقیر، طرفدار زید است یا طرفدار عمرو است، از آن حرفهائی است که همیشه بوده و واقعیت هم ندارد؛ اکثر آنهائی هم که می‌گویند، میدانند که واقعیت ندارد. از کجا میدانند که بنده طرفدار چه کسی‌ام؟ کسی که از من نمیشنود؛ نه در گذشته شنفته است، نه تا حالا شنفته، نه بعد از این خواهد شنفته. حدسیاتی می‌زنند؛ این حدسیات هرچه گفته نشود، هرچه بر زبان آورده نشود، بهتر است؛ نمیدانند که. بنده هم یک رأی دارم مثل بقیه. آن روز من در جمع برادران دانشجوی پاسدار این را گفتم: ممکن است نظر شما به یک نفری باشد، نظر من به یک نفر دیگر باشد؛ چه اشکالی دارد؟ شما یکی را پسندید، من یک کس دیگر را پسندم؛ هیچ اشکالی ندارد. شما یک شناختی از زید دارید که من آن شناخت را از او ندارم؛ هیچ مانعی ندارد. اینجور نیست که هرچه شما فهمیدید، بنده هم باید همان را بفهمم؛ یا هرچه من فهمیدم، شما هم باید همان را بفهمید؛ نه، اینها تشخیصها است.

۶. نظام اسلامی راه خود را می‌رود و هدف، راه و تدابیرش مشخص است؛ تبلیغات منفی دشمنان تأثیری در کار ما ندارد؛ لیکن آگاهی و هوشیاری مهم است

آنچه که بین ما و خدا حجت است، این است که بتوانیم درست تشخیص دهیم. در خبرهای رادیوهای بیگانه و آنچه که در این نوشتجات منعکس میشود - که لابد می‌بینید، میشنوید - روی مقاصدی که دارند، همین چیزها را هی تبلیغ میکنند، هی فضا را داغ میکنند. خب، اهداف آنها معلوم است. البته اینجور هم نیست که ما ندانیم مقصود آنها از این کارها چیست. ما کار خودمان را انجام می‌دهیم. ما بلدیم چه کار کنیم. جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی می‌فهمد دارد چه کار میکند. نظام اسلامی دارد راه خودش را می‌رود. هدف مشخص است، راه مشخص است، تدابیر مشخص است. نظام، کار خودش را انجام می‌دهد؛ حالا دیگران توی سر خودشان می‌زنند، بزنند؛ آن تأثیری در کار نظام ندارد؛ لیکن آگاهی و هوشیاری در این مراحل، مهم است.

موخره

امیدوارم ان‌شاءالله خدای متعال برای این کشور، برای شما، برای آحاد مردم، خیر اراده فرموده باشد و برکات خودش را بر شما، بر ما، بر همه نازل کند و ان‌شاءالله فردای این کشور و این ملت از امروز او و از دیروز او بهتر باشد.

والسلام علیکم و رحمۃالله و برکاته

پاورقی

(۱) نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۳



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	انجام عمل نیک با نیا درست برای دوری از ضرر در دوران نماینده‌گی	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	عمده در کارهای ما همین است برادران و خواهران عزیز! این موقعیتهای ظاهری و این عناوین و ریاست و مدیریت و نمایندگی و اعتبار مردمی و اینها میگذرد؛ آنچه که برای ما و شما باقی میماند، عمل ما است؛ که اگر عمل نیک و عمل صالح با نیت خوب و درست انجام داده باشیم، در این سالهائی که بر ما میگذرد، با این عناوین و با این خصوصیات، ضرر نکرديم. اگر چنانچه خدای نکرده این دوران مسئولیت و مأموریت و نام و نشان و عنوان، برای ما دستاوردی نداشته باشد، یا اگر خدای نکرده بر روی ما تأثیر منفی گذاشته باشد و ما را بدهکار کرده باشد، این بدترین سرنوشتی است که ممکن است برای امثال ما و شما، این مسئولیتها رقم زده باشد. باید به این مسئله به طور دائم توجه داشته باشیم.



توجه به امتحان بزرگ بودن
فرصت نمایندگی

نمایندگان مجلس شورای
اسلامی

البته این فرصت - فرصت نمایندگی مردم - یک فرصت مغتنمی است. هر کسی در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی بتواند یک مأموریتی به دست بیاورد و آن مأموریت را بدرستی انجام دهد، واقعاً باید خدا را شاکر باشد؛ ولی باید توجه داشت که این فرصت، امتحان بزرگی هم هست. ما در حال امتحان دادنییم. در برجستگی‌های دوران زندگی است که امتحانهای سخت پیش می‌آید. در روال عادی زندگی امتحان هست، لیکن امتحانهای برجسته و نفسگیر معمولاً مال آنجائی است که انسان وارد مقاطع حساس میشود؛ که از جمله‌اش همین مسئولیتهای ماها است. گاهی یک نفر سالهای طولانی از عمر خود را با امانت و طهارت گذرانده است، بعد میرسد به یک مقطع امتحان؛ اگر نتواند در این مقطع امتحان، توانائی خودش را در مهار نفس نشان دهد، لغزش پیدا خواهد کرد. این مقطع حساس، نمایندگی مجلس است؛ مسئولیتهای دولتهائی است؛ مسئولیتهائی از قبیل مسئولیت این بنده‌ی حقیر است. اینها آن مقاطع حساس زندگی ما است؛ اینجاها باید مواظب خودمان باشیم، مراقب باشیم.



شناخت مواضع امتحان در دوران
نماینده‌گی با دید نافذ

نمایندگان مجلس شورای
اسلامی

گاهی انسان در حال عادی زندگی، خوب زندگی میکند؛ اما وقتی به پرتگاه رسید، وقتی به نقطه‌ی حساس رسید، وقتی به پیچ خطرناک رسید، نمیتواند درست کنترل کند. این را باید به یاد داشته باشیم. «فی تقلب الأحوال علم جواهر الرجال»؛ (۱) ما خودمان را هم در یک چنین مقاطعی میتوانیم درست محک بزنیم. معمولاً انسان به خودش خوشبین است. ما عیبهای خودمان را نمی‌بینیم؛ معمولاً محسنات خودمان را بزرگتر از آنچه که هست، می‌بینیم. اینطور جاها وقتی که بین خودمان و خدا خلوت کنیم، میتوانیم ضعفهای خودمان را، نقصهای خودمان را پیدا کنیم. یک جا پول هست، یک جا قدرت هست، یک جا وجاهت هست، یک جا شهوات جنسی هست؛ اینها امتحانهای سخت است. آنچه که برای نمایندگان محترم مجلس، برای مسئولان دولتی، برای مسئولان قضائی، برای نیروهای مسلح، برای روحانیون، برای آن کسانی که مجموعه‌ای از اینها را با هم دارند، مهم است، این است که با دید نافذ خودشان مواقع امتحان و مواضع امتحان را بشناسند؛ بدانند که این نقطه، نقطه‌ی امتحان است؛ غفلت نکنیم

مراقبت کامل بر روی منش و
رفتار خود؛ به دلیل تاثیرپذیری
جامعه

نمایندگان مجلس شورای
اسلامی

که بدانید شما مثل یک قله هستید؛ آنچه از دل این قله میجوشد، بر دامنه و پیکره سرازیر میشود. رفتار، آداب، خلقیات، چگونگی تعامل در مجلس شورای اسلامی، مثل بقیه‌ی قله‌هایی که در کشور وجود دارد، بر روی رفتار، آداب، اخلاق و منش آحاد جامعه اثر میگذارد؛ این یک امر طبیعی است، یک امر همیشگی است. اگر در مجلس، عقل و فکر و طمأنینه و سکینه و آرامش و محبت حکمفرما باشد و از بلندگوهای مجلس این قضیه در سطح جامعه منعکس شود، همین خصوصیات بتدریج در جامعه اثر میگذارد. اگر در مجلس تشنج باشد، بغض باشد، کم‌کاری باشد، این باز به نوبه‌ی خود در رفتار مردم منعکس میشود؛ این تأثیر، طبیعی است. این تأثیر، دفعی و برجسته و نمایان نیست، اما بمرور و بتدریج آثار خودش را نشان میدهد؛ این، مسئولیت مسئولان محترم را افزایش میدهد. لذا به نظر من، دوستان عزیز و نمایندگان محترم از این نقطه‌نظر هم بر روی منش و رفتار خودشان یک مراقبت کاملی داشته باشند.



۵	دقت، اهتمام و تحقیق نسبت به طرح ها و لوایح	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	کار کردن بر روی لوایح و طرحها، یک وظیفه‌ای است به عنوان ادای حق مردم - این که حالا یک امر قطعی و روشنی است - یعنی وقتی لایحه‌ای به مجلس می‌آید یا طرحی را شما در مجلس تهیه میکنید و میخواهید این را در یک بخشی از بخشهای کشور که میتواند جدول فعالیت کلان کشور را پر کند، به کار بیندازید، دقت شما، مراقبت شما، اهتمام شما، تحقیق شما، مطالعه‌ی شما، که به پخته شدن این طرح یا لایحه کمک میکند، یک حقی است برای مردم بر دوش شما. لایحه‌ای به مجلس می‌آید - بنده خود هم در مجلس بودم و این موارد را از نزدیک تجربه کردم - وقتی که لایحه به کمیسیون داده میشود و در معرض دید این نماینده قرار میگیرد، گاهی با این لایحه مثل یک کار مربوط به شخص خود رفتار میکند؛ دقت میکند، مطالعه میکند، تحقیق میکند، با کارشناس می‌نشیند مباحثه میکند، مطلب را در ذهن خود به صورت محقق ترسیم میکند.
۶	گلایه نسبت به خالی بودن خیلی از صندلی های مجلس در برخی اوقات	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	این گلایه وجود دارد، بنده هم مکرر این گلایه را در دوره‌های گذشته به نمایندگان محترم مجلس و به رؤسای مختلف مجلس عرض کردم که گاهی اوقات انسان می‌بیند خیلی از صندلی‌ها خالی است؛ به قدری که از نصاب جایز فراتر است! حالا یک تعدادی صندلی قهراً همیشه یک عذری برایش وجود دارد، اما بالاخره این یک نصابی دارد. گاهی که انسان می‌بیند از این نصاب بالاتر است، احساس میکند که بر طبق وظیفه عمل نشده است.



۷	لزوم حضور جسمانی، ذهنی و قلبی در مجلس	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	گاهی هم بعضی در مجلس هستند - این هم یک پدیده‌ای است - در رأی‌گیری شرکت نمیکنند؛ آقایان آن عقب مجلس می‌نشینند، گعده میکنند! این هم مصلحت نیست. یعنی هم حضور جسمانی در مجلس، هم حضور قلب در مجلس - یعنی متوجه آن مسئله بودن، حرف موافق و حرف مخالف را شنیدن - لازم است؛ اینها جزو وظائفی است که قوام نمایندگی به اینها است و نمیشود از اینها صرف‌نظر کرد؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است. واقعاً درخواست من از برادران و خواهران عزیز نماینده این است که به این مسئله توجه کنند، اهتمام بورزند؛ هم برای حضور در مجلس، به معنای حضور جسمانی و مادی؛ هم به معنای حضور معنوی و روحانی، یعنی حضور قلب و حضور ذهن؛ این مسئله‌ی مهمی است.
۸	لزوم دیده شدن تقوا، امانت، اخلاق و احساس مسئولیت و نشاط کار در مجلس به دلیل تاثیر در جامعه	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	. اگر تقوا و امانت و اخلاق و احساس مسئولیت و نشاط کار، در مجلس دیده شود، این در جامعه اثر میگذارد؛ در درجه‌ی اول مردم را نسبت به نمایندگان مجلس علاقه‌مند و خوشبین و متعهد میکند، در درجه‌ی بعد رفتار آنها را به رفتار این نمایندگان عزیز - که خب قله هستند، چهره هستند، برجسته هستند - نزدیک میکند.



پرهیز از اهانت، تعبیرات
ناپسند و سخیف در
نطق‌های پیش از دستور، اظهارات
و بگومگوها

نمایندگان مجلس شورای
اسلامی

اگر در تعبیراتی که نماینده‌ی محترم مجلس به کار میبرد؛ چه در نطق‌های پیش از دستور، چه در اظهارات، چه در بگومگوها، ملاحظه شد که ادب وجود دارد، پرهیز از اهانت وجود دارد، پرهیز از تعبیرات ناپسند و سخیف وجود دارد - دیدن اینها را انسان احساس میکند؛ وقتی انسان پای رادیو نشسته است و دارد گوش میدهد، میفهمد که این آقا میتواند در اینجا این تعبیر اهانت‌آمیز را به کار ببرد، ولی به کار نبرد - این در من مستمع هم اثر میگذارد؛ اما اگر چنانچه نه، خدای ناکرده عکس این دیده شد؛ یعنی ناپرهیزی در بیان، در گفتار، در تعبیرات، تعبیرات اهانت‌آمیز یا غیر مؤدبانه، یا رفتار غیر مؤدبانه دیده شد، این بلافاصله اثر میگذارد. یعنی آن شنونده با اینکه این رفتار را تحسین نمی‌کند، درعین حال خودش تحت تأثیر قرار میگیرد. مردم مثل بچه‌ای نیستند که از رفتار پدر تأثیر میپذیرد، بدون اینکه زشتی یا خوبی آن رفتار را بفهمد؛ نه، مردم زشتی و خوبی رفتار را میفهمند؛ طبیعت قضیه اینجوری است. شما ملاحظه کنید؛ در محیط‌های مختلف، جماعات مختلف، کسی یک کاری را میکند؛ تعبیری را، حرفی را بر زبان می‌آورد؛ انسان خوشش هم نمی‌آید، اما درعین حال تأثیر میگذارد؛ کسی یک کاری را میکند؛ تعبیری را، حرفی را بر زبان می‌آورد؛ انسان خوشش هم نمی‌آید، اما درعین حال تأثیر میگذارد؛

دوری از ناپرهیزدربیان
و گفتار و رفتارها و
تعبیرات اهانت‌آمیز یا غیر مؤدبانه در
مجلس به دلیل تأثیرگذاری در
جامعه

نمایندگان مجلس شورای
اسلامی

اگر چنانچه نه، خدای ناکرده عکس این دیده شد؛ یعنی ناپرهیزی در بیان، در گفتار، در تعبیرات، تعبیرات اهانت‌آمیز یا غیر مؤدبانه، یا رفتار غیر مؤدبانه دیده شد، این بلافاصله اثر میگذارد. یعنی آن شنونده با اینکه این رفتار را تحسین نمی‌کند، درعین حال خودش تحت تأثیر قرار میگیرد. مردم مثل بچه‌ای نیستند که از رفتار پدر تأثیر میپذیرد، بدون اینکه زشتی یا خوبی آن رفتار را بفهمد؛ نه، مردم زشتی و خوبی رفتار را میفهمند؛ طبیعت قضیه اینجوری است. شما ملاحظه کنید؛ در محیط‌های مختلف، جماعات مختلف، کسی یک کاری را میکند؛ تعبیری را، حرفی را بر زبان می‌آورد؛ انسان خوشش هم نمی‌آید، اما درعین حال تأثیر میگذارد؛ یعنی تکرار آن رفتار را برای انسان تسهیل میکند، آسان میکند؛ طبیعت قضیه این است.



رعایت انصاف در مقابل همکار
خود، در مقابل دولت و در مقابل قوه
قضائیه به دلیل تاثیر پذیری
جامعه

نمایندگان مجلس
شورای اسلامی

یک مسئله‌ی دیگر هم «انصاف» است. البته اینتهائی که عرض میکنیم، در واقع توضیح واضح است و شما آقایان و خانمها به این چیزها واقفید؛ شاید خود شما، مردم را به این چیزها توصیه میکنید؛ ولی ما هم وظیفه داریم که اینها را عرض کنیم؛ ولو حالا شما بحمدالله شاید هیچ احتیاجی هم ندارید که ما بگوئیم، اما لازم است بگوئیم. انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل قوه‌ی قضائیه. انصاف را باید رعایت کنید؛ «و لا یجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا». (۲) گاهی ما با کسی بدیم، از کسی بدمان می‌آید؛ خب، این کار میتواند موجّه باشد؛ بالاخره یک دلیلی داریم، از کسی خوشمان نمی‌آید؛ اما نسبت به همین کسی هم که از او خوشمان نمی‌آید و استدلال هم داریم برای اینکه از او خوشمان نیاید، باید انسان انصاف به خرج دهد. کسی یک نقطه‌ی خوبی دارد؛ آن را تحت تأثیر نقطه‌ی بدی که از او در ذهن ما هست، قرار ندهیم؛ این خیلی چیز مهمی است. بی‌انصافی و رفتار نامتناسب، منجر میشود به عکس‌العمل مشابه در طرف مقابل. ما آدمهای ضعیفی هستیم دیگر؛ شما اگر چنانچه مثلاً نسبت به این حقیر یک وقتی بی‌انصافی کردید، این حقیر آن مقدار قدرت و توانائی و ضبط نفس ندارم که بگویم خیلی خوب، حالا او بی‌انصافی کرد، بکند؛ من هم وادار میشوم به بی‌انصافی. اینجوری در جامعه، تبادل بی‌انصافی‌ها، به جای تبادل انصاف، به جای تبادل محبت، رائج میشود. ببینید، چون شما نماینده‌ی مجلسید، این تأثیر وجود دارد؛ والا اگر چنانچه شما جزو افراد معمولی جامعه بودید، تأثیر داشت، اما نه به این اندازه. وقتی ما در روی سکوئی قرار گرفتیم و مردم به ما نگاه میکنند، رفتار ما یک معنا دارد؛ وقتی که نه، در جمعیت مردم، در سواد مردم گم هستیم، همان رفتار یک معنای دیگری دارد.

تعامل و ملاحظه دوطرفه مجلس
و قوه مجریه با یکدیگر

مجلس و دولت

یک مسئله هم که بنده همیشه به دوستان مجلس عرض کردم، تعامل با قوه‌ی مجریه است. با قوه‌ی مجریه هم که ما می‌نشینیم، چه با رئیس جمهور محترم، چه با وزرای محترم، چه با مجموع اینها، همین سفارش را به آنها میکنیم که با قوه‌ی مقننه تعامل کنند. هر کدام هم حقی دارند. مجلس دارای حق است، در یک محدوده‌ی مشخصی؛ قوه‌ی مجریه و دستهای کننده‌ی کار هم دارای حقند، در یک محدوده‌ی مشخصی. حدود یکدیگر را باید حفظ کنند، با یکدیگر تعامل کنند؛ این تعامل، جاده‌ی دوطرفه است - فرنگی‌ها و فرنگی‌مآبها میگویند جاده‌ی دوطرفه؛ حرف بدی هم نیست، تعبیر بدی هم نیست - باید از هر دو طرف، این تعامل وجود داشته باشد. البته درعین حال با همه‌ی حسن نیتها که طرفین دارند، گاهی بی‌تفاهمی‌هایی وجود پیدا میکند - اشکالی ندارد - لیکن این عدم تفاهمها در همان حدی که اقتضای طبیعی کار است، ایراد ندارد؛ نباید تشدید کرد، ایجاد کدورت کرد؛ اینها را باید مراقبت کرد. به شما عرض میکنیم؛ قوه‌ی مجریه وسط میدان ایستاده است - چه این دولت، چه هر دولت دیگری - و کارها به عهده‌ی اوست، بارها بر دوش اوست، ملامتها به طرف او سرازیر میشود، سؤالها و مؤاخذه‌ها از او میشود؛ لذا باید ملاحظه‌ی او را کرد. به قوه‌ی مجریه هم ما همیشه سفارش میکنیم؛ این حق عظیمی که در قانون برای مجلس قانونگذاری و برای کل قانون ملاحظه شده، باید از طرف مجریان رعایت شود



۱۳	ریل گذاری قانون به شیوه ای که قطار دولت بتواند سرپیچ پیچد	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	قانون اساس کار است، قانون ریل حرکت این قطار است؛ شما باید زحمت بکشید این ریل گذاری را بکنید، آنها هم باید بر روی این ریل حرکت کنند. شما کمک کنید که این ریل جوری باشد که این قطار سر پیچ بتواند پیچد. قطار شمال را آقایان دیده اند؛ یک جاهائی پیچهای سختی دارد، اما بالاخره جوری است که قطار میتواند حرکت کند. از این پائین تا آن بالای کوه قطار حرکت میکند، میرود بالا و می آید پائین، مشکلی هم برایش پیش نمی آید؛ چون ریلها درست چیده شده است. اگر چنانچه این انحنائاتی که لازم بود به وجود بیاید، به این شکل به وجود نیامده بود، اگر مثلاً جوری تنظیم شده بود که قطار نمیتوانست حرکت کند، مکرر شما شاهد سقوط قطار از آن بالا میبودید. این را باید در ریل گذاری ملاحظه کرد. شما ریل گذارید، او روی این ریل حرکت میکند و باید قدر شما را بداند؛ اما شما هم بدانید که بالاخره بنا است روی این ریل حرکت شود. بنابراین دو طرف قضیه مهم است. عرض کردیم، این مخصوص این دولت نیست؛ در همه ی دولتها، و در چند دوره ی مجلس و دولت، بنده مکرر این سفارش را به همه کردم؛ البته خب، بعضی انصافاً رعایت کردند، بعضی هم گاهی بی توجهی کردند.
۱۴	عمل کردن با جدیت، مجاهدت، اخلاص و احساس وظیفه	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	! آنچه برای من و شما میماند و این دعا را مستجاب میکند: «و لا تهلكنى غمًا حتى تغفر لى و ترحمنى و تعرفنى الاستجابة فى دعائى»، (۳) عمل امروز ما است که با جدیت باشد، با مجاهدت باشد، با اخلاص باشد، با احساس وظیفه باشد. اگر اینها شد، خدای متعال از برخی از کم و زیاده ها و مسامحه ها و مساهله ها خواهد گذشت؛ اما مهم این است که ما همتان بر این باشد که ان شاء الله کار را تمیز و طاهر و بی حاشیه و با نیت خوب و با جدیت انجام دهیم.



۱۵	برگزاری انتخابات به صورت پرشور ، به منظور ایجاد مصونیت، اقتدار و امنیت	مردم	، انتخابات همیشه مهم است و حالا هم که خب طبعاً به مناسبت هائی اهمیت زیادی دارد. همه باید تلاش کنند که ان شاء الله این انتخابات، پرشور و با حضور عمومی مردم انجام بگیرد. این موجب میشود که کشور، هم مصونیت پیدا کند، هم اقتدار پیدا کند، هم امنیت پیدا کند. حضور مردم، تهدید دشمنان را از بین میبرد. شما می بینید که برخی از سیاستمداران غربی و بخصوص برخی از سیاستمدارهای پشت پرده ی آمریکائی تحلیلهائی میکنند - که خب، بعضاً منتشر هم میشود، به رسانه ها منتقل هم میشود - و میگویند: نظام جمهوری اسلامی ایران به این آسانی ها و به این زودی ها تکان بخور نیست. چرا این حرف را میگویند؟ برای خاطر اینکه می بینند این نظام، متکی به مردم است؛ سرش فقط این است؛ والا اینکه خیال کنیم که حالا در رأس نظام زید وجود دارد یا عمرو وجود دارد، اینها در مقابل عظمت حضور مردم و پشتوانه ی نظام، در واقع هیچ است؛ شبیه هیچ است.
۱۶	نگاه به برنامه های صدا و سیما برای انتخاب نامزد اصلح در انتخابات	مردم	خوشبختانه امروز وسیله ی تشخیص هم در اختیار مردم است. خب، این صدا و سیما است؛ برنامه ها را ضبط میکند، برنامه ها را پخش میکند، حرفها را نشان میدهد، شخصیتها را نشان میدهد؛ مردم میتوانند نگاه کنند، به یک نتیجه ای برسند؛ این نتیجه ممکن است درست باشد، ممکن است نادرست باشد؛ ممکن است زید به یک نتیجه برسد، عمرو به یک نتیجه برسد؛ خب، طبعاً یکی اش درست است، یکی اش غلط؛ اما خدای متعال به هر دو اجر خواهد داد. وقتی انسان نگاه کرد و ملاحظه کرد و تشخیص داد و بر اساس تشخیص خود محض رضای خدا عمل کرد، خدای متعال به انسان اجر میدهد. این وظیفه ی ماها است - همه ی آحاد مردم - که نگاه کنیم ببینیم واقعاً به چه نتیجه ای میرسیم، بر طبق آن نتیجه عمل کنیم.



مراسم بیست و چهارمین سالروز

رحلت حضرت امام خمینی

۱۳۹۲/۳/۱۴ در حرم امام خمینی رحمه الله



مقدمه

و الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا
ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین
المنتجبین الهداء المهدیین المعصومین سیما بقیة الله فی
الأرضین.

الف) جایگاه روز چهاردهم خرداد در میان مردم ایران و اهمیت و خصوصیت پانزدهم خرداد در تاریخ نهضت مردم ایران اسلامی

۱. اگرچه یاد امام همواره در میان ملت ما زنده است، ولی
روز چهاردهم خرداد مظهر دل‌بستگی ملت ایران به امام
بزرگوار است

خداوند متعال را سپاسگزاریم که یک نوبت دیگر به ما فرصت داد،
مجال داد، عمر داد تا بتوانیم در یک چنین روزی از امام عزیزمان

تجلیل کنیم و به آن بزرگوار عرض ارادت و اخلاص کنیم. اگرچه یاد امام در میان ملت ما همواره زنده است، ولی روز چهاردهم خرداد
مظهر دل‌بستگی ملت ایران به امام بزرگوار است. امسال این روزها مصادف است با سالگرد شهادت جد بزرگوار امامان، حضرت امام
موسی بن جعفر (علیه الصّلاة و السّلام)؛

۲. امسال مصادف با پنجاهمین سال حادثه‌ی تعیین کننده و مهم پانزده خرداد ۱۳۴۲ است؛ پانزده خرداد، مقطع مهمی است
همچنین امسال مصادف است با پنجاهمین سال حادثه‌ی تعیین کننده و مهم پانزده خرداد در سال ۱۳۴۲. مسئله‌ی پانزده خرداد،
مسئله‌ی مهم و مقطع مهمی است. من مختصراً در این باره عریضی عرض میکنم تا برسیم به مطالب اصلی و لازم.

۱، ۲. پانزده خرداد مبدأ نهضت بزرگ روحانیت و مردم نیست، ولی مقطع بسیار مهمی است؛ زیرا پیوند مردم با روحانیت را در یک سطح
حساس نشان داد

پانزده خرداد مبدأ نهضت بزرگ روحانیت و مردم نیست. قبل از پانزده خرداد، در سال ۱۳۴۱ و آغاز سال ۱۳۴۲، قضایای مهمی اتفاق افتاد: در
دوم فروردین ۴۲، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه پیش آمد و ضرب و جرح طلاب علوم دینی و اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیه الله گلپایگانی.
قبل از آن، در اواخر سال ۱۳۴۱، قضایای تظاهرات مردم در بازار تهران پیش آمد و در آنجا هم اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم

۱۷	وظیفه سنگین در بیان واقعی، صمیمی و متکی بر حقایق ستوبرآمده از زبان صادق و راستگو	نامزدهای انتخابات	البتة آقایانی هم که در تلویزیون به عنوان نامزد ظاهر میشوند و حرف میزنند، وظائف سنگینی دارند؛ آنها هم باید مراقب باشند. حرفی که از دهان انسان خارج میشود، باید واقعی، صمیمی، متکی به اطلاعات درست و برآمده‌ی از زبان صادق و راستگو باشد. اینجور نباشد که حالا برای اینکه توجه مردم را جلب کنیم، هرچه به دهانمان آمد، بگوئیم؛ اینها را باید مراقبت کنند.
۱۸	آشناسازی مردم با واقعیت خود و اوضاع کشور	نامزدهای انتخابات	نامزدها کاری که میدانند درست است، میتوانند انجام دهند، آن را بگویند - حالا به عنوان وعده، به عنوان برنامه، به عنوان هرچه - سعی کنند مردم را با واقعیت مواجه کنند؛ هم واقعیت اوضاع، هم واقعیت خودشان. اگر این شد، خدا برکت خواهد داد؛ اگر این شد، خدای متعال کمک خواهد کرد؛
۱۹	هوشیاری و آگاهی نسبت به توطئه های دشمنان	مردم و مسئولان	آنچه که بین ما و خدا حجت است، این است که بتوانیم درست تشخیص دهیم. در خبرهای رادیوهای بیگانه و آنچه که در این نوشتجات منعکس میشود - که لابد می‌بینید، میشنود - روی مقاصدی که دارند، همین چیزها را هی تبلیغ میکند، هی فضا را داغ میکنند. خب، اهداف آنها معلوم است. البتة اینجور هم نیست که ما ندانیم مقصود آنها از این کارها چیست. ما کار خودمان را انجام میدهم. ما بلدیم چه کار کنیم. جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی میفهمد دارد چه کار میکند. نظام اسلامی دارد راه خودش را میرود. هدف مشخص است، راه مشخص است، تدابیر مشخص است. نظام، کار خودش را انجام میدهد؛ حالا دیگران توی سر خودشان میزنند، بزنند؛ آن تأثیری در کار نظام ندارد؛ لیکن آگاهی و هوشیاری در این مراحل، مهم است.



آیه‌الله حاج سید احمد خوانساری. اینها نشان‌دهنده‌ی این است که نهضت روحانیت در سال ۴۱ و آغاز سال ۴۲ به آنچنان اوج و نشاطی رسیده بود که پلیس دستگاه جبار و دستگاه‌های امنیتی برخوردهای خشنی با علما و طلاب و حتی مراجع تقلید داشتند. ولی با این همه، پانزدهم خرداد سال ۴۲ یک مقطع بسیار مهمی است. علت این است که در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد. در روز عاشورای آن سال - که روز سیزدهم خرداد بود - امام بزرگوار در مدرسه‌ی فیضیه یک سخنرانی تاریخی تعیین‌کننده‌ای کردند. بعد که امام را دستگیر کردند، در روز پانزده خرداد عمده‌تاً در تهران، همچنین در قم و در بعضی از شهرهای دیگر، یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد و رژیم طاغوت با همه‌ی وجود، با ارتش خود، با پلیس خود، با دستگاه‌های امنیتی خود، دست به سرکوب این حرکت مردمی زد.

۱,۲,۱. در ۱۵ خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد، ملت با مرجعیت پیوند مستحکمی داشت؛ همین پیوند است که ضامن پیشرفت، اوج و پیروزی نهضت شد

در پانزده خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد. این نشان‌دهنده‌ی این بود که آحاد ملت ایران، با روحانیت، با مرجعیت - که مظهر آن، امام بزرگوار بود - یک چنین پیوند مستحکمی دارند. و نکته اینجاست که همین پیوند است که ضامن پیشرفت نهضت، اوج نهضت و پیروزی نهضت میشود. هر جا یک حرکتی، یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است؛ اما اگر مردم با یک حرکت اعتراضی پیوند نخوردند، ناکام خواهد ماند؛ کمالینکه بعد از حادثه‌ی مشروطه در ایران قضایائی اتفاق افتاد، مبارزاتی شروع شد، هم از طرف گروه‌های چپ، هم از طرف گروه‌های ملی، اما همه‌ی اینها در طول تاریخ نهضت‌های ایران، سرنوشتشان شکست و ناکامی بود؛ چون مردم با اینها نبودند. وقتی مردم وارد میدان میشوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم میشود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم می‌خورد؛ حادثه‌ی پانزده خرداد این مطلب را نشان داد؛ نشان داد که مردم پشت سر روحانیتند. با دستگیری امام بزرگوار آنچنان قیامتی در تهران و در برخی از شهرستانهای دیگر به راه افتاد که دستگاه را وارد میدان کرد و سرکوب وحشیانه‌ای کردند؛ تعداد نامعلومی - بسیار زیاد - از مردم کشته شدند؛ خیابانهای تهران با خون بندگان خدا و مؤمنان و جوانان سلحشور این ملت، رنگین شد.

۲,۲. در مقابل کشتار بیرحمانه رژیم در ۱۵ خرداد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا و سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند

در پانزده خرداد، چهره‌ی خشن دیکتاتور، چهره‌ی بیرحم رژیم طاغوت، کاملاً خود را نشان داد. اما نکته‌ی دیگری که در قضیه‌ی پانزده خرداد وجود داشت - که جوانهای ما، مردم عزیز ما باید به این نکات توجه کنند؛ اینها مهم است - این بود که در مقابل این کشتار بیرحمانه‌ای که در تهران و برخی نقاط دیگر به وجود آمد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا، از این سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند؛ هیچ کس اعتراض نکرد.



۲,۳. مردم، امام و روحانیت در صحنه تنها ماندند؛ حتی مارکسیست‌ها و ملی‌گراها حرکت مردم را محکوم کردند

مردم و روحانیت، در صحنه تنها ماندند. مارکسیست‌ها و دولتهای چپ و گروههای چپ، حتی حرکت مردم در پانزده خرداد را محکوم کردند؛ گفتند این یک حرکت فئودالیستی بود؛ ملی‌گراهائی که دم از مبارزه می‌زدند، آنها هم این حرکت را محکوم کردند؛ گفتند یک حرکت کور و بی‌هدف بود، یک حرکت افراطی بود؛ هر جایی که مردمان عافیت‌طلب و راحت‌طلب، در وسط میدان مبارزه، جایی برای خود باز نمیکنند و خطرپذیری نمیکنند، انسانهای مؤمن و مبارز را به تندی و افراطی‌گری متهم میکنند؛ گفتند اینها افراطی بودند؛ حرکت، حرکت افراطی بود.

امام به پشتوانه‌ی این مردم، تنها ماند در میدان؛ اما به معنای حقیقی کلمه، یک رهبر آسمانی و معنوی قاطع و مصمم را در چهره‌ی خود به همه‌ی مردم و به تاریخ نشان داد.

ب) بیان سه باور در حضرت امام و آثار آن در معظم له؛ برکات تزریق آنها در میان مردم و چیستی نقشه راه حرکت در مسیر پیشرفت

۱. سه باور در وجود، تصمیم و همه حرکت‌های امام بزرگوار ما وجود داشت که به او قاطعیت، شجاعت و استقامت میداد: باور به خدا، مردم و خود

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. امام با دل خود با مردم حرف زد، مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند، به وسط میدان آمدند و مردانه ایستادند و حرکتی که از هیچ نقطه‌ای از دنیا نسبت به آن، نگاه محبت‌آمیزی وجود نداشت و دست کمکی دراز نشد، بتدریج به سمت پیروزی حرکت کرد و در نهایت به پیروزی رسید.

۱,۱. این سه باوری را که در امام وجود داشت، کمی تبیین می‌کنم:

من این سه باوری را که در امام وجود داشت، اندکی باز کنم. اینها مطالب مهمی است که اگر چنانچه در دل ما جایی باز کند، مسیر حرکت ما را روشن خواهد کرد.

۱,۱,۱. امام مصداق «حسبنا الله و نعم الوکیل» بود؛ به وعده الهی یقین داشت و می‌دانست «انتصروا الله ینصرکم» وعده تخلف ناپذیر الهی است

در باور به خدا، امام مصداق این آیه‌ی شریفه بود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمُ الْوَكِيلُ». (۱) «حسبنا الله و نعم الوکیل» را امام با همه‌ی وجود ادا میکرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده‌ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که «ان تنصروا الله ینصرکم» (۲)



۱،۲،۱. امام اعتقاد داشت ملت ما، ملتی با ایمان عمیق، باهوش و شجاع است که اگر پیشوایان لایقی داشته باشند، میتواند مثل خورشید بدرخشد

در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه میشناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت میتواند مثل خورشید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر میشود و با شجاعت، پیشوائی مردم را به عهده میگیرد، این ملت میتواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را میشناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندوهای ساخته و پرداخته‌ی دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیقِ تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه میکنید که امام در مقابله‌ی با قدرتهای سلطه‌گر لحظه‌ای از پا ننشست، عمدتاً به‌خاطر همین بود که قدرتهای سلطه‌گر، دشمن سعادت مردم بودند و امام دشمن مردم را دشمن میداشت.

۱،۳،۱. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم تعلیم دهد، آن را در وجود خود زنده کرد و اعتقاد به توانائی شخصیتی خود را به بروز و ظهور رساند

در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه‌ی فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرتهای خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت میکرد، تهدید کرد که اگر اینجور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه‌ی بین‌المللی؛ فقط به اتکاء ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم. این، اعتماد به نفس بود. امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد.

عزیزان من! صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمی‌توانید کشورتان را اداره کنید، نمیتوانید عزت به دست بیاورید، نمیتوانید ساخت‌وساز کنید، نمیتوانید در میدان علم حرکت کنید، نمیتوانید، نمیتوانید؛ ما هم باورمان شده بود.

یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمیتوانید» است؛ که ملتها مأیوس شوند، بگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه‌ی میدانهای زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما میتوانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه‌ی میدانها - که حالا اشاره‌ای خواهیم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.

۱،۲. این سه باور، محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها، همه‌ی اقدام‌ها و همه‌ی سیاست‌های امام بود

این سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌های او، همه‌ی اقدامهای او و همه‌ی سیاستهای او شد. در آغاز نهضت، همین سه باور به امام قدرت داد؛ در دوران تبعید، همین جور؛ در وقتی که امام به پاریس حرکت کرد، همین جور؛ در وقتی که به ایران آمد، همین سه باور به امام این قدرت را داد که در آن شرائط وارد تهران شود؛ در حوادث بهمن ۵۷، در فتنه‌های داخلی، در اعلام نظام جمهوری اسلامی، در ایستادگی صریح در مقابل نظم ظالمانه‌ی جهانی، در اعلام «نه شرقی، نه غربی»، در جنگ تحمیلی، و در همه‌ی قضایای آن ده سالِ پرحادثه‌ی زندگی امام، همین سه باور در امام متجلی بود. منشأ تصمیم امام، منشأ اقدام امام، منشأ سیاستهای امام، همین سه باور بود.

۱،۳. تا روزهای آخر زندگی، در حرف و عمل امام نشانی از افسردگی، تردید و تسلیم‌طلبی نبود؛ این سه باور، روح امام رازنده و جوان نگهداشت

تا روزهای آخر زندگی، هیچ کس در حرف و عمل امام بزرگوار ما، نشانی از افسردگی و تردید و خستگی و وادادگی و تسلیم‌طلبی پیدا نکرد. بسیاری از انقلابی‌های دنیا وقتی که از دوران جوانی خارج میشوند و به پیری میرسند، دچار تردید میشوند، دچار محافظه‌کاری میشوند؛ حتی گاهی حرفهای اصلی خودشان را هم پس میگیرند. بیانیه‌های امام در سالهای آخر عمر، حتی از سخنان سال ۴۲ ایشان گاهی انقلابی‌تر بود، تندتر بود، قوی‌تر بود؛ پیر میشد، اما دل او جوان بود، روح او زنده بود؛ این همان استقامتی است که در قرآن کریم میفرماید: «و ان لو استقاموا على الطریقۃ لاسقیناهم ماء غدقا».(۳) در آیه‌ی دیگر میفرماید: «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزل علیهم الملائکة».(۴) این سه باور، امام را زنده نگه داشت؛ جوان نگه داشت؛ فکر امام و راه امام و طریقه‌ی امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد.

۲. این سه باور بتدریج در مردم همگانی شد و امید، اعتماد به نفس و توکل به خدا پیدا کرد؛ در نتیجه ایران وابسته به ایرانی مستقل و سرافراز تبدیل شد

آن وقت همین سه باور بتدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ اینها جای یأس را گرفت، جای تاریک‌نمائی را گرفت، جای بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحیات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد: «انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یتغیروا ما بانفسهم»؛(۵) ملت ایران راه خود را، حرکت خود

را، انگیزه‌های خود را اصلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که ایران وابسته تبدیل شد به ایران مستقل.

۲,۱. وابستگی رژیم طاغوتی پهلوی به حالت شرم‌آور رسیده بود؛ کشور ابتدا با سیاست و نقشه انگلیس و بعد با سیاست و نقشه آمریکا اداره می شد

از وابستگی رژیم طاغوتی پهلوی - که بدتر از رژیم مرتجع روسیاه قاجار بودند - به انگلیس و بعد به آمریکا، چیزهای زیادی هست که جوانهای عزیز ما باید بدانند. وابستگی اینها به حالت شرم‌آور رسیده بود. بعد از انقلاب، یکی از دیپلماتهای برجسته‌ی آمریکا این را گفت و نوشت؛ گفت ما بودیم که به شاه میگفتیم شما به فلان چیز احتیاج دارید، به فلان چیز احتیاج ندارید! آنها بودند که میگفتند این رابطه را باید برقرار کنید، این رابطه را باید قطع کنید؛ نفت را این مقدار تولید کنید، این مقدار بفروشید؛ به کی بفروشید و به کی نفروشید! کشور با سیاست آمریکا، با نقشه‌ی آمریکا، و پیش از آن با سیاست و نقشه‌ی انگلیس اداره میشد. این کشور وابسته تبدیل شد به ایران مستقل، ایران سرافراز، سران فاسد و خائن و پول‌پرست و غرق در شهوات و لذتهای مادی و حیوانی، بر این کشور حکمرانی میکردند؛ این تبدیل شد به نمایندگان مردم؛ جای خود را دادند به زمامدارانی که نمایندگان مردم بودند.

۲,۲. بعد از انقلاب، آن سیاست مداران خبیث وابسته طماع پست فرودست در مقابل دشمن و خشمگین در مقابل مردم، به نمایندگان ملت تبدیل شدند

در این سی و چند سال کسانی بر این کشور فرمانروائی کردند، قدرت را در دست گرفتند، سیاست و اقتصاد را در دست گرفتند که نماینده‌ی مردم بودند. با همه‌ی ضعفها و با همه‌ی قوت‌هایی که در اشخاص مختلف وجود داشت، این خصوصیت همه بود که اینها نماینده‌های مردم بودند؛ کسانی بودند که کیسه‌ای برای خود ندوخته بودند - البته یکی ضعیف‌تر است، یکی قوی‌تر است - این خیلی مسئله‌ی مهمی است. آن سیاستمداران خبیث وابسته‌ی طماع پست فرودست در مقابل دشمنان و خشمگین در مقابل مردم، تبدیل شدند به نمایندگان مردم. کشور عقب‌مانده‌ی ما از لحاظ علمی، تبدیل شد به یک کشور پیشرفته‌ی علمی.

۲,۳. قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم؛ امروز مراکز سنجش جهانی می گویند شتاب پیشرفت علمی ایران، یازده برابر متوسط دنیاست

ما قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم. امروز دیگران درباره‌ی ما میگویند، مراکز سنجش جهانی درباره‌ی ایران قضاوت میکنند که رشد و شتاب پیشرفت علمی، یازده برابر متوسط دنیا است. این چیز کمی است؟ مراکز سنجش علمی پیش‌بینی میکنند که تا چند سال دیگر - تا سال ۲۰۱۷ - ایران در رتبه‌ی چهارم علمی دنیا قرار میگیرد. این چیز کوچکی است؟ آن کشوری که از لحاظ علمی هیچ افتخاری نداشت، تبدیل شد به این.

۲,۴. اگر می خواستیم جاده، سد و کارخانه بسازیم باید به سمت بیگانگان دست دراز می کردیم؛ امروز سازندگی در کشور به نقطه اوج

رسیده است

ما کشوری بودیم که اگر میخواستیم یک جاده، یک بزرگراه، یک سد، یک کارخانه بسازیم، باید به سمت بیگانگان دست دراز میکردیم تا مهندسان خارجی بیایند برای ما سد درست کنند، جاده درست کنند، کارخانه احداث کنند. امروز جوانان این ملت، بدون کمترین اعتنائی به بیگانگان، هزاران کارخانه، صدها سد و پل و راه و بزرگراه در کشور ایجاد میکنند. امروز رشد علمی و فنی و توانائی‌های سازندگی در کشور به این نقطه‌ی از اوج رسیده است؛ آیا شایسته است که ما اینها را نبینیم؟

۲,۵. برای یک جراحی اندکی پیچیده، بیمار ما باید در بیمارستان های اروپا سرگردان می شد؛ امروز پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ در کشور انجام می گیرد

در زمینه‌ی بهداشت و درمان، برای یک جراحی اندکی پیچیده، بیمار ما باید میرفت در بیمارستانهای اروپا سرگردان میشد، اگر پول داشت؛ و اگر پول نداشت، باید میمرد. امروز در کشور ما پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ - پیوند کبد، پیوند ریه، کارهای مهم در زمینه‌ی جراحی و پزشکی - انجام میگیرد؛ نه فقط در تهران، در بسیاری از شهرهای دوردست. این توانائی‌ها امروز وجود دارد. ملت ایران در این زمینه احتیاجی به بیگانگان ندارد؛ در این زمینه‌ی بسیار مهم و حیاتی، به استقلال و خودکفائی رسیده است.

۲,۶. قبل از انقلاب کمترین نگاهی به مناطق دوردست کشور نمی شد؛ امروز خدمات گوناگون در شهرهای دوردست و روستاهای گوناگون گسترده است

بسیاری از نقاط این کشور، فراموش شده بود - بنده در دوران پیش از انقلاب، به شهرستانهای مختلف و جاهای گوناگون زیاد سفر میکردم - کمترین نگاهی به مناطق دوردست کشور نمیشد؛ اما امروز خدمات گوناگون در سرتاسر کشور گسترده است؛ در شهرهای دوردست، در روستاهای گوناگون. امروز معنا ندارد که کسی بگوید فلان جا از نیروی برق یا فرضاً از زیرساختهای جاده و امثال اینها محروم مانده است. آن روز اگر یک نقطه‌ای در نقاط دوردست برخوردار بود، مایه‌ی تعجب بود؛ امروز عکسش مایه‌ی تعجب است.

۲,۷. در میان جمعیت سی و پنج میلیونی، صد و پنجاه هزار دانشجو داشتیم؛ امروز با دوبرابر شدن جمعیت، تعداد دانشجو بیست الی سی برابر شده است

آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی کشور، قبل از انقلاب، صد و پنجاه هزار دانشجو بود؛ امروز جمعیت شده است دو برابر، تعداد دانشجو شده است بیست برابر، بلکه سی برابر؛ این یعنی توجه به علم. کثرت دانشجویان، کثرت اساتید، کثرت دانشگاه، قابل توجه است. در هر شهر دورافتاده‌ای، یکی، دو تا، پنج تا، گاهی ده تا دانشگاه وجود دارد. آن روز استان‌هایی وجود داشت که تعداد دبیرستانهایش به عدد انگشتان دو دست نمیرسید؛ امروز در همان استانها، در هر شهرش، چند دانشگاه، گاهی چندین دانشگاه وجود دارد. این، حرکت عظیم ملت ایران است که به برکت انقلاب و با همت جوانان و همت مسئولان، در طول این سی و چند سال اتفاق افتاده است؛

۲,۸. به برکت انقلاب، زیربنای فراوان در این کشور ساخته شد؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد





اینها حوادث مهمی است. به برکت انقلاب، زیربناهای فراوان در این کشور ساخته شد؛ هزاران کارخانه در این کشور احداث شد؛ کارخانه‌های مادر در این کشور به وجود آمد؛ محصولاتی که با منت باید ذره ذره از بیگانگان می‌خریدیم و تهیه می‌کردیم، امروز به‌وفور در کشور تولید میشود؛ اینها را باید دید؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد و این باورها را در آنها برانگیخت: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود.

۳.۱. اگر خود را با طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم، راه طولانی‌ای در پیش داریم

ما این حرفها را نمیزنیم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسیدیم، تمام شد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شما عرض کنم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست؛ همه به حد وفور - راه طولانی‌ای در پیش داریم. من این عرایض را میکنم برای اینکه جوانان عزیز ما و ملت شجاع ما بدانند که ادامه‌ی این راه را هم با همین سه باور میتوانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ میتوانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان میخواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی میکنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است.

۳.۱. نقشه راه هم در مقابل ماست؛ همان اصول امام که با تکیه بر آن توانست آن ملتق با فتادهی سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز

نقشه‌ی راه هم در مقابل ما است. ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه‌ی بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد. اصول امام، اصول روشنی است. خوشبختانه بیانات امام، نوشته‌جات امام در بیست و چند جلد در اختیار مردم است؛ خلاصه‌ی آنها در وصیتنامه‌ی جاودانه‌ی امام منعکس است؛ همه میتوانند مراجعه کنند. ما مفید نمیدانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به‌تنهایی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشه‌ی راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است.

۳.۱.۱. نقشه راه و اصول امام در سیاست داخلی و خارجی، در فرهنگ و اقتصاد مشخص است؛ وصیتنامه و نوشته‌ها و فرمایشات امام موجود است

نقشه‌ی راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است. در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن

مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان. وصیتنامه‌ی امام جلوی چشم ما است. نوشته‌های امام، فرمایشات امام، در کتابهایی که متن کلمات آن بزرگوار را درج کرده‌اند، موجود است.

در عرصه‌ی فرهنگ، اصول امام عبارت است از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی؛ نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین؛ دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام؛ مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفائی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهایی است که در فرمایشات امام واضح است.

۳.۲.۱. توقع امام از مسئولین این بود که با اقتدار و با اداره مدبرانه بتوانند این اصول را اجرائی کنند؛ ملت ایران می‌تواند پیش‌برود و الگوشود توقع امام از مسئولین کشور همیشه این بود که با اقتدار، با مدیریت، با اداره‌ی عاقلانه و مدبرانه بتوانند این اصول را اجرائی کنند و پیش ببرند. این، نقشه‌ی راه امام بزرگوار است. ملت ایران با همتش، با جوانانش، با این نقشه‌ی راه، با ایمانی که در دل او راسخ است، با یاد امامش، میتواند فاصله‌ی کنونی را با آن وضع مطلوب پر کند. ملت ایران میتواند پیش برود. ملت ایران با توانائی‌هایی که دارد، با استعدادهایی که دارد، با انسانهای برجسته‌ای که بحمدالله در میان کشور حضور دارند، میتواند راه طی‌شده‌ای را که تجربه‌ی سی و چند ساله‌ی انقلاب است، با قدرت بیشتر و با همت جازمتر ادامه دهد و ان‌شاءالله به صورت الگوی حقیقی و واقعی برای ملت‌های مسلمان در بیاید.

ج) جایگاه انتخابات در نظام اسلامی؛ چیستی و چرایی حماسه سیاسی؛ خصوصیات انتخابات در ایران اسلامی و توصیه‌هایی به نامزد های انتخابات

۱. انتخابات مظهر هر سه باور است؛ چون تکلیف است؛ مظهر اراده مردم است و رای دهنده احساس میکند به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت دارد

و اما درباره‌ی انتخابات که مسئله‌ی حساس و زنده‌ی این روزهای ما است. برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداواری است، چون تکلیف است. وظیفه‌ی ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک‌تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم‌باوری است، چون انتخابات مظهر اراده‌ی آحاد مردم است؛ مردمند که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب میکنند. و مظهر خودباوری است، چون هر کسی که رأی



در صندوق می‌اندازد، احساس میکند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خداواری است، هم مظهر مردم‌باوری است، هم مظهر خودباوری است.

۲. اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است

اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است؛ حضور حماسی مردم در پای صندوقها است.

۲.۱. نفس ورود در انتخابات، بمعنای اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است؛ در درجه دو مهم، رأی به کسی است که برای آینده کشور مفیدتر است

حماسه یعنی چه؟ حماسه یعنی آن کار افتخار آفرینی که با شور و هیجان انجام میگیرد. هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدهید - این هشت نفر آقایان محترمی که در صحنه هستند - رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است. اینکه شما وارد عرصه‌ی انتخابات میشوید؛ چه آن کسی که نامزد ریاست جمهوری است، چه آن کسی که انتخاب میکند - مثل من و شما - نفس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار انتخابات است؛ در درجه‌ی دوم هم، رأی به کسی است که یا شما، یا آن برادر و خواهر دیگر، یا بنده‌ی حقیر تشخیص داده‌ایم که برای آینده‌ی کشور مفیدتر از دیگران است.

۲.۲. دشمنان بیچاره ما در خارج، در فکر هستند از این انتخابات تهدیدی علیه نظام درست کنند؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است

دشمنان ما در خارج، بیچاره‌ها در فکر اینند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آنها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد، تا بتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه‌ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه به وجود بیاورند؛ کمالینکه در سال ۸۸ به دنبال آن انتخابات پرشور، فتنه درست کردند. دشمنان این ملت، دنبال این چیزهایند. اما آنها اشتباه میکنند، مردم ما را نشناخته‌اند. دشمنان این ملت، روز نهم دی را فراموش کرده‌اند.

۲.۲.۱. کسانی که فکر می‌کنند در کشور اکثریتی خاموش و مخالف با نظام وجود دارد، مردم ما، انتخابات ما و جمهوری اسلامی را نمی‌شناسند
آن کسانی که فکر میکنند در این کشور یک اکثریتی خاموش و مخالف با نظام جمهوری اسلامی‌اند، یادشان رفته است که سی و چهار سال است که هر سال در بیست و دوم بهمن، در همه‌ی شهرهای این کشور، جمعیت‌های عظیم به دفاع از نظام جمهوری اسلامی بیرون می‌آیند و «مرگ بر آمریکا» می‌گویند. برای اینکه فضای انتخابات را سرد کنند، هیئت‌های فکری‌شان پشت سر رسانه‌ها و سخن‌گویان سیاسی می‌نشینند، مرتب حرف درست میکنند و تحویل رسانه‌ها میدهند. یک روز می‌گویند انتخابات مهندسی شده است، یک روز می‌گویند انتخابات آزاد نیست، یک روز می‌گویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست. نه مردم ما را می‌شناسند، نه انتخابات ما را می‌شناسند، نه نظام جمهوری اسلامی را می‌شناسند؛ آنجائی هم که می‌شناسند، بی‌انصافی میکنند و ابائی هم ندارند از این بی‌انصافی.

۳. در هیچ کجای دنیا به نامزدها، از چهره‌های معروف تا گمنام، اجازه داده نمی‌شود که بطور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند

در کجای دنیا - هر کس سراغ دارد، بیاید بگوید - به نامزدهای گوناگون، از آن چهره‌های معروف تا چهره‌های گمنام، اجازه داده میشود که به طور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند؟ کجای دنیا چنین چیزی هست؟ در آمریکا هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری اگر چنانچه عضو این دو حزب یا سه حزب بودند و پشتیبانی سرمایه‌دارها و کارخانه‌دارها و پولدارها و مافیاهای ثروت و قدرت را با خودشان داشتند، میتوانند تبلیغات کنند؛ اما اگر نداشتند، اصلاً نمیتوانند تبلیغات کنند. هر کسی که انتخابات آمریکا را دنبال کرده باشد - بنده دنبال کرده‌ام - این را تصدیق میکند. افرادی بوده‌اند که مورد حمایت صهیونیستها نبوده‌اند، مورد حمایت شبکه‌ی سرمایه‌داریِ خونخوارِ بین‌المللی نبوده‌اند، هر کاری کردند، نتوانستند وارد میدان انتخابات شوند؛ نه رسانه‌ای در اختیار آنها بوده، نه تلویزیونی در اختیار آنها بوده؛ برای هر ثانیه باید چقدرها خرج کنند.

۳.۱. در کشور ما نامزد هابه طور مساوی وبدون خرج یک ریال بامردم حرف می‌زنند؛ برای واردشد ندر عرصه انتخابات، تنها قانون و حاکم است

در کشور ما نامزدهای نمایندگی به طور مساوی و برابر، بدون خرج کردن یک ریال، می‌نشینند آنجا، ساعت‌های متمادی، با برنامه‌های گوناگون، با مردم حرف می‌زنند؛ کجا چنین چیزی در دنیا وجود دارد؟

برای وارد شدن در عرصه‌ی انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون است؛ بر طبق قانون یک عده‌ای میتوانند بیایند، یک عده‌ای نمیتوانند بیایند؛ قانون معین کرده شرائط چیست، صلاحیت‌ها چیست؛ کسانی که تشخیص صلاحیت میدهند، چه کسانی‌اند؛ اینها همه‌اش بر طبق قانون دارد انجام میگیرد. آن دشمن بیرونی می‌نشیند، بر همه‌ی این واقعیت‌ها چشم می‌بندد، حرفی می‌زند، و - همان طور که بار دیگری هم گفتم - متأسفانه حنجره‌های بی‌تقوا و زبان‌های بی‌تقوا هم همانها را تکرار میکنند. اما ملت ایران به توفیق الهی، با حضور خود، با ایستادگی و عزم راسخ خود، به همه‌ی این ترفندها پاسخ خواهد گفت؛ و پاسخ ملت ایران، پاسخ کوبنده و قاطعی خواهد بود.

۴. چندجمله خطاب به نامزدهای محترم عرض می‌کنیم:

یک جمله هم خطاب به نامزدهای محترم عرض میکنیم

۴.۱. نامزدهای محترم منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه نمائی و انکار کارهای بسیار برجسته این دولت و دولت‌های قبل نباشد.

نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز میکنند؛ این حق آنها است؛ میتوانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمائی و منفی‌بافی و بی‌انصافی؛ به این نکته توجه کنند. من به هیچ کس نظر ندارم. از همین ساعت، رسانه‌های بیگانه با غیظ و غرض‌ورزی خواهند گفت: فلانی نظر به زید یا به عمرو یا به بکر یا به خالد داشت. این، خلاف واقع است؛ من به هیچ کس



نظر ندارم؛ من حقایق را عرض میکنم. من به برادرانی که میخواهند اطمینان این مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت میکنم که منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمایی نباشد؛ به معنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای نباشد که چه در این دولت، چه در دولت‌های قبلی انجام گرفته است و کسانی مثل خود آنها سر کار آمده‌اند و شب و روز تلاش کرده‌اند و آن کارها را انجام داده‌اند. انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید.

۱,۱,۴. هر کس سرکار بیاید، احتیاج ندارد از صفر شروع کند؛ نمی‌شود هزاران کارِ برجسته رابه بهانه اینکه امروز مشکلات اقتصادی داریم، انکار کنیم

امروز در کشور ما اگر کسی سر کار بیاید، احتیاج ندارد که از صفر شروع کند؛ هزاران کارِ برجسته انجام گرفته است. در سالهای طولانی، در دوره‌ی مسئولیتهای مختلف دولتها، هزاران زیرساخت اساسی برای این کشور به وجود آمده است؛ علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، کارهای زیربنائی پیشرفت کرده است، امور بسیار مهم در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرا شده است؛ اینها را نباید از دست بدهند؛ هر کاری میکنند، باید از اینجا به بعد باشد. این همه کار را نمیشود فقط به بهانه‌ی این که امروز مشکلات اقتصادی داریم، گرانی و تورم داریم، انکار کنیم؛ این که درست نیست. بله، مشکلات اقتصادی هست، تورم هست؛ ان شاءالله آن کسی که بعداً خواهد آمد، بتواند حلال این مشکلات باشد، این گره‌ها را هم باز کند؛ این که آرزوی ملت ایران است؛ اما این معنایش این نباشد که اگر ما یک راه حلی برای مشکلات در نظر خودمان داریم، همه‌ی آنچه را که امروز انجام گرفته است و وجود دارد، انکار کنیم.

۲,۴. وعده‌های نشدنی ندهید؛ جوری وعده بدهید که اگر آن رابعداً به رخس ماکشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند

بعد هم وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمند نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید.

۱,۲,۴. در کشور ما دست رئیس جمهور در مسائل گوناگون باز است و امکانات وسیعی دارد؛ تنها محدودیتی که وجود دارد، محدودیت قانون است

رئیس جمهور در کشور ما و طبق قانون اساسی ما، امکانات فوق‌العاده زیادی در اختیار دارد. رئیس جمهور امکاناتش در قانون اساسی، امکانات وسیعی است؛ رئیس جمهور بودجه‌ی کشور را در اختیار دارد، همه‌ی ارکان اجرائی کشور را در اختیار دارد، ترتیب اجرای قوانین را در اختیار دارد، توانائی استفاده از همه‌ی افراد صاحب‌نظر را در سراسر کشور در اختیار دارد؛ رئیس جمهور در همه‌ی مسائل گوناگون دستش باز است. تنها محدودیتی که برای رئیس جمهور در کشور ما وجود دارد، محدودیت قانون است؛ قانون فقط به او محدودیت میدهد، که این هم محدودیت نیست؛ قانون، هدایت‌کننده است؛ محدودکننده نیست. قانون، راه را نشان میدهد که چگونه حرکت کنیم.

۳,۴. آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند و قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد

آن کسانی که امروز با مردم حرف میزنند، آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند؛ قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگِ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد – که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است – بخوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد.

۱,۳,۴. بعضی این تحلیل غلط را می‌گویند که باید به دشمن امتیاز دهیم تا عصبانیتش را کم کنیم؛ عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج کرد

بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است. عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از این است که جمهوری اسلامی هست، ناشی از این است که امام در اذهان مردم و در برنامه‌های این کشور زنده است، ناشی از این است که روز ۱۴ خرداد – روز رحلت امام – مردم در سرتاسر کشور به جوش و خروش می‌آیند؛ عصبانیت آنها مربوط به این چیزها است. عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج و جبران کرد.

۲,۳,۴. اگر ملت مقتدر و توانا باشد، نیاز و مشکلات خود را برطرف کند و بتواند اقتصاد را روبه راه نماید، دشمن در مقابل با ایران بی دفاع خواهد ماند

اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است، بتواند اقتصاد خود را روبه‌راه کند، دشمن در مقابله‌ی با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند. به‌رحال آنچه که مهم است، عزم و اراده، باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود، هم برای نامزدهای انتخابات، هم برای آحاد مردم است.

موخره

ده روز دیگر برادران من! عزیزان من! عرصه‌ی یک امتحان بزرگی است و امیدواریم ان شاءالله در این امتحان بزرگ، حماسه‌ای پربرکت و دارای نتایج درخشانی برای این ملت از سوی پروردگار رقم بخورد. «و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم». والسلام علیکم و رحمۀالله و برکاته



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	باور به خدا، مردم و خود، لازمه حرکت در راه طولانی پیشرفت ایران		ما این حرفها را نمیزنیم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسیدیم، تمام شد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شما عرض کنم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست؛ همه به حد وفور - راه طولانی‌ای در پیش داریم. من این عرایض را میکنم برای اینکه جوانان عزیز ما و ملت شجاع ما بدانند که ادامه‌ی این راه را هم با همین سه باور [یعنی باور به خدا، مردم و خود] میتوانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ میتوانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان میخواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی میکنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است.



۲

انکار نکردن کارهای برجسته دولتهای کنونی و قبل در انتقادات

نامزدهای انتخابات

نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز میکنند؛ این حق آنها است؛ میتوانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمایی و منفی‌بافی و بی‌انصافی؛ به این نکته توجه کنند. من به هیچ کس نظر ندارم. از همین ساعت، رسانه‌های بیگانه با غیظ و غرض‌ورزی خواهند گفت: فلانی نظر به زید یا به عمرو یا به بکر یا به خالد داشت. این، خلاف واقع است؛ من به هیچ کس نظر ندارم؛ من حقایق را عرض میکنم. من به برادرانی که میخواهند اطمینان این مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت میکنم که منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمایی نباشد؛ به معنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای نباشد که چه در این دولت، چه در دولتهای قبلی انجام گرفته است و کسانی مثل خود آنها سر کار آمده‌اند و شب و روز تلاش کرده‌اند و آن کارها را انجام داده‌اند. انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید.

۳

ندادن وعده های نشدنی به مردم

نامزدهای انتخابات

وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جووری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جووری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید.



دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی
در سالروز بعثت حضرت رسول اعظم
صلوات الله علیه وآله



مقدمه

تبریک عرض میکنم این عید بزرگ را - که شاید بتوان گفت برای عموم مسلمانها، بلکه برای جامعهی بشری، بزرگترین عید و شیرین‌ترین خاطره در همه‌ی تاریخ است - به شما حضار محترم، میهمانان عزیز، نمایندگان کشورهای مسلمان که در جلسه حضور دارند، و به همه‌ی ملت ایران که مخلصانه و صادقانه راه آن بزرگوار را دنبال کرده‌اند و با مجاهدت و فداکاری این راه را دنبال می‌کنند، و به همه‌ی امت اسلامی، و به همه‌ی آزادیخواهان عالم.

۱. عظمت کارها متناسب است با مشکلاتی که در راه آنهاست؛ معارضه‌ها درمورد بعثت پیغمبر اسلام شدیدتروهمه جانبه تر از پیامبران قبل بود

درباره‌ی شب بعثت، در روایات هم وارد شده است که آسمان، دیگر بر همچون شبی سایه نیفکنده است؛ یعنی هیچ شبی در طول تاریخ مثل شب بعثت نبود، که فردای آن روز پیامبر مکرم با خطاب الهی، مبعوث به این رسالت عظیم و ماندگار در طول تاریخ

شد. بعثت، کار بزرگ و دشواری بود. عظمت همه‌ی کارها متناسب است با مشکلات و مزاحمت‌هایی که در راه آن کارها به وجود می‌آید. کارهای کوچک، اقدام‌های کوچک، قاعدتاً مزاحمت‌های کوچک دارد؛ کارهای بزرگ، مزاحمت‌ها و معارضه‌های بزرگ دارد. در دوران حیات مبارک پیغمبر - چه در دوران مکه، چه در دوران مدینه - مزاحمت‌ها در مقابل این دعوت، پی‌درپی و از جوانب گوناگون بود. این مخصوص پیغمبر ما هم نیست؛ همه‌ی پیغمبران، همه‌ی رسالت‌ها مواجه با یک چنین معارضه‌هایی بودند؛ البته در مورد پیغمبر ما این معارضه‌ها سنگین‌تر بود، شدیدتر بود، همه‌جانبه‌تر بود؛

۱، ۱. هر جادعوت حق بود، معارضه‌ی شیاطین هست؛ هر جاراہ انبیاء بود، راه معارضه‌ی انبیاء هم درمقابل آن هست

«و کذلک جعلنا لكل نبیّ عدوّاً شیاطین الانس و الجنّ یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً»؛ (۱) شیاطین انس و جن در مقابل دعوت الهی، در مقابل راه سعادت بشر، به هم کمک میکنند. «و لتصغی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالآخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون»؛ (۲) یعنی دل‌های ناآگاه، دل‌های ساده‌اندیش، دل‌های بی‌تدبیر و بی‌بصیرت هم این فریادهای معارضه را، مخالفت‌ها را در مقابل دعوت الهی، در مقابل دعوت انبیاء می‌پذیرند. این از دوران ظهور بعثت و از آغاز پدید آمدن این پیام الهی شروع شد و تا آخر عمر مبارک پیغمبر با شکلهای مختلف ادامه داشت و بعد از آن، تا امروز هم ادامه دارد. هر جا دعوت حق بود، معارضه‌ی شیاطین هست؛ هر جا راه انبیاء بود، راه معارضه‌ی انبیاء هم در مقابل آن هست.

۴	دادن قول برای استفاده از همه ظرفیت‌های قانون اساسی در اجرای وظایف بزرگ خود و مدیریت اوضاع کشور	نامزدهای انتخابات	قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمی‌کنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد
۵	دوری از دادن امتیاز به دشمن برای کم کردن عصبانیت دشمن از ایران اسلامی	نامزدهای انتخابات	بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است. عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از این است که جمهوری اسلامی هست، ناشی از این است که امام در اذهان مردم و در برنامه‌های این کشور زنده است، ناشی از این است که روز ۱۴ خرداد - روز رحلت امام - مردم در سرتاسر کشور به جوش و خروش می‌آیند؛ عصبانیت آنها مربوط به این چیزها است. عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج و جبران کرد. اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است، بتواند اقتصاد خود را رویه‌راه کند، دشمن در مقابله‌ی با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند. به‌رحال آنچه که مهم است، عزم و اراده، باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود، هم برای نامزدهای انتخابات، هم برای آحاد مردم است.





۱,۲. البته حرکت تاریخ به سمت حق است و دعوت انبیاء روز به روز در دنیا ماندگارتر و فراگیرتر و بیشتر به ذهن و دل های مردم آشنا و نزدیک شده است

البته حرکت تاریخ به سمت حق است؛ یعنی شما اگر به روال کلی تاریخ نگاه کنید، می بینید که دعوت انبیاء روزبه روز در دنیا ماندگارتر و فراگیرتر و بیشتر به ذهن مردم و دل های مردم آشنا و نزدیک شده است؛ شیاطین کار میکنند، اما طبیعت عالم و حرکت عالم به سوی حق است و این وجود داردهمیشه دل هائی هستند که حقیقت را می فهمند، معارف الهی و حقایق الهی و اخلاق الهی به شکل های مختلف در جوامع پراکنده میشود، اما معارضه ها به شکل های گوناگون هست، امروز هم معارضه وجود دارد.

۲. امروز بعد از آن که مارکسیزم و مکاتب انسان گرایانه و لیبرالیزم نشان دادند نمی توانند سعادت بشر را تأمین کنند، دل ها به اسلام متوجه است

امروز بعد از آنکه دعوت های غیرالهی و مادی، چه دعوت مارکسیزم، که یک روزی دنیا را به خود متوجه کرده بود، چه دعوت مکاتب به اصطلاح انسان گرایانه و لیبرالیزم، که تمدن را در بسیاری از مناطق عالم در قبضه ی خود گرفته است، نشان دادند که نمیتوانند سعادت بشر را تأمین کنند، دل ها به سوی اسلام متوجه است. هر جا صدای عدالت و عدالت خواهی بلند میشود، این صدای اسلام است، ولو آن کسانی که این فریاد را سر میدهند، ندانند این از کجاست؛ هر جا ندای کرامت انسان بلند میشود، این ندای اسلام است، ندای ادیان است؛ و البته کانون این همه، مرکز اسلام و مرکز ایمان و هر جایی است که در آن، قرآن مورد اعتقاد و ایمان قرار داشته باشد؛ طبعاً دشمنی دشمنان اسلام و قرآن هم با آنجا بیشتر است؛ امروز این را دارید مشاهده میکنید.

۳. سیاست ها پشت سر آن ذهن های خبیثی هستند که با پیامبر به شکل هتاکانه مواجهه می کنند؛ البته در اعمال ما انحرافات است که دستاویز قرار می گیرد

در دنیا سیاستها پشت سر آن ذهن های بیمار و خبیثی هستند که با پیامبر اسلام به شکل هتاکانه مواجهه میکنند. نمیشود باور کرد که اهانت به اسلام و اسلام ستیزی و مسلمان ستیزی در دنیا بدون دستهای سرویس های امنیتی و بدون پول قدرتها ادامه و انتشار پیدا کند؛ که امروز شما نمونه هایش را در دنیا مشاهده میکنید؛ این همان مبارزه ی با اسلام است. البته بهانه هم پیدا میکنند. در اعمال ما مسلمانها گاهی انحرافات پیدا میشود، جمود هائی، تحجر هائی، کارهای غلطی، که این راشیاطین دستاویز قرار میدهند برای اینکه «و لتصغی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالأخره» تحقق پیدا کند؛ این را باید مسلمانها بدانند.

۴. دعوت اسلام یعنی «عدالت و صداقت» را باید با صراحت، شجاعت و صداقت در دنیا منتشر کرد

دعوت اسلام را باید با صراحت، با شجاعت، با صداقت، همراه با رکن اصلی دعوت اسلام - یعنی عدالت - در دنیا منتشر کرد. فرمود: «و تمّت کلمة ربّک صدقا و عدلا»؛ (۳) این دو تا، خصوصیات دعوت الهی است؛ خصوصیات کلمه ی ربوبی است: «صدق و عدل»؛ «صداقت و عدالت». مسلمانها این را باید در دنیا از خودشان نشان دهند. این، دل ها را متوجه خواهد کرد؛ پیام اسلام را به دل ها خواهد رساند. البته دشمنی ها هم وجود دارد و ادامه پیدا خواهد کرد. باید در مقابل دشمنی ها ایستاد؛ همچنان که پیغمبر ایستاد؛ همچنان که مؤمنان به اسلام و مؤمنان به حقیقت و عدالت در طول تاریخ ایستادند.

۵. امروز ما مسلمانها احتیاج داریم به هوشیاری، به این که نقشه ی کلی زندگی خود و نقشه مواجهه ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم

امروز ما مسلمانها احتیاج داریم به هوشیاری؛ احتیاج داریم به این که نقشه ی کلی زندگی خود و مواجهه ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم. اگر نقشه را شناختیم، راه را درست انتخاب خواهیم کرد. اشکال آنجاست که گاهی ما مسلمانها خودمان نقشه ی دشمن را درست نمی شناسیم، خود ما جزئی از آن نقشه ی دشمن می شویم؛ که امروز متأسفانه دنیای اسلام مبتلای به این است. نقشه ی دشمن، اختلاف افکنی در بین مسلمانان است؛ نقشه ی دشمن، تحریک عصبیتهای مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر است؛ نقشه ی دشمن این است که توجه امت اسلامی را از نقطه ی حقیقی خصومت و دشمنی - یعنی سرمایه داری فاسد و مفسد و صهیونیزم - منحرف کند و به جاهای دیگری متوجه کند.

۱,۵. روزی دنیای اسلام با صهیونیسم مقابله می کرد، دشمنان گفتند یهودی ستیزی است؛ اما بحث مقابله با صهیونیسم غاصب متجاوز ظالم قسی القلب بود

یک روزی دنیای اسلام با صهیونیسم غاصب مقابله میکرد، دشمنان در تبلیغاتشان گفتند این یهودی ستیزی است؛ در حالی که یهودی ستیزی نبود. در کشورهای اسلامی، یهودی ها هم مثل دیگر ادیان - یهودی، مسیحی، مسلمان - در کنار همدیگر زندگی میکنند. امروز در کشور ما یهودی هست، مسیحی هست، مسلمان هست، بعضی از ادیان دیگر حضور دارند و در زیر سایه ی امنیت اسلام، همه باهم زندگی میکنند. بحث یهودی ستیزی نیست، بحث مقابله ی با صهیونیسم غاصب متجاوز ظالم قسی القلب است؛ این را بدروغ تحریف میکردند، میگفتند یهودی ستیزی.

۲,۵. امروز غربی ها مبتلا به اسلام ستیزی هستند؛ مذاهب مخالف ستیزی راه ترویج می کنند تا حواس ها از نقطه اصلی دشمنی منعطف شود

اما امروز خود غربی ها مبتلا به اسلام ستیزی و مسلمان ستیزی هستند. در دنیای غرب شما مشاهده کنید؛ امواج مسلمان ستیزی را تحریک میکنند، از آنها حمایت میکنند، از اهانت کنندگان به اسلام و پیامبر اعظم پشتیبانی میکنند - این اسلام ستیزی است، این مال آنجاست - در درون جامعه ی اسلامی هم مذاهب مخالف ستیزی را ترویج میکنند، شیعه ستیزی را ترویج میکنند؛ این سیاست آنهاست: مسلمانها باید با یکدیگر مبارزه کنند، سرگرم هم شوند؛ شیعه علیه سنی، سنی علیه شیعه؛ برای اینکه حواسها از نقطه ی اصلی دشمنی منعطف شود، نفهمند کیست که امروز دارد با دنیای اسلام مقابله میکند، نفهمند کیست که برای امت اسلامی دامهای خطرناکی گذاشته. اینها را ما باید بفهمیم؛ هم ملتها بفهمند، هم سیاستمداران بفهمند، هم روشنفکران بفهمند.

۳,۵. نقشه دشمن این است که بین مسلمانان اختلاف بی ندازند و از پیشرفت ضروری شان غافل کند، تا منافع استعمارگران و صاحبان قدرت تأمین شود

نقشه ی دشمن را بشناسیم. اگر نقشه ی دشمن را شناختیم، امکان تدبیر در مقابل این نقشه به وجود می آید؛ اما اگر نقشه ی دشمن را نشناختیم، امکان تدبیر وجود نخواهد داشت؛ در پیدا کردن راه خودمان اشتباه میکنیم، در عملکرد خودمان اشتباه میکنیم.



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	منتشر کردن دعوت اسلام به صدق و عدل با صراحت و شجاعت و صداقت	مسلمانان	دعوت اسلام را باید با صراحت، با شجاعت، با صداقت، همراه با رکن اصلی دعوت اسلام - یعنی عدالت - در دنیا منتشر کرد. فرمود: «و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقًا وَ عَدْلًا»؛ (۳) این دو تا، خصوصیات دعوت الهی است؛ خصوصیات کلمه‌ی ربوبی است: «صدق و عدل»؛ «صداقت و عدالت». مسلمانها این را باید در دنیا از خودشان نشان دهند. این، دلها را متوجه خواهد کرد؛ پیام اسلام را به دلها خواهد رساند.
۲	لزوم ایستادگی در مقابل دشمنی‌ها	مسلمانان	دشمنی‌ها هم وجود دارد و ادامه پیدا خواهد کرد. باید در مقابل دشمنی‌ها ایستاد؛ همچنان که پیغمبر ایستاد؛ همچنان که مؤمنان به اسلام و مؤمنان به حقیقت و عدالت در طول تاریخ ایستادند.

نقشه‌ی دشمن این است: ملت‌های مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین اینها اختلاف به راه بیندازند - کما اینکه امروز می‌بینید به راه انداخته‌اند - هزاران نفر کشته شوند، خون‌ها بر زمین ریخته شود، ملت‌های مسلمان از مسائل اصلی خود غافل بمانند، از پیشرفت ضروری‌ای که باید به دنبال آن باشند، غفلت کنند، برای اینکه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تأمین شود؛ همچنان که یک روز با استعمار، این کار را کردند.

۵,۳,۱. غربی‌ها با شعارپردازی از حقوق بشر و دموکراسی هم نخواهند توانست لکه ننگ استعمار را از دامن خود پاک کنند
من به شما عرض بکنم؛ در تاریخ، غربی‌ها نخواهند توانست لکه‌ی ننگ استعمار را از دامن خود پاک کنند. شعارهای طرفداری از حقوق بشر، شعارهای طرفداری از دموکراسی، نخواهد توانست عملکرد غربی‌های مدعی و پرادعا را در آسیا و در آفریقا و در آمریکای لاتین و در نقطه‌نقطه‌ی کشورهای که سالها تحت استعمار بودند، به فراموشی بسپرد. آن روز با استعمار این کار را کردند، امروز به شکل دیگری همان نقشه را دنبال میکنند، همان هدفها را دنبال میکنند؛ خوب، ما باید بیدار باشیم؛ ما باید بفهمیم که چه میکنیم؛ ما باید نقشه‌ی راه خودمان را بشناسیم.

۵,۴. امروز برای مسلمانها اتحاد، همدلی و همکاری جزوفوری‌ترین و ضروری‌ترین مسائل است؛ دولت‌های اسلامی، بصیرت رابه کار بگیرند

امروز برای مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزو فوری‌ترین و ضروری‌ترین است. ما دعوت میکنیم از همه‌ی کشورهای اسلامی، از همه‌ی دولت‌های اسلامی، بصیرت را به کار بگیرند؛ ببینند که در مقابل کی قرار دارند؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنند، در شناخت نقشه‌های دشمن اشتباه نکنند؛ بفهمند دشمن دنبال چیست و بدانند که سعادت ملت‌هاشان در چیست.

موخره

امیدواریم خداوند متعال به برکت روز بعثت و به برکت نام مبارک و مقدس خاتم‌الانبیاء، ان‌شاءالله همه‌ی ملت‌های مسلمان را به راه خودشان آشنا کند؛ همه‌ی ما را از خواب غفلت بیدار کند و ان‌شاءالله توفیق دهد که امت اسلامی به سوی قله‌های سعادت حرکت کند. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

پاورقی

- (۱) انعام: ۱۱۲
- (۲) انعام: ۱۱۳
- (۳) انعام: ۱۱۵



دیدار شرکت کنندگان در
مسابقات بین‌المللی قرآن کریم
۱۳۹۲/۳/۱۸



مقدمه

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران، خواهران، خانواده‌ی قرآنی جمع‌آمده و گردآمده‌ی در این محفل. خوشا به حال شما برادران و خواهران که با قرآن شناخته میشوید. خصوصیت شما این است که قاری قرآنید، حافظ قرآنید، مدیر قرآنید؛ قرآن شناختنامه‌ی شماست. لذت بردم از این جلسه، از تلاوت برادران و اساتید و قاریان قدیمی عمری را در خدمت قرآن طی کرده. امیدواریم خداوند متعال همه‌ی شما را، همه‌ی ما را در عداد خادمان قرآن قرار دهد و ان شاء الله هم در زندگی، هم بعد از مرگ در کنار قرآن باشیم، همراه قرآن باشیم، مستفیض و مستفید از قرآن باشیم.

۱. این مسابقات بهانه‌ای برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت و روح قرآن است

این مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت قرآن، فرا گرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه‌ی قرآن؛ هدف اینهاست.

۲. اگر در جوامع قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا و هم علو معنوی هست؛ اگر با قرآن انس پیدا کنیم، حرکت ما سریعتر و راه ما روشنتر خواهد بود

اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است.

۳. امروز اگر کسانی در دنیای اسلام بخواهند شعار عدالت، آزادی، استقلال، عزت بدهند، قرآن را سردست می‌گیرند؛ این خیلی بالارزش است

و امروز برادران عزیز! خواهران عزیز! دنیای اسلام تشنه و محتاج حقایق قرآن است. یک روزی بود که در کشورهای اسلامی،

از شرق اسلامی تا غرب اسلامی، اگر جوانانی، برجستگانی میخواستند صدای آزادیخواهی بلند کنند، مکاتب چپ را مطرح میکردند، شعارهای سوسیالیستی و کمونیستی میدادند. امروز در دنیای اسلام، از شرق اسلام تا غرب اسلام، اگر کسانی بخواهند شعار عدالت بدهند، شعار آزادی و استقلال بدهند، شعار عزت بدهند، قرآن را سر دست میگیرند؛ این خیلی بالارزش است؛ و درست هم همین است. به قرآن باید نزدیک شویم، با قرآن انس پیدا کنیم. البته حرف زدن، آسان است؛ عمل کردن، سخت است؛ مجاهدت لازم دارد.

۴. یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند و دست در دست یکدیگر بگذارند

یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (۱) این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه‌ی مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل میکنیم؟

۱. ۴. نقطه مقابل آن، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان؛ متأسفانه بعضی از دولتهای اسلامی دانسته یا ندانسته داخل بازی دشمن می‌شوند

نقطه‌ی مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده‌ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار میخواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولتهای اسلامی و حکومت‌های اسلامی فریب میخورند؛ آنها هم داخل بازی دشمن میشوند؛ فریب دشمن را میخورند، برای دشمن کار میکنند؛ گاهی دانسته، گاهی هم ندانسته.

۱. ۴. ۱. با اختلافات ما رژیم غاصب صهیونیستی نفس راحت می‌کشد؛ امروز اتحاد بین مسلمانان یک فریضه فوری است؛ این جا صحنه امتحان است

امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می‌آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه‌ی اختلافات مذهبی، چه فجایعی به راه می‌اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد. هر وقتی کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی بخواهند به هم نزدیک شوند، یک توطئه‌ای درست میکنند، یک حادثه‌ای به وجود می‌آورند. اینها باید چشم ما را باز کند، اینها باید ملت‌های مسلمان را بیدار کند، اینها باید چهره‌ی رؤسا و حاکمان باخلاف را از حاکمان دست‌نشانده‌ی دشمنان ممتاز کند. اینجا صحنه‌ی امتحان است.

۲. ۴. ۱. امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، ناطق من الله و هر حنجره‌ای که به دشمنی تحریک کند، ناطق من الشیطان است

امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ی الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملت‌های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. «من اصغی الی ناطق فقد عبده فان کان الناطق عن الله فقد عبد الله و ان کان الناطق ینطق عن



لسان ابلیس فقد عبد ابلیس» (۲) آنهائی که از زبان ابلیس حرف میزنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم میبرند؛ خودشان را هم دچار هلاکت میکنند. «ألم تر الى الذين بدلوا نعمت الله كفرا و احلوا قومهم دار البوار. جهنم يصلونها و بئس القرار» (۳) «يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار»، (۴) که درباره‌ی فرعون است.

۴,۲. امروز دستگاه استعمار و گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا برای اسلام‌ستیزی پول خرج می کنند و نقشه‌ریزی میکنند

کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور میکنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار میکنند، به نفع ابلیس‌ها کار میکنند. امروز می‌بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتها و تراستها، همه دارند پول خرج میکنند، نقشه‌ریزی میکنند برای اسلام‌ستیزی. قرآن را آتش میزنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار میدهند، کاریکاتور درست میکنند، کتاب مینویسند، در پایتختهای بزرگ اروپا علیه مسلمانها هیجانات قومی درست میکنند - می‌بینید دیگر؟ اینها چیزهای روشن و واضحی است - اینها معنایش چیست؟ معنایش اسلام‌ستیزی است.

۴,۲,۱. مسلمان هادر این شرایط باید عوامل اقتدار و توانائی خود را افزایش دهند؛ یکی از مهمترین عوامل اقتدار، اتحاد و اتفاق است

امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته‌اند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزه‌روز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملتهای مسلمان درس است.

۵. این جمعیتی که اینجا جمع شده اید، یک نمونه و نمودار کوچکی از اتحاد مسلمانها است؛ این وجه اشتراک بزرگی است

این جمعیتی که اینجا جمع شده‌اید و این مسابقاتی که راه انداخته‌اید، یک نمونه‌ای، یک نمودار کوچکی از اتحاد مسلمانها است؛ اینها را قدر بدانید. این دور هم نشستن و این انس با یکدیگر و این ایجاد تفاهم را باید قدر دانست. می‌بینید همه عاشق قرآنید، همه دلبسته‌ی قرآنید، همه دلبسته‌ی وجود مبارک خاتم الانبیائید، همه کسانی هستید که دوست دارید با قرآن زندگی کنید و دوست دارید در قیامت با قرآن محشور شوید؛ این وجه اشتراک کوچکی نیست، این وجه اشتراک بزرگی است؛ این بیشتر از همه‌ی وجوه اختلاف است.

موخره

اینها نصایح قرآنی ما است. امیدواریم ان شاء الله از قرآن درس بگیریم، از قرآن استفاده کنیم، به نصایح قرآن گوش فرا دهیم. ان شاء الله خدای متعال ملت ایران را پیروز کند؛ درجات شهدای عزیز را عالی کند؛ روح مطهر امام بزرگوار ما را با پیغمبر محشور کند و ان شاء الله روزه‌روز امت اسلامی را متحدتر و یکپارچه‌تر و قوی‌تر قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمه الله

پاورقی

(۱) آل عمران: ۱۰۳

(۲) بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۴

(۳) ابراهیم: ۲۸ و ۲۹

(۴) هود: ۹۸

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	لزوم انس پیدا کردن و حاکم بودن قرآن در جوامع بشری	مردم	اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است.
۲	ناطق من الشیطان بودن حنجره ای که ملت را به اختلاف می خواند	مسلمانان	امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ی الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌ای و زبانی که ملتهای مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. «من اصغی الی ناطق فقد عبده فان كان الناطق عن الله فقد عبد الله و ان كان الناطق ینطق عن لسان ابلیس فقد عبد ابلیس» (۲)





مقدمه

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما برادران، خواهران، جوانان عزیز که از راه‌های دور و نزدیک زحمت کشیدید و روز عید ما را به معنای واقعی کلمه عید کردید. اجتماع دوستان اهل‌بیت، دوستان سیدالشهدا، لبهای خندان، دل‌های شاد به مناسبت میلاد باسعادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام حقیقتاً روز عید را یک عید واقعی میکند. امیدواریم ملت ایران همواره در همه‌ی احوال، در گذشت زمان، روزبه‌روز ان‌شاءالله با توسل به ذیل عنایت الهی و با توجه به اهل‌بیت علیهم‌السلام و به معارف اسلامی، روزبه‌روز ان‌شاءالله موفق‌تر و سربلندتر و شادتر باشد.

الف) جایگاه و عظمت ماه شعبان و سوم این ماه، ضرورت درس آموزی امت اسلامی و ملت ایران از حسین بن علی و ارتباط و توکل به خدای متعال

۱. عظمت سوم شعبان را باید پرتوی از عظمت حسین بن علی به‌شمار آورد؛ در این روز کسی متولد شد که سرنوشت اسلام به حرکت و قیام او بسته بود

روز میلاد حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام روز باعظمتی است. به فرمایش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی ملکی - عالم فقیه عارف بزرگوار - عظمت روز سوم شعبان را باید به‌عنوان پرتوی از عظمت حسین بن علی به‌حساب آورد و به‌شمار آورد؛ روز بزرگی است. در این روز کسی متولد شد که سرنوشت اسلام، به او، به حرکت او، به قیام او، به فداکاری او، به اخلاص او بسته بود. این بزرگوار در تاریخ بشریت، یک حرکتی را - که نظیر و شبیهی ندارد - ارائه‌ی به تاریخ کرد و در مقابل چشم بشریت گذاشت که هرگز فراموش نخواهد شد؛ الگو است.

۱.۱. فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم و مقیاس عظیم، چیزی است که دیگر نمی‌شود نظیری برای آن پیدا کرد

فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم، در آن مقیاس عظیم؛ فداکاری به معنای دادن جان خود، جان عزیزان؛ اسارت حرم اهل‌بیت، با آن وضع، با آن فجاعت؛ تحمل این حادثه‌ی سخت، برای اینکه اسلام بماند، برای اینکه ظلم‌ستیزی به‌عنوان یک اصل در تاریخ اسلام و در تاریخ بشریت به یادگار بماند؛ این چیزی است که دیگر نظیری برای آن نمیشود پیدا کرد. خیلی‌ها در راه خدا شهید شدند، در رکاب پیغمبر،

۳	افزایش دادن عوامل اقتدار، توانایی و اتحاد	مسلمانان	امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته‌اند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزبه‌روز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت‌های مسلمان درس است
۴	قدر دانستن مسابقات قرآنی و تفاهم های ایجاد شده	حاضران در مسابقات قرآنی	این جمعیتی که اینجا جمع شده‌اید و این مسابقاتی که راه انداخته‌اید، یک نمونه‌ای، یک نمودار کوچکی از اتحاد مسلمانها است؛ اینها را قدر بدانید. این دور هم نشستن و این انس با یکدیگر و این ایجاد تفاهم را باید قدر دانست.

در رکاب امیرالمؤمنین، در رکاب انبیاء الهی، هیچ‌کدام با حادثه‌ی کربلا قابل مقایسه نیست.

۱,۲. یاران بسیاری از همراهی سرباز زدند و حتی امام را ملامت کردند؛ این یک حادثه عجیب و منظره پرشکوهی در تاریخ و در مقابل چشم بشریت است

فرق است بین آن کسی که در میان هلهله و تحسین یاران و همراهان و به امید فتح و پیروزی وارد میدان میشود می‌جنگد و بعد شهید میشود و به خاک هلاک می‌افتد - که البته اجر بسیار بالایی دارد - و بین آن جماعتی که در یک دنیای تاریک و ظلمانی، در هنگامی که همه‌ی سرجنبانان بزرگ دنیای اسلام از همراهی با آنها سر باز می‌زنند بلکه آنها را بر این اقدام ملامت هم میکنند، امید یاری از هیچ‌کس نیست، کسی مثل عبدالله بن عباس آنها را منع میکند، کسی مثل عبدالله بن جعفر آنها را منع میکند، یاران و مخلصان و علاقه‌مندان در کوفه از همراهی با او سر باز می‌زنند، تنهای تنها، فقط با تعداد معدودی از یاران مخلص، و با خانواده - با همسر، با خواهر، با خواهرزاده‌ها، با برادرزاده‌ها، با جوانان، با فرزند شش ماهه - وارد میدان میشود. این یک حادثه‌ی عجیبی است؛ یک منظره‌ی پرشکوهی است در تاریخ که در مقابل چشم بشریت گذاشته شده است. امام حسین علیه‌السلام خود را برای یک چنین روزی آماده میکرد.

۱,۳. همه زندگی حسین بن علی درس است؛ لکن حادثه کربلا اینقدر درخشان است که مثل خورشیدی همه نورهای دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد

البته زندگی حسین بن علی علیه‌السلام در طول تاریخ زندگی پنجاه و چند ساله‌ی آن بزرگوار، همه درس است: دوران کودکی او درس است، دوران جوانی او درس است، در دوران امامت امام حسن علیه‌السلام رفتار او درس است، بعد از شهادت امام حسن علیه‌السلام رفتار او همه درس است. این جور نبود که کار امام حسین فقط در آن روز آخر باشد، لکن حادثه‌ی کربلا این قدر عظمت دارد، این قدر درخشان است که مثل خورشیدی همه‌ی نورهای دیگر را تحت الشعاع قرار میدهد؛ والا خطابه‌ی امام حسین علیه‌السلام خطاب به علما و بزرگان و صحابه و تابعین در منی - که در کتب حدیث ذکر شده است - یک سند تاریخی است؛ نامه‌ی آن بزرگوار خطاب به علما و بزرگان و پایه‌ها و ارکان دینی در زمان خودش - «ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ، عِصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ» (۱) که در کتب معتبر حدیث نقل شده است - یک سند تاریخی مهم است؛ رفتارهای آن بزرگوار؛ برخوردش با معاویه، نامه‌اش به معاویه؛ حضورش در کنار پدر در دوران کوتاه خلافت امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام؛ همه‌ی اینها قدم به قدم درس است؛ منتها حادثه‌ی عاشورا چیز دیگری است.

۱,۳,۱. درس حسین بن علی به امت اسلامی این است که برای حق، اقامه عدل و مقابله با ظلم، باید همیشه آماده بود و موجودی خود را به میدان آورد

امروز روز ولادت این بزرگوار است؛ در این روز باید از حسین بن علی درس آموخت؛ درس حسین بن علی علیه‌الصلاة والسلام به امت اسلامی این است که برای حق، برای عدل، برای اقامه‌ی عدل، برای مقابله با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موجودی خود را به میدان آورد؛ در آن سطح و در آن مقیاس، کار من و شما نیست؛ اما در سطوحی که با وضعیّت ما، با خُلقیات ما، با عادات ما متناسب باشد چرا؛ باید یاد بگیریم.

۱,۳,۲. درس او فقط درس شهادت نیست؛ حرکت و روحیه بابرکتی است که برای اقامه دین خدا و همه برکاتی که بر آن مترتب می‌شود، مفید است

امروز خوشبختانه ملت ایران این درس را از حسین بن علی آموخته است. سی و چند سال است که قاطبه‌ی ملت ایران در این راه حرکت میکند؛ حالا بالاخره یک نوادر و یک شواذی هم گوشه کنار هستند اما حرکت قاطبه‌ی ملت ایران در جهت و حرکت حسین بن علی است. سرنوشت آن بزرگوار شهادت بود اما درس او فقط درس راه شهادت نیست. این حرکت حرکت بابرکتی است، گاهی ممکن است مثل ماجرای حسین بن علی علیه‌السلام منتهی به شهادت بشود، اما این حالت، این روحیه، برای اقامه‌ی دین خدا و همه‌ی برکاتی که بر اقامه‌ی دین خدا مترتب است مفید است. ملت ایران با این روحیه وارد میدان شد، یک بنای ظلم ملی و بین‌المللی را در ایران ویران کرد، به جای آن بنای اسلامی پایه‌گذاری کرد. این جور نیست که حالا هر کس راه حسین بن علی را رفت، حتماً آخر کار بایستی به صورت ظاهر، به شکل دنیایی، ناکامی باشد؛ خیر، این راه را، این درس را در مقابل چشم بشریت گذاشته‌اند، می‌گویند اگر دنیا هم می‌خواهی، اگر عزّت هم می‌خواهی، در این راه است؛ باید حرکت کنی. ملت ایران این را تجربه کرده است؛ این را باید قدر دانست.

۱,۳,۳. ملت ایران عاشورایی وارد میدان شد و در یک انقلاب عظیم و کم نظیر پیروز شد؛ امروز هم همه قرائن نشان می‌دهد که به طرف جلو می‌تازد

ملت ایران حسینی و عاشورائی وارد میدان شد، در یک انقلاب عظیم و شاید بشود گفت بی‌نظیر در این سده‌های طولانی که جلوی چشم ما است - لا اقل کم‌نظیر - پیروز شد. ملت ایران این روش را اتخاذ کرد، تا امروز روزه‌روز پیش رفت. البته دشمنها با وسائل تبلیغاتی‌شان، با بلندگوهایشان حاضر نیستند صریحاً اعتراف بکنند به پیشرفت ملت ایران اما مردم دنیا کور که نیستند، می‌بینند دیگر؛ ایران دوران طاغوت کجا، ایران جمهوری اسلامی کجا؟ ایران سال ۵۷ کجا، ایران سال ۹۲ کجا؟ در علم، در سیاست، در امنیّت، در تسلط بر حوادث منطقه، در تأثیر در حوادث جهان، در امید و اعتماد به نفس در پیمودن راه عزّت و سعادت، امروز کجا، دیروز کجا؟ امروز ملت ایران دارد میتازد به طرف جلو. و ان شاء الله روزه‌روز این ادامه خواهد داشت؛ این را به شما عرض بکنم؛ همه‌ی قرائن این را نشان میدهد. خب این یک فصل است.

۲. ما وارد ماه شعبان شدیم؛ ماه عبادت و توسّل و فصل مناجات با خدا و مرتبط کردن این دل‌های پاک با معدن عظمت و نور الهی؛ این را باید قدر دانست

در کنار این فصل، این را هم عرض بکنیم که با قطع نظر از سوّم شعبان، ما وارد ماه شعبان شدیم. ماه عبادت، ماه توسّل، ماه مناجات؛ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ؛ (۲) فصل مناجات با خدای متعال، فصل مرتبط کردن این دل‌های پاک با معدن عظمت، با معدن نور؛ این را قدر باید دانست. این مناجات شعبانیّه یک تحفه‌ای است که در اختیار ما قرار داده شده است. خب ما دعا خیلی داریم، همه‌ی این دعاها هم پر از مضامین عالی است، اما بعضی یک برجستگی خاصّی دارند. من از امام بزرگوار (رضوان الله علیه) سؤال کردم، گفتم در میان این دعا‌هایی که از ائمه علیهم‌السلام رسیده است، شما به کدام دعا بیشتر علاقه‌مندید و دلبسته‌اید؟ فرمودند به دعای کمیل و مناجات شعبانیّه؛ به این دو دعا. امام یک دل متوجّه به خدا بود، اهل توسّل بود، اهل تضرّع بود، اهل خشوع بود، اهل اتصال با



مبدأ بود؛ وسیله‌ی بهتر در چشم او، این دو دعا بود: دعای کمیل، مناجات شعبانیّه. وقتی انسان مراجعه میکند به این دو دعا، دَقّت میکند، می‌بیند چقدر هم شبیه همدانند این دو دعا؛ شباهتهای زیادی به هم دارند؛ مناجات انسان خاشع، مناجات انسان متوکل به خدا؛ کَانِيَ بِنَفْسِي وَاقِفَةً بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ قَدْ أَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ تَعَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ؛ (۳) امید، امید به مغفرت الهی، به رحمت الهی، به توجّه الهی، بلندهمتّی در درخواست از پروردگار؛ اِلَهِی هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَ اَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ. (۴) ماه شعبان یک چنین ماهی است؛ دل‌های پاک، دل‌های نورانی، دل‌های جوان، از این موقعیت بهره بگیرند، استفاده کنند، رابطه‌تان را با خدا قوی کنید.

۲،۱. در راه عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه و توکل به خدا نقش اساسی دارد؛ عده‌ای غافلند و فقط روی محاسبات مادی محض محاسبه می‌کنند

در این راه عظمت و عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه میکنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظنّ به وعده‌ی الهی کأنّهُ هیچ راهی ندارد.

۲،۱،۱. محاسبات مادی را مستکبرین عالم بهتر از شما میکنند، پس چرا روزه‌روز عقب میروند؟ این به خاطر قطع ارتباط بامبدأ هستی است

خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند میکنند، بهتر از شما هم میکنند، چرا روزه‌روز عقب میروند؟ چرا دچار این همه مشکلات میشوند؟ چرا مجبور میشوند ظلم کنند؟ چرا مجبور میشوند لشگرکشی کنند – به افغانستان، به عراق، به پاکستان – انسان‌های بی‌گناه را بکشند؟ وَ إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ ضَعِيفٌ؛ (۵) آن کسی که ضعیف است احتیاج دارد به این که ظلم بکند؛ ضعیفند که ظلم میکنند؛ چون دستشان با سلاح آشنا است، این سلاح را بی‌محبا به کار میبرند، ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه؛ خب این خودش عقب‌رفت است، هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادی. روزه‌روز تمدّن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود میتند، و این مشکلات اینها را از پا خواهد انداخت؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است؛ فَتَصِلْ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ، وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ؛ (۶) اینها لازم است. امروز برای ملت ایران این زمینه آماده است.

ب) ضرورت‌های حماسه سیاسی، آثار حضور حداکثری در انتخابات و رای بالا به فرد منتخب، برجستگی‌های انتخابات امسال و تشکر از صداوسیما

۱. روز جمعه نقطه اوج حماسه سیاسی است؛ اما امروز این حماسه در کشور شروع شده است

من همین جا وارد مسئله‌ی انتخابات بشوم. گفتیم «حماسه‌ی سیاسی»؛ این حماسه‌ی سیاسی امروز شروع شده است. البته روز جمعه نقطه‌ی اوج این حماسه است؛ اما امروز بحمدالله انسان میبیند در کشور حماسه‌ی سیاسی شروع شده است. انتخابات امسال رنگ و بوی دیگری دارد. همه‌ی دنیا چشم‌ها را دوخته‌اند به این انتخابات؛ دشمنان ملت ایران چشمشان به این انتخابات است، دوستان ملت

ایران هم همین‌طور؛ میخواهند ببینند ملت ایران چه خواهد کرد. دشمنان پول‌ها خرج کردند، زحمته‌ها کشیدند، سیاست‌ها به کار بستند، به قول خودشان اتاقهای فکر تشکیل دادند، برای اینکه راهی پیدا کنند تا ملت ایران را از نظام اسلامی جدا کنند.

ملت ایران با حضور در پای صندوقهای رأی، با شرکت در رأی دادن، ارتباط و اتصال مستحکم خودش را با نظام اسلامی دارد اثبات میکند. این جلوی چشم مردم است. ملت ایران با این شور و شوقی که امروز مشاهده میشود – که خب بحمدالله شور و شوق مبارکی است – به امید خدا، با توکل به پروردگار، با همّت ملت عزیز، این حماسه به معنای واقعی تحقق خواهد یافت؛ یک نمایش قدرتی است، هم برای ملت ایران، هم برای نظام جمهوری اسلامی، در مقابل چشم دشمنان. این همه تلاش کردند ملت را جدا کنند، بی‌تفاوت کنند، نسبت به انتخابات بدبین کنند، نسبت به دستگاه برگزارکننده‌ی انتخابات بدبین کنند، اما ناکام شدند و ان‌شاءالله ناکام خواهند شد. این یک تجربه‌ی مهم و بزرگی است در مقابل ملت ایران.

۱،۱. اصرارم بر حضور حداکثری به‌خاطر این است که موجب میشود دشمن مأیوس شود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد

بنده اصرارم بر حضور حداکثری و عمومی ملت ایران به‌خاطر این است که می‌بینم و میدانم که حضور یکپارچه‌ی مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه‌ی مردم موجب میشود که دشمن مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد. اینکه ملاحظه میکنید دشمن در عرصه‌های مختلف، از زاویه‌های مختلف، گاهی تعرّضی، تجاوزی، پیش‌رفتی انجام میدهد، به‌خاطر این است که کسانی به او چراغ سبز میدهند، دشمن را امیدوار میکنند. بعضی از حرف‌ها دشمن را امیدوار میکنند؛ بعضی از قیافه‌گرفتن‌ها و رفتارها دشمن را امیدوار میکند. وقتی دشمن امیدوار شد، بر فشار خود می‌افزاید؛ وقتی دشمن ناامید شد، طبعاً خواهد دید فشار فایده‌ای ندارد، راه دیگری را دنبال میکند. مصونیت کشور، وابسته‌ی به حضور مردم است؛ کم شدن فشارهای دشمنان، وابسته‌ی به حضور مردم است، وابسته‌ی به اتحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوری اسلامی و حسّ اعتماد متقابل بین مردم و مسئولین است. این حسّ باید روزه‌روز تقویت بشود. بحمدالله روال انتخابات تا امروز روال خوبی بوده است.

۲. یکی از نکات برجسته در این انتخابات این است که گفتمان مردم، گفتمان قانون‌گرایی است؛ زیرا در سال ۸۸ عدم تبعیت از قانون به کشور لگزد

یکی از نکات برجسته و مثبتی که انسان مشاهده میکند – با خبرهایی که داریم، با اطلاعات آشکاری که وجود دارد – این است که گفتمان مردم در این انتخابات، گفتمان قانون‌گرایی است؛ با هر کسی صحبت میکنند، مصاحبه میکنند، مردم از تبعیت از قانون میگویند؛ این خیلی حادثه‌ی بالارزش و برجسته‌ای است؛ قانون‌گرایی. از بی‌قانونی مردم لطمه دیدند؛ در سال ۸۸ عدم تبعیت از قانون، لگد زدن به قانون، به کشور لگد زد؛ این را مردم دیدند. یکی از پدیده‌های برجسته‌ی امروز این است که مردم نگاهشان، گرایششان قانون‌گرایی است. خوشبختانه تا امروز، هم مسئولین، هم نامزدهای مختلف و محترم رعایت کردند جهات قانونی را، مراعات کردند؛ ان‌شاءالله بعد از این هم همین خواهد بود. یک نکته‌ی مهم این است.

۳. کاری که صداوسیما کرد و مردم را در جریان آراء و نظرات و نگاه‌های نامزدها به صورت روبه‌رو قرار داد، خیلی کار مفید و بالارزشی بود

یک نکته‌ی مهم دیگر این است که با حرکتی که صداوسیما انجام داد - اینکه نامزدهای مختلف، با گرایشهای مختلف، هشت نفر با هشت گرایش، با هشت نوع نگاه نسبت به مسائل گوناگون کشور، آمدند در مقابل چشم مردم نشستند حرفهایشان را زدند - یک عده‌ای که سالها است نعره میکشند که در این کشور آزادی بیان نیست، خجالت‌زده شدند. این کاری که صداوسیما کرد، مردم را در جریان افکار و آراء و نظرات و نگاه‌های نامزدها به صورت روبه‌رو قرار داد، این خیلی کار به نظر من مفید و بالارزشی بود.

۳،۱. جریانهای فکری و سیاسی به طور کامل، در مناظرات حضور داشتند؛ عده‌ای که سالها نعره میزدند در کشور آزادی بیان نیست، خجالت زده شدند

یک عده‌ای سالها مرتب نعره میزدند: آقا نمیگذارند، تربیون نمیدهند! بفرمایید، این هم تربیون، این هم حرف؛ نه برای یک گرایش خاص، برای هشت گرایش؛ آقایان هشت نفر بودند آن روز، هشت جور نسبت به مسائل کشور حرف زدند - تحلیلهای گوناگون، نظرات گوناگون - خب نظرات اشخاص محترم است.

۳،۲. بنده در زمینه مسائلی که آقایان در مناظره ها گفتند، مطالبی دارم؛ بعد از انتخابات حرف های گفتنی و حقایقی رابه ملت ایران عرض خواهم کرد

البته بنده حرفهایی دارم، در زمینه‌ی مسائلی که آن آقایان گفتند بنده مطالبی دارم، و قتش حالا نیست؛ ان شاءالله بعد از انتخابات اگر من زنده بودم، حقایقی را به ملت ایران عرض خواهم کرد - در پیرامون مطالبی که آن آقایان محترم بیان کردند، حرفهای گفتنی‌ای وجود دارد - لکن این خیلی خوب بود، برای ما خوشحال کننده بود. دشمنان جمهوری اسلامی، تهمت‌زنندگان به جمهوری اسلامی، خجالت‌زده شدند؛ دیدند این جور راحت، آزاد، نامزدها می‌آیند حرف می‌زنند، به یکی حمله میکنند، از یکی دفاع میکنند، سیاستی را محکوم میکنند، جریانی را اثبات میکنند. جریانهای فکری و سیاسی کشور به طور کامل، در این مناظرات حضور داشتند؛ این یکی از نقاط قوت انتخابات امسال بود.

۴. سال ۸۸، شور و هیجان بود، اما همراه با فحش و فضحیت! امروز هم مردم احساسات پرشور دارند، بدون اینکه تعرضی باشد؛ این خیلی بالارزش است

مردم هم احساس گرایشهای پرشور در خودشان میکنند، بدون اینکه تعرضی وجود داشته باشد. سال ۸۸، آن روز هم شور و هیجان بود منتها همراه با فحش و فضحیت! در این شهر تهران - حالا شهرستانها کمتر - مردم در این خیابانها راه میرفتند، یک عده به این یک عده به آن، یک عده علیه این یک عده علیه آن، شعار میدادند، حرف می‌زدند، به همدیگر می‌پريدند، بعضی‌ها در این بین پیدا میشدند بددهنی میکردند، فحش میدادند؛ در این انتخابات نه، شور و هیجان هست، احساسات هست، اما بی‌ادبی نیست، بی‌احترامی نیست. این خیلی بالارزش است؛ ما در چهار سال این قدر پیشرفت کردیم؛ خدا را شکر بر این پیشرفت و بر همه‌ی پیشرفتهای فراوان دیگری

که در این سالها بحمدالله برای کشور پیش آمده است.

۵. توصیه اول و اهم من حضور در پای صندوقهای رأی است؛ ممکن است بعضی ها نخواهند از نظام حمایت کنند، اما برای حمایت از کشور باید رای بدهند

من توصیه‌ی اول و اهم حضور در پای صندوقهای رأی است؛ این از همه چیز مهم‌تر است برای کشور. ممکن است بعضیها - حالا به هر دلیلی - نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت بکنند اما از کشورشان که میخواهند حمایت کنند، آنها هم باید بیایند پای صندوق رأی. همه باید بیایند پای صندوقهای رأی، حضور خودشان را اثبات کنند.

۶. اگر فردی که انتخاب می شود آراء بیشتری از مردم داشته باشد، بهتر میتواند از آن رأی دفاع کند و در مقابل معارضین کشور بایستد

هر کسی که انتخاب خواهد شد - که تقدیر الهی را ما نمیدانیم - اگر چنانچه آراء بیشتری از مردم را داشته باشد، در صورتی که دارای رأی سدید و خوبی باشد، بهتر میتواند از آن رأی دفاع کند؛ میتواند در مقابل معارضین کشور بایستد. کشور ما دشمن دارد، معارض دارد. در عرصه‌ی بین‌المللی، دشمن بین‌المللی دشمنی نیست که با رودربایستی و با من بمیرم، تو بمیری کنار بکشد؛ در دنیا سیاست این‌جوری نیست که با رودربایستی بگوییم: طرف را خجالت‌زده کنیم، مثلاً عقب بکشد؛ نخیر، هرچه شما ضعف نشان بدهید، او می‌آید جلو؛ هرچه شما عقب بکشید، او جری‌تر میشود. این را ما تجربه کردیم؛ یک جاهایی عقب کشیدیم، دشمن ما جری‌تر شد؛ یک چیزی او گفت، ما به خیال یک مصلحتی حرف او را قبول کردیم، دیدیم پایش را گذاشت روی آن حرف، یک قدم آمد جلو؛ دشمن این‌جوری است.

۶،۱. در مقابل دشمن بین المللی، با اراده قوی، اعتماد به ملت و توکل به خدا باید راه را انتخاب کرد و بانگاه صحیح، عاقلانه و مدبرانه پیشرفت در مقابل دشمن بین‌المللی، با اراده‌ی قوی، با احساس عزت، با اعتماد به این ملت - به این ملت باید اعتماد کرد، ملت ما ملت شجاع و رشیدی است - و با توکل به خدای بزرگ و با حسن ظن به وعده‌ی الهی، بایستی راه را انتخاب کرد، با نگاه صحیح، عاقلانه، مدبرانه پیش رفت، آن وقت خدای متعال هم به این چنین کاری برکت خواهد داد و توفیقات الهی شامل حال همه خواهد شد.

موخره

بنده امیدوارم به فضل پروردگار و به لطف الهی که ان شاءالله این امتحانی که در پیش داریم - امتحان روز جمعه‌ی آینده، امتحان انتخابات، امتحان حضور در پای صندوقهای رأی - خدای متعال کمک کند و ملت ایران ان شاءالله در این انتخابات موفق و پیروز بشود؛ بحوله و قوته.

والسلام علیکم و رحمۀالله و برکاته

پاورقی

(۱) تحف‌العقول، ص ۳۳۷

(۲) مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	توجه و توکل به خدا در مسیر پیشرف عزتمدارانه	ملت	در این راه عظمت و عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکّل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادیّ محض محاسبه میکنند؛ در محاسباتشان معنویّت و کمک الهی و توکّل به خدا و حسن ظنّ به وعده‌ی الهی کأنّهُ هیچ راهی ندارد.
۲	اصرار بر حضور حداکثری و عمومی در انتخابات	ملت	بنده اصرارم بر حضور حداکثری و عمومی ملت ایران به‌خاطر این است که می‌بینم و میدانم که حضور یکپارچه‌ی مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه‌ی مردم موجب میشود که دشمن مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد... مصونیّت کشور، وابسته‌ی به حضور مردم است؛ کم شدن فشارهای دشمنان، وابسته‌ی به حضور مردم است، وابسته‌ی به اتّحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوری اسلامی و حسنّ اعتماد متقابل بین مردم و مسئولین است. این حسنّ باید روزبه‌روز تقویت بشود.

دوری از حرف‌ها، قیافه گرفتن
ها و رفتارهای امیدوار کننده
برای کشور

نامزدهای
انتخابات
و نخبگان
سیاسی

اینکه ملاحظه میکنید دشمن در عرصه‌های مختلف، از زاویه‌های مختلف، گاهی تعرّضی، تجاوزی، پیش‌رفتی انجام میدهد، به‌خاطر این است که کسانی به او چراغ سبز میدهند، دشمن را امیدوار میکنند. بعضی از حرف‌ها دشمن را امیدوار میکند؛ بعضی از قیافه‌گرفتن‌ها و رفتارها دشمن را امیدوار میکند. وقتی دشمن امیدوار شد، بر فشار خود می‌افزاید؛ وقتی دشمن ناامید شد، طبعاً خواهد دید فشار فایده‌ای ندارد، راه دیگری را دنبال میکند

رعایت جهات قانونی در
انتخابات

نامزدهای
انتخاباتی

خوشبختانه تا امروز، هم مسئولین، هم نامزدهای مختلف و محترم رعایت کردند جهات قانونی را، مراعات کردند؛ ان‌شاءالله بعد از این هم همین خواهد بود.

توصیه اهمم به حضور در
پایصندوقهای رأی

مردم

من توصیه‌ی اوّل و اهمّم حضور در پای صندوقهای رأی است؛ این از همه چیز مهم‌تر است برای کشور. ممکن است بعضیها - حالا به هر دلیلی - نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت بکنند امّا از کشورشان که میخواهند حمایت کنند، آنها هم باید بیایند پای صندوق رأی. همه باید بیایند پای صندوقهای رأی، حضور خودشان را اثبات کنند.



۶	دوری از عقب نشینی و ضعف در مقابل دشمن	مسئولان کشور	در عرصه‌ی بین‌المللی، دشمن بین‌المللی دشمنی نیست که با رودریایستی و با من بمیرم، تو بمیری کنار بکشد؛ در دنیا سیاست این جوری نیست که با رودریایستی بگوییم: طرف را خجالت‌زده کنیم، مثلاً عقب بکشد؛ نخیر، هرچه شما ضعف نشان بدهید، او می‌آید جلو؛ هرچه شما عقب بکشید، او جری‌تر می‌شود. این را ما تجربه کردیم؛ یک جاهایی عقب کشیدیم، دشمن ما جری‌تر شد؛ یک چیزی او گفت، ما به خیال یک مصلحتی حرف او را قبول کردیم، دیدیم پایش را گذاشت روی آن حرف، یک قدم آمد جلو؛ دشمن این جوری است.
۷	برخورداری از نگاه صحیح، عاقلانه و مدبرانه در مقابل دشمن بین‌المللی		در مقابل دشمن بین‌المللی، با اراده‌ی قوی، با احساس عزّت، با اعتماد به این ملت - به این ملت باید اعتماد کرد، ملت ما ملت شجاع و رشیدی است - و با توکل به خدای بزرگ و با حسن ظنّ به وعده‌ی الهی، بایستی راه را انتخاب کرد، با نگاه صحیح، عاقلانه، مدبرانه پیش رفت، آن وقت خدای متعال هم به این‌چنین کاری برکت خواهد داد و توفیقات الهی شامل حال همه خواهد شد.

خبرنگار صداوسیما: سلام عرض می‌کنم؛ صبح حضرتعالی بخیر.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: سلام علیکم و رحمه‌الله.

خبرنگار صداوسیما: حماسه‌ی سیاسی مورد نظر حضرتعالی آغاز شده؛ توقّع حضرتعالی از مردم و دست‌اندرکاران انتخابات برای تحقق کامل این حماسه چیست؟
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: بسم‌الله الرحمن الرحیم. خداوند متعال را سپاسگزاریم که به ما و ملت عزیزمان این توفیق را داد که یک بار دیگر در حرکتی و اقدامی که در سرنوشت کشور مؤثر است، توفیق پیدا کنیم و شرکت کنیم. همین‌طور که اشاره کردید، این حقیقتاً یک **حماسه** است؛ و ان‌شاءالله امروز ملت ایران نشان خواهند داد که به معنای حقیقی کلمه، حماسه به وجود خواهند آورد. توقّع بنده‌ی حقیر از ملت عزیزمان این است که همه شرکت کنند؛ و توصیه می‌کنم



که زود حضور پیدا کنند، تأخیر نیندازند - فی التأخیر افات - یعنی همین اوّل صبح، در نیمه‌ی اوّل روز، نگذارند دیروقت بشود. من به ۳۱ نفر برای شورای شهر رأی دادم. البته بعضی از این حضرات را از نزدیک می‌شناختم، بعضی را هم نمی‌شناختم، لکن اعتماد کردم به همین فهرستهایی که پیشنهاد می‌کنند و می‌دهند؛ یکی از آنها را ما گرفتیم و به اعتماد آنها، بقیه‌ی کسانی را که نمی‌شناختم نامشان را نوشتیم. امیدواریم خداوند ان‌شاءالله برکت بدهد و بتوانند اینها در تهران به وظائف خودشان بخوبی عمل کنند و در همه‌ی شهرها و روستاها ان‌شاءالله عناصر مؤمن و علاقه‌مند به کار و کاری انتخاب بشوند. برای ریاست جمهوری هم در بین این حضراتی که هستند، یک نفر را به نظرم رسید و انتخاب کردم. به کسی هم نگفتم تا الان؛ حتی کسانی نزدیک من - خانواده‌ی من، فرزندان من - مطلع نیستند که من به چه کسی رأی دادم. وظیفه‌ی مردم است که تحقیق کنند؛ لابد تا حالا تحقیق کرده‌اند و انتخاب کرده‌اند کسی را که می‌خواهند به او رأی بدهند. امیدواریم خداوند به انتخاب مردم برکت بدهد و آنچه که خیر این کشور و خیر این ملت و موجب سعادت و رفاه مادی و معنوی مردم است ان‌شاءالله تحقق پیدا کند. عمده این است که همه شرکت کنند. من به این حضرات محترمی که مسئولان صندوقها و مسئولان بازشماری و قرائت آراء و اینها هستند، یک توصیه به این عزیزان دارم و آن این است که بدانند رأی مردم امانتی است دست آنها و حق الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حق الناس است. همان‌طور که میدانید حق الناس را انسان بیشتر بایستی رعایت کند و خروج



گفت‌وگو با خبرنگاران صداوسیما
پس از شرکت در انتخابات
۱۳۹۲/۳/۲۴

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	حضور پیدا کردن پای صندوق رای در نیمه اول روز	همه ملت	ان شاء الله امروز ملت ایران نشان خواهند داد که به معنای حقیقی کلمه، حماسه به وجود خواهند آورد. توقع بنده‌ی حقیر از ملت عزیزمان این است که همه شرکت کنند؛ و توصیه می‌کنم که زود حضور پیدا کنند، تأخیر نیندازند - فی التأخیر افات - یعنی همین اول صبح، در نیمه‌ی اول روز، نگذارند دیروقت بشود... حضور پیدا کنند، بهنگام حضور پیدا کنند، و قدر بدانند این فرصت را.
۲	رای دادن به همه کاندیداهای مورد نیاز در انتخابات شورای شهر و روستا	مردم	من به ۳۱ نفر برای شورای شهر رأی دادم. البته بعضی از این حضرات را از نزدیک می‌شناختم، بعضی را هم نمی‌شناختم، لکن اعتماد کردم به همین فهرستهایی که پیشنهاد میکنند و میدهند؛ یکی از آنها را ما گرفتیم و به اعتماد آنها، بقیه‌ی کسانی را که نمی‌شناختم نامشان را نوشتیم. امیدواریم خداوند ان شاء الله برکت بدهد و بتوانند اینها در تهران به وظائف خودشان بخوبی عمل کنند و در همه‌ی شهرها و روستاها ان شاء الله عناصر مؤمن و علاقه‌مند به کار و کاری انتخاب بشوند.
۳	تحقیق کردن برای رای دادن به نامزد مورد نظر	مردم	وظیفه‌ی مردم است که تحقیق کنند؛ لابد تا حالا تحقیق کرده‌اند و انتخاب کرده‌اند کسی را که میخواهند به او رأی بدهند. امیدواریم خداوند به انتخاب مردم برکت بدهد و آنچه که خیر این کشور و خیر این ملت و موجب سعادت و رفاه مادی و معنوی مردم است ان شاء الله تحقق پیدا کند.

از عهده‌ی حقّ النَّاس سخت‌تر است از خروج از عهده‌ی حقّ الله. لذا است که خیلی باید در این زمینه توجّه کنند. ملت عزیز ما هم با شوق و انگیزه وارد بشوند؛ بدانند که سرنوشت کشور دست آنها است، و سعادت این ملت بستگی دارد به انتخاب آنها؛ هم به اینکه فرد شایسته را انتخاب کنند، هم به اینکه اصلاً وارد مرحله‌ی انتخاب بشوند؛ خود این ورود در مرحله‌ی انتخاب، تأثیر دارد در سعادت کشور. لذا شما می‌بینید مخالفین ملت ایران و دشمنان ملت ایران سعی میکنند - از مدتی پیش - کاری کنند که مردم یا مأیوس بشوند یا بدبین بشوند یا تنبلی کنند یا اهمّیت ندهند، لذا پای صندوقها نیایند. دیگر حالا کار این «کارشکنی» از مطبوعات و رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها گذشته، به خود سیاستمداران جبهه‌ی دشمن ملت ایران رسیده؛ آنها هم حتّی دخالت میکنند. شخصیت‌های معروف سیاسی غربی، آنهایی که وابسته‌ی به جبهه‌ی دشمنند، می‌بینید که علیه **حضور مردم** فعالیت میکنند. اخیراً شنیدم که از شورای امنیّت ملی آمریکا کسی گفته که ما این انتخابات ایران را قبول نداریم. خب به درک که قبول ندارید! اگر قرار بود ملت ایران منتظر بماند که شما چه چیزی را قبول دارید و چه چیزی را میل دارید، آن طور عمل بکند، که کلاهش پس معرکه بود. ملت ایران نگاه میکند ببیند خودش چه چیزی را احتیاج دارد و مصلحت او در چیست، آن را دنبال خواهد کرد. ان شاء الله که خداوند متعال به امروز برای ملت ایران برکت بدهد؛ و کمک کند به ذهنها و دلهای مردم که آنچه شایسته‌ی آنها است، آنچه مطابق با شأن ملت ایران است، آن ان شاء الله پیش بیاید.

خبرنگار صداوسیما: اجازه می‌خواهم از طرف همه‌ی همکارانم در رسانه‌ی ملی بویژه همکارانم در رادیو ایران، اعیاد شعبانیّه را به حضور جنابعالی و به حضور همه‌ی هم‌وطنان عزیز و غیور و غیرتمندمان تبریک و تهنیت عرض بکنم. حضرتعالی این بار هم بسان سالهای گذشته در اولین لحظات - یعنی رأس ساعت هشت صبح - به پای صندوق رأی آمدید. تعبیر و تفسیر حقیر این است که میخواهید پیامی را با این حضور بموقع در پای صندوق رأی به هم‌وطنان مان منتقل بکنید. از زبان حضرتعالی بشنویم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای: ان شاء الله که موفق باشید. عرض کردم، پیام همین است که حضور پیدا کنند، بهنگام حضور پیدا کنند، و قدر بدانند این فرصت را. من هم این اعیاد شریفه را به همه‌ی شما کسانی که اینجا حضور دارید و به همه‌ی ملت ایران تبریک عرض میکنم. ان شاء الله موفق باشید.

پیام به مناسبت حضور حماسی مردم
در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم
۱۳۹۲/۳/۲۵



ملت عزیز ایران!

صحنه‌ی حماسی و پُرشور انتخابات در روز جمعه‌ی ۲۴ خرداد، آزمون خیره‌کننده‌ی دیگری بود که چهره‌ی مصمّم و پرامید ایران اسلامی را در معرض نگاه دوستان و دشمنان نهاد. رشد فزاینده‌ی سیاسی و پای‌فشردن بر مردم‌سالاری دینی صادقانه، حقیقت تابناکی است که با حضور متراکم شما در پای صندوق‌های رأی، یک بار دیگر در عمل به اثبات رسید و باطل‌السّحر بافته‌ها و گزافه‌های دشمنان و حسودان و طمع‌ورزان شد. حماسه‌ی حضور شما پیوند مستحکم ایران و ایرانی را با نظام اسلامی به رخ همه‌ی بدخواهانی کشید که با صد ترفند سیاسی و اقتصادی و امنیتی در پی گسستن یا سست کردن این اعتماد و پیوند مقدس‌اند.

ایرانی مؤمن و غیور در انتخابات دیروز، ظرفیت عظیم خود را در مواجهه‌ی متین و خردمندانه با جنگ روانی بازیگران سلطه و استکبار، با زیبایی و چیره‌دستی هرچه تمام‌تر به تصویر کشید و کشور خود و منافع ملی خود و آینده‌ی پُرتلاش و امیدوارانه‌ی خود را بیمه کرد.

پیروز حقیقی انتخابات دیروز ملت بزرگ ایران است که به حول و قوه‌ی الهی توانست گامی استوار بردارد و گوهر نفوذناپذیر و چهره‌ی پُرنشاط و مصمّم و دل‌سرشار از امید و ایمان خود را به نمایش بگذارد.

این جانب با خشوع و خاکساری در برابر لطف و رحمت خداوند حکیم و علیم، جبهه‌ی سپاس بر زمین می‌سایم و خود و شما را به ذکر و شکر و قدرشناسی این نعمت بزرگ فرامی‌خوانم و با سلام و عرض اخلاص به حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی‌فداه و تبریک به ملت عزیز و به رئیس‌جمهور منتخب -جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسن روحانی- نکاتی را به ایشان و همه‌ی آحاد ملت عرض می‌کنم:

۱. اکنون که حماسه‌ی سیاسی و نقطه‌ی اوج آن در جمعه‌ی بیست‌و‌چهارم خرداد با پیروزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به سرانجام رسیده است، هیجان و التهاب روزها و هفته‌های رقابت، باید جای خود را به همکاری و رفاقت داده و طرفداران نامزدهای رقیب در آزمون بردباری و متانت و دانایی نیز جایگاه شایسته‌ی خود را به دست آورند. هیچ احساسی، چه شادمانی و چه ناشادمانی، نباید کسی را به رفتار و گفتاری دور از شأن خردمندی و فرزangi وادار کند. نگذارید بدخواهان، احساسات مردم را ابزار خواسته‌های پلید خویش کنند. وحدت ملی و رفق و مدارا پشتوانه‌ی امنیت کشور و خنثی‌کننده‌ی ترفندهای دشمنان است.

۲. رئیس‌جمهور منتخب، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت است. همه باید برای دست‌یافتن به آرمان‌های بزرگی که رئیس‌جمهور و همکاران وی در دولت، متعهد و مسئول تحقق‌آند، به آنان کمک و با آنان همکاری صمیمانه کنند.

۴	توجه زیاد به حفظ امانت آرای مردم	مسئولان صندوقها، بازشماری و قرائت آراء	من به این حضرات محترمی که مسئولان صندوقها و مسئولان بازشماری و قرائت آراء و اینها هستند، یک توصیه به این عزیزان دارم و آن این است که بدانند رأی مردم امانتی است دست آنها و حقّ الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حقّ الناس است. همان‌طور که میدانید حقّ الناس را انسان بیشتر بایستی رعایت کند و خروج از عهده‌ی حقّ الناس سخت‌تر است از خروج از عهده‌ی حقّ الله. لذا است که خیلی باید در این زمینه توجّه کنند.
۵	ورود باشوق و انگیزه در انتخابات و انتخاب فرد شایسته	ملت	ملت عزیز ما هم با شوق و انگیزه وارد بشوند؛ بدانند که سرنوشت کشور دست آنها است، و سعادت این ملت بستگی دارد به انتخاب آنها؛ هم به اینکه فرد شایسته را انتخاب کنند، هم به اینکه اصلاً وارد مرحله‌ی انتخاب بشوند؛ خود این ورود در مرحله‌ی انتخاب، تأثیر دارد در سعادت کشور.

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	جایگزین شدن هیجان و التهاب روزهای رقابت با همکاری و رفاقت	طرفداران نامزدها	اکنون که حماسه‌ی سیاسی و نقطه‌ی اوج آن در جمعه‌ی بیست‌وچهارم خرداد با پیروزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به سرانجام رسیده است، هیجان و التهاب روزها و هفته‌های رقابت، باید جای خود را به همکاری و رفاقت داده و طرفداران نامزدهای رقیب در آزمون بردباری و متانت و دانایی نیز جایگاه شایسته‌ی خود را به دست آورند. هیچ احساسی، چه شادمانی و چه ناشادمانی، نباید کسی را به رفتار و گفتاری دور از شأن خردمندی و فرزانی وادار کند. نگذارید بدخواهان، احساسات مردم را ابزار خواسته‌های پلید خویش کنند. وحدت ملی و رفق و مدارا پشتوانه‌ی امنیت کشور و خنثی‌کننده‌ی ترفندهای دشمنان است.
۲	کمک همه به رئیس جمهور منتخب برای دست‌یافتن به آرمان‌های بزرگ انقلاب	ملت	رئیس‌جمهور منتخب، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت است. همه باید برای دست‌یافتن به آرمان‌های بزرگی که رئیس‌جمهور و همکاران وی در دولت، متعهد و مسئول تحقق آنند، به آنان کمک و با آنان همکاری صمیمانه کنند.
۳	بهره برداری از فرصت موجود تا روز پذیرش رسمی مسئولیت	رئیس جمهور منتخب	اکنون پس از هفته‌ها گفتن و شنودن، نوبت کار و اقدام است. رئیس‌جمهور منتخب تا روز پذیرش رسمی مسئولیت، دارای فرصت ارزشمندی است که شایسته است بیشترین بهره از آن برده شود و کارهایی که شروع مسئولیت خطیر ریاست‌جمهوری بدان نیازمند است، بی‌درنگ آغاز گردد.
۴	ادامه نقش آفرینی در عرصه های گوناگون انقلاب و نظام	نامزدهای ریاست جمهوری	تحقق حماسه‌ی انتخابات، بدون شرکت و رقابت و تلاش دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری امکان‌پذیر نبود. لازم می‌دانم از همه‌ی شخصیت‌های محترمی که پای در این میدان نهاده و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود، صحنه‌ی مسابقه‌ای شورانگیز را آفریدند، صمیمانه تشکر کنم و آنان را باز هم به نقش‌آفرینی در عرصه‌های گوناگون انقلاب و نظام اسلامی فرا بخوانم.

۳. اکنون پس از هفته‌ها گفتن و شنودن، نوبت کار و اقدام است. رئیس‌جمهور منتخب تا روز پذیرش رسمی مسئولیت، دارای فرصت ارزشمندی است که شایسته است بیشترین بهره از آن برده شود و کارهایی که شروع مسئولیت خطیر ریاست‌جمهوری بدان نیازمند است، بی‌درنگ آغاز گردد.

۴. تحقق حماسه‌ی انتخابات، بدون شرکت و رقابت و تلاش دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری امکان‌پذیر نبود. لازم می‌دانم از همه‌ی شخصیت‌های محترمی که پای در این میدان نهاده و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود، صحنه‌ی مسابقه‌ای شورانگیز را آفریدند، صمیمانه تشکر کنم و آنان را باز هم به نقش‌آفرینی در عرصه‌های گوناگون انقلاب و نظام اسلامی فرا بخوانم.

۵. و نیز لازم می‌دانم از همه‌ی آحاد ملت که این بار نیز حادثه‌ای ماندگار خلق کردند، به‌ویژه از حضرات مراجع معظم و علمای اعلام و نخبگان دانشگاهی و سیاسی و فرهنگی که در ترغیب به مشارکت، نقش‌های ارزنده ایفا کردند، و نیز از دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها و شهر و روستا به‌ویژه وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که زحمات طاقت‌فرسای این هفته‌های پُرکار را صبورانه تحمل کردند و با امانت کامل، این بار سنگین را به سرمنزل رساندند، و نیز از مأموران پُرتلاشی که امنیت این پدیده‌ی حساس را در کشوری با این وسعت، تا اقصی‌نقاط آن تضمین کردند و همچنین از همه‌ی دستگاه‌های همکار آنان، صمیمانه تشکر کنم و اجر وافر الهی را برای آنان مسألت نمایم.

۶. لازم می‌دانم به شکل ویژه از رسانه‌ی ملی و دست‌اندرکاران محترم آن که شور انتخابات را رهین تلاش هنرمندانه و مبتکرانه‌ی خود ساختند و راوی صادق و صریح گرایش‌ها و اندیشه‌ها و هدف‌های نامزدان ریاست‌جمهوری شدند و چگونگی دست‌به‌دست شدن قدرت در نظام جمهوری اسلامی را به شکل آشکار در برابر چشم جهانیان گذاشتند، تشکری بسزا و بلیغ کرده، اجر و توفیق آنان را از خداوند مسألت نمایم.

در پایان بار دیگر با خشوع و ابتهال، نعمت‌های بزرگ الهی را سپاس گفته و با تکریم یاد امام بزرگوار و شهیدان و ایثارگران عالی‌مقام، آینده‌ای هرچه بهتر را برای این کشور و این ملت آرزو و مسألت می‌کنم.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله

سید علی خامنه‌ای
۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۲



